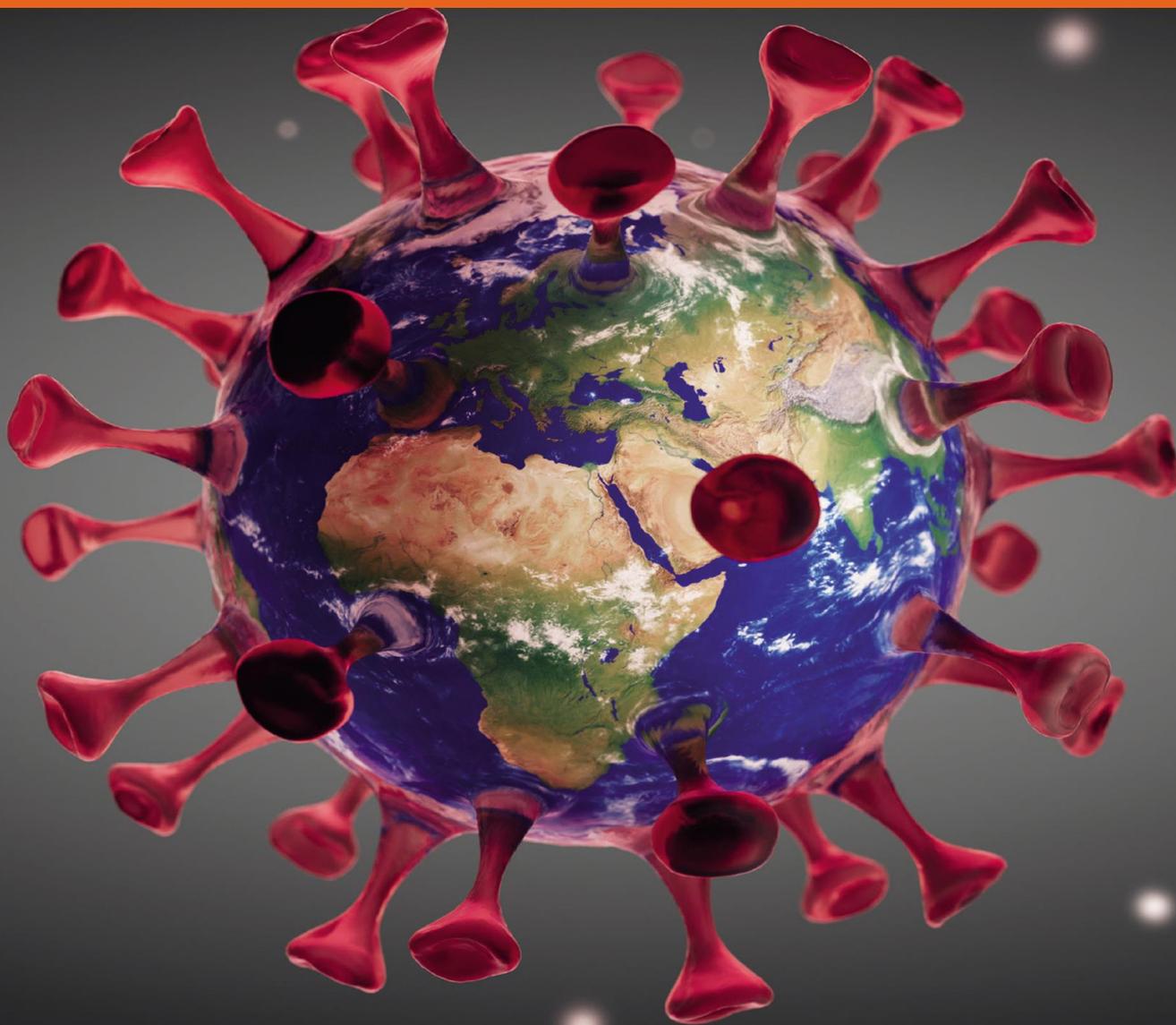


اقتصاد در زمان کووید ۱۹

ترجمه و خلاصه‌سازی کتاب

Economics in the Time of COVID19-. Centre for Economic Policy Research (CEPR)



مرکز تحقیقات آینده‌نگری
و نوآوری سلامت



پژوهشگاه آینده‌پژوهی و سلامت



معاونت آموزشی وزارت بهداشت
درمان و آموزش پزشکی



مترجمین: دکتر رضا دهنویه، مهدیه نوحی، فاطمه دهنویه، محمد تصون غلامحسینی، آتوسا پورشیخعلی، علی مسعود، منیره بلوچی، الهام کارگر، فخری ابراهیمی، آرزو عزیزی، کیهان سجادی، زهره نجات زادگان

فهرست مطالب

مقدمه	۴
فصل ۱- اقتصاد کلان آنفولانزا	۲۵
فصل ۲- مقابله با پیامدهای کووید ۱۹	۲۹
فصل ۳- تاثیر اقتصادی کووید- ۱۹	۳۳
فصل ۴- کرونا ویروس از طرق مختلف به خاورمیانه و شمال آفریقا آسیب می‌رساند	۳۸
فصل ۵- نگاهی رو به آینده در مورد تاثیر کرونا بر تجارت	۴۲
فصل ۶- تامین مالی در زمان کروناویروس	۵۰
فصل ۷- همه گیری: وجه تشابه هجومهای بانکی و کووید-۱۹	۵۳
فصل ۸- نگاه واقعی و مالی برای ارزیابی پیامدهای اقتصادی کووید-۱۹	۵۶
فصل ۹- آیا با گسترش کروناویروس، اتحادیه اروپا می‌تواند مرزهای خود را ببندد؟	۵۷
فصل ۱۰- تجارت و مسافرت در زمان اپیدمی	۶۰
فصل ۱۱- دوره زمانی طاعون و ابولا	۶۳
فصل ۱۲- سیاست‌های پولی کووید ۱۹	۶۸
فصل ۱۳- اثرات اقتصادی همه گیری	۷۰
فصل ۱۴- افکار مثبت در ارتباط با کووید ۱۹	۷۳

مقدمه

بیماری کووید-۱۹ در سراسر دنیا موجب نگرانی و مشکلات زیادی شده است که باید به آن توجه کنیم. با توجه به اینکه گسترش بیماری در سطح جهانی اتفاق افتاده است، نیاز هست تا پیشاپیش مسئله را از ابعاد مختلف بررسی کنیم به ویژه بعد اقتصادی و تنها پرداختن به جنبه‌های سلامت، اپیدمیولوژی و پزشکی کفایت نمی‌کند. همان طور که بیماری کووید-۱۹ در حال گسترش و همه‌گیری در سطح جهان است، تبعات اقتصادی آن نیز محدود به یک کشور یا منطقه نمی‌شود و در سطح دنیا تسری پیدا می‌کند.

این کتاب با مشارکت بسیاری از اقتصاددان‌های مطرح بین‌المللی در مدت کوتاه یک هفته تدوین شده است. سؤال‌های کلیدی اقتصادی که در این کتاب به آن پرداخته شده عبارتند از:

- چگونه و چقدر سریع امکان گسترش آسیب‌های اقتصادی وجود دارد؟
- اوضاع چقدر وخیم می‌شود؟ و این اوضاع چقدر طول می‌کشد؟
- مکانیسم‌های همه‌گیری شرایط اقتصادی چیست؟ و مهمتر از همه، دولت‌ها در مورد آن چه کاری می‌توانند انجام دهند؟

شرایط فوق‌العاده

درست چندماه پیش، به نظر می‌رسید اقتصاد جهانی در مسیر بهبودی و پیشرفت قرار گرفته است. اما الان این رشد، متوقف شده است. با گسترش کووید-۱۹ در سراسر جهان، مشخص شد که این ویروس پتانسیل آن را دارد که اقتصاد جهانی را مختل کند.

اندازه و استمرار تأثیر اقتصادی این ویروس ناشناخته است. مانند یک فرد سالم که دچار آنفولانزای فصلی می‌شود، ناراحتی‌های کوتاه مدت و مقطعی دارد اما به سرعت به وضعیت سلامت قبل خود باز می‌گردد، این بحران نیز می‌تواند چنین رفتاری داشته باشد که حالت "V" شکل دارد. اما تضمینی وجود ندارد که رفتار بیماری و تأثیر آن بر اقتصاد به این صورت باشد. نکته دیگر اینکه در حال حاضر دوره زمانه اینکه بگوییم کووید-۱۹ فقط مشکل چین است، گذشته است.

گرچه هنوز هم برخی فکر می‌کنند کووید-۱۹ می‌تواند یک بحران کوتاه و سریع باشد، اما به نظر نمی‌رسد احتمال درست بودن این نظر، بسیار کم است. این بیماری در بسیاری از کشورهای دنیا در حال گسترش است. اما نکته اصلی این است که وقتی عدم قطعیت بالایی در خصوص رفتار بیماری و نتایج وجود دارد، این شوک اقتصادی می‌تواند باعث ایجاد نتایج نامطلوب طولانی مدت شود و زخم‌های عمیقی را بر جای بگذارد، حتی عمیق‌تر از سایر بیماری‌ها و پاندمی‌هایی که تاکنون رخ داده است. تاریخچه پاندمی‌ها در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱- تاریخچه پاندمی‌ها

نام پاندمی	سال	نقطه شروع	کشورهای درگیر	گروه‌های سنی	نرخ مرگ و میر / شیوع	مرگ و میر جهانی
آنفلوآنزای آسیایی (N2H2)	موج اول: ابتدای سال ۱۹۵۷ تا اواخر ۱۹۵۷	استان یونان چین	چین، سنگاپور، هنگ کنگ، کشورهای نیمکره جنوبی، هند، استرالیا، اندونزی، پاکستان، اروپا، آمریکای شمالی و خاورمیانه شد. آفریقای جنوبی و آمریکای جنوبی، نیوزلند و جزایر اقیانوس آرام، آفریقای مرکزی، غربی و شرقی، اروپای شرقی و حوزه کارائیب	کودکان، مدرسه‌ای، بزرگسالان جوان و زنان باردار	نرخ مرگ و میر بین یک نفر در ۴۰۰۰ نفر و کمتر از ۰٫۲٪، متغیر است	۱٫۱ میلیون فوت در سراسر جهان (در ایالات متحده بین ۸۰،۰۰۰ تا ۱۱۰،۰۰۰ و در انگلیس و ولز حدود ۶۰۰۰ نفر)
	موج دوم: ۱۹۵۸	-	اروپا، آمریکای شمالی و ژاپن	سالمندان		
آنفلوآنزای هنگ کنگ (H3N2)	۱۳ ژوئیه ۱۹۶۸ تا اواخر ۱۹۶۹ (نقطه اوج در دسامبر ۱۹۶۸)	هنگ کنگ	هنگ کنگ، ویتنام، سنگاپور، هند، فیلیپین، استرالیا، اروپا، کالیفرنیا، ژاپن، آفریقا، آمریکای جنوبی	اکثر قربانیان بالای ۶۵ سال سن داشتند	نرخ شیوع در هنگ کنگ ۱۵ درصد از جمعیت کل	حدود یک میلیون نفر در کل جهان
آنفلوآنزای خوکی سال ۲۰۰۹ (N1H1)	آوریل ۲۰۰۹ (اعلام توسط سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۰)	کالیفرنیا	ایالات متحده آمریکا، مکزیک، اسپانیا، انگلیس بیشترین قربانیان را داشتند. (مدیر کل سازمان بهداشت جهانی از ۱۱ ژوئن ۲۰۰۹، حدود دو ماه پس از اولین کیس بیماری، وضعیت همه گیر جهانی را اعلام کرد)	-	۰۰۱-۰۰۷،۰۰۷٪ از جمعیت جهان کشته شدند	بین ۱۵۱،۷۰۰ تا ۵۷۵،۴۰۰ نفر در سراسر جهان
سندرم حاد تنفسی (SARS)	اواخر سال ۲۰۰۲ (از خانواده کرونا ویروس)	چین	سراسر جهان به ویژه تورنتو، هنگ کنگ و چین	-	مرگ و میر بالای ۹٫۶٪ (۷٪ چین، ۱۷٪ هنگ کنگ، ۱۱٪ تایوان، ۱۷٪ کانادا)	حدود ۲۲۵۸ نفر در کشورهای چین، هنگ کنگ، تایوان و کانادا
سندرم تنفسی خاورمیانه MERS	۲۰۱۲ (از خانواده کرونا ویروس)	عربستان در شترهای یک کوهانه	الجزایر، اتریش، بحرین، چین، مصر، فرانسه، آلمان، یونان، ایران، ایتالیا، اردن، کویت، لبنان، مالزی، هلند، عمان، فیلیپین، قطر، کره، تایلند، تونس، ترکیه، امارات متحده عربی، انگلیس، ایالات متحده و یمن (۸۰ درصد از کل مبتلایان مربوط به عربستان سعودی است)	-	نرخ مرگ و میر بالای ۳۵٪	-
ابولا	۱۹۷۶	جمهوری دموکراتیک کنگو و سودان	توسط مرگ و میر حدود ۵۰٪ (از ۲۵٪ تا ۹۰٪ با توجه به امواج شیوع) اولین شیوع این بیماری در سال ۱۹۷۶ در جمهوری دموکراتیک کنگو و سودان شناسایی شد که میزان مرگ و میر به ترتیب ۸۸٪ و ۵۳٪ بود که تقریباً ۳۰۰ مورد در هر دو ایالت وجود داشت. موج دوم در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۶ بود که در غرب آفریقا آغاز شد و بیشترین میزان ابتلا و مرگ و میر را از زمان کشف آن در سال ۱۹۷۶ داشت. این شیوع در سراسر کشورها با شروع در گینه با ۳۸۰۰ مورد و میزان مرگ و میر ۶۷٪ آغاز شد و سپس به سیرالئون، با ۱۴۱۲۴ مورد و میزان مرگ و میر ۲۸٪، و لیبیا با ۱۰،۶۷۵ مورد و میزان مرگ و میر ۴۵٪ حرکت کرد. جدیدترین شیوع آن در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹ در شرق جمهوری دموکراتیک کنگو آغاز شده است و از این زمان تا کنون ۵۴ مورد با میزان مرگ و میر ۶۱ درصد مشاهده شده است.			

شوک اقتصادی که به کشورهای G7 و چین وارد می‌شود.

این شوک از نظر اقتصادی رفتاری متفاوت نسبت به سایر پاندمی‌هایی دارد که تاکنون اتفاق افتاده‌اند. همه‌گیری‌های قبلی در زمانی که رخ دادند، کشورهایی را تحت تاثیر قرار دادند که نقش اقتصادی مهمی در سطح بین‌المللی نداشته و البته وسعت کمتری داشتند. در حال حاضر تعداد موارد کووید-۱۹ هشت یا نه برابر بیشتر از تعداد موارد سارس است. حداقل یک واقعت وحشتناک برای آن وجود دارد و آن این است که این بار پای کشورهای G7 و چین در میان است.

اطلاعات مرتبط با کرونا، هر ساعت تغییر می‌کند، اما با توجه به داده‌هایی که تا ۵ مارس ۲۰۲۰ وجود دارد، ده کشوری که به سختی از کووید-۱۹ ضربه دیده‌اند تقریباً لیست ده اقتصاد بزرگ جهان را تشکیل می‌دهند (که البته ایران و هند استثنا هستند). ایالات متحده، چین، ژاپن، آلمان، انگلیس، فرانسه و ایتالیا در رده‌های بالای کشورهای قرار دارند که به این بیماری مبتلا شده‌اند. در حالی که چین تقریباً سخت‌ترین ضربه را دیده است، در چند روز گذشته شاهد رشد نمایی موارد در اقتصادهای G7 بوده‌ایم. تنها کشورهای ایالات متحده، چین، ژاپن، آلمان، انگلیس، فرانسه و ایتالیا:

- ۶۰٪ از عرضه و تقاضای جهانی (تولید ناخالص داخلی)
- ۶۵٪ از تولیدات جهانی، و
- ۴۱٪ صادرات تولید جهان

را شامل می‌شوند. برای اینکه بخواهیم به این نتیجه برسیم که اتفاق بزرگی در راه است، کافی است بگوییم که اگر این کشورها یک عطسه کوچک بزنند، کل دنیا را سرما فرا خواهد گرفت. این اقتصادها - به ویژه چین، کره، ژاپن، آلمان و ایالات متحده دارای زنجیره‌های تامین جهانی هستند، بنابراین مشکلات آنها تقریباً در همه کشورهای دنیا "آلودگی زنجیره تامین" تولید خواهد کرد.

جدول ۲ - اقتصادهای برتر دنیا و کووید-۱۹ (منبع: داده‌های بانک جهانی)

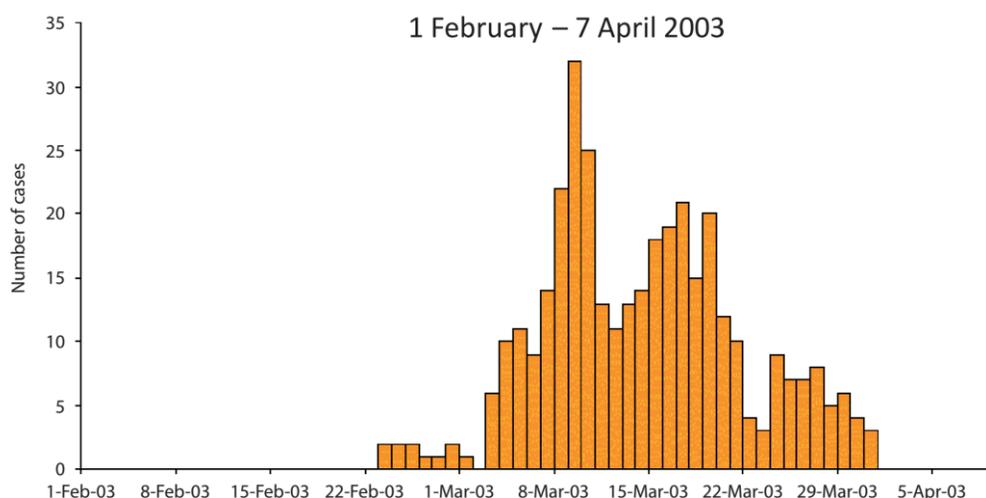
	GDP	Manufacturing	Exports	Manufactured exports	COVID19 cases	COVID-19 deaths
US	24%	16%	8%	8%	159	11
China	16%	29%	13%	18%	80,410	2,991
Japan	6%	8%	4%	5%	331	6
Germany	5%	6%	8%	10%	262	-
UK	3%	2%	2%	3%	85	-
France	3%	2%	3%	4%	285	4
India	3%	3%	2%	2%	28	-
Italy	2%	2%	3%	3%	3,089	107
Brazil	2%	1%	1%	1%	4	4
Canada	2%	0%	2%	2%	34	-

بخش تولید از سه جهت ضربه خواهد خورد.

۱. اختلال در عرضه مستقیم مانع تولید می شود، زیرا این بیماری روی قلب تولید جهان (آسیای شرقی) متمرکز است و به سرعت در حال گسترش به سمت غول‌های صنعتی، ایالات متحده و آلمان است.
۲. آلودگی و اختلال در زنجیره تأمین شوک‌های مستقیمی را به تولید وارد می کند. به گونه ای که حتی کشورهایی که زیان کمتری را از کووید-۱۹ دیده‌اند، در تأمین نهاده‌های وارداتی خود برای تولید دچار مشکل خواهند شد.
۳. کاهش شدید تقاضا خواهیم داشت به دلیل (۱) افت اقتصاد کلان در کل، اختلال در تقاضا وجود خواهد داشت که یعنی همان رکود اقتصادی؛ و (۲) تأخیر و تعلل مصرف کنندگان و شرکت‌های تولیدی در خرید شاید چون همه برای خرید دست نگه می دارند تا ببینند بالاخره آخر ماجرا چه می شود!

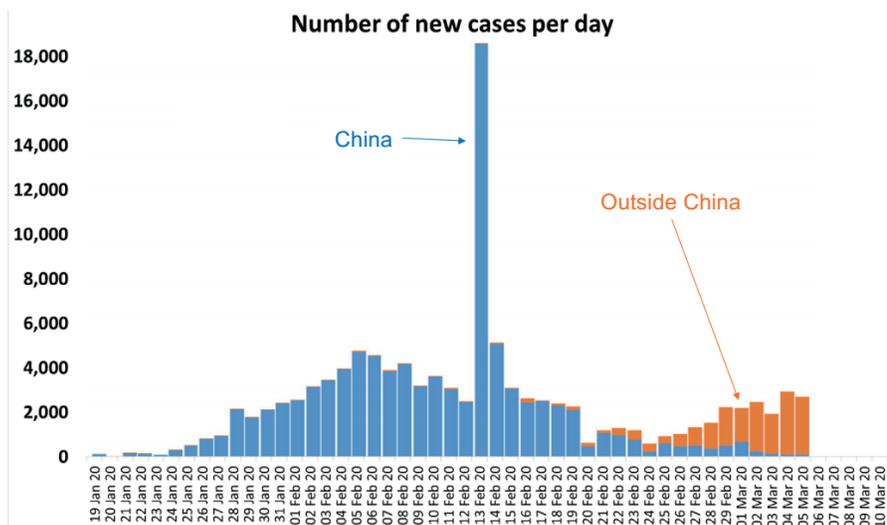
تولید کالا به طور کلی به تعویق افتاده است و بنابراین مستعد شوک‌هایی در تقاضا از نوع "توقف ناگهانی" هستیم، همانطور که در فروپاشی تجارت جهانی در سال ۲۰۰۹ شاهد آن بودیم. البته بخش خدمات در همه کشورهایی که ویروس به آن‌ها راه پیدا کرده است، با خالی شدن رستوران‌ها و سینماها آسیب دیده است اما احتمالاً بیشترین ضربه را بخش تولید خواهید دید.

داده‌ها نشان می دهد که شوک‌هایی در تأمین نیازهای تولیدی ایجاد شده است. تحلیل داده‌های فوریه ۲۰۲۰ در مورد شاخص کلیدی فعالیت‌های تولیدی چین کمترین میزان ثبت را نشان می دهد. ژنگشنگ ژونگ، اقتصاددان ارشد گروه CEBM می گوید: "اقتصاد تولید چین در ماه گذشته تحت تأثیر این بیماری همه گیر قرار گرفته است." "هر دو طرف تقاضا و زنجیره‌های تأمین دچار تضعیف و رکود شده‌اند". در حالی که نیروی کار چین به تدریج به کار خود باز می گردند، شاخص‌های تولید در سراسر آسیای شرقی کاهش چشمگیری به ویژه در کره جنوبی، ژاپن، ویتنام و تایوان داشته‌اند.

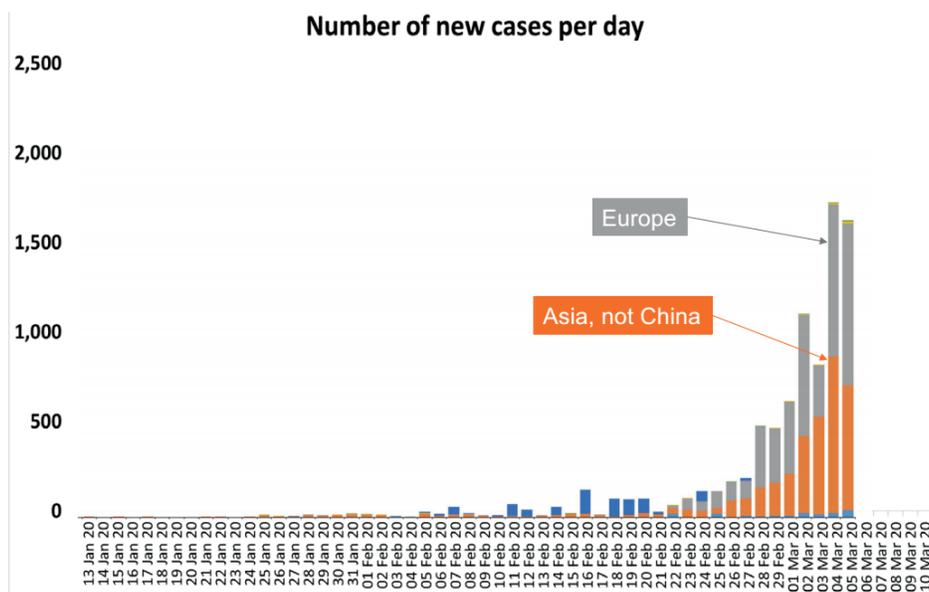


نمودار ۱- الف منحنی اپیدمیولوژیک بیماری سارس

به نظر می‌رسد کووید-۱۹ بین دو ویروس سارس و آنفلوانزا قرار دارد. مطالعات اولیه پزشکی نشان می‌دهد که کووید-۱۹ کشنده تر و در عین حال قابل انتقال تر از سارس است. منحنی اپیدمیولوژیک از ۵ مارس ۲۰۲۰ برای جهان در نمودار ۱-ب نشان داده شده است. در اینجا ما یک الگوی مشخص قله دوقلو را مشاهده می‌کنیم که ناشی از شیوع بین‌المللی ویروس است. نمودار ۱-ج-موارد خارج از چین را نشان می‌دهد، جایی که مشخصاً در مرحله شتاب قرار گرفته است.



نمودار ۱-ب منحنی اپیدمیولوژیک کووید-۱۹ در سطح جهان



نمودار ۱-ج منحنی اپیدمیولوژیک کووید-۱۹ در خارج از چین

معادله ساده همه‌گیری‌ها

اپیدمیولوژیست‌ها از مدل‌های ریاضی برای گسترش بیماری استفاده می‌کنند که برای اقتصاددانان آشنا است. مشهورترین این مدل‌ها، مدل SIR است. فرض اول این است که جمعیت می‌تواند در سه دسته جای گیرد: جمعیت مستعد، آلوده شده‌ها و بهبود یافته‌ها. کلمه SIR مخفف اول این سه گروه است. فرض دوم این است که جمعیت آلوده و مستعد به یک میزان شانس برخورد با یکدیگر را دارند. تعداد برخوردها برای افراد مستعد S و برای افراد آلوده I به ازای واحد زمانی است. اگر نرخ یا احتمال انتقال β باشد تعداد موارد جدید عبارت است از:

$$\beta \times I \times S$$

البته هر مورد جدید باعث بزرگ شدن گروه آلوده و کوچک شدن گروه مستعد خواهد شد. بعلاوه اندازه گروه I با بهبود افراد کوچکتر خواهد شد. سوال این جاست که چه تعداد افراد در طول زمان به بیماری مبتلا خواهند شد؟

از نظر دکتر سیرا ماداد این نوع خاص ویروس بسیار شیوع بالایی دارد و حدود ۴۰ تا ۷۰ درصد جمعیت جهان به آن مبتلا می‌شوند اما تعداد زیادی از این ابتلاها با علائم خفیف خواهد بود.

پاسخ‌های بهداشت عمومی

کنترل اپیدمی به معنای مسطح کردن منحنی اپیدمیولوژیکی است. این عمل با کاستن از نرخ عفونت انجام می‌شود. برای مثال این کار با کاستن از ارتباط فرد به فرد با تعطیلی مدارس و کار افراد و ممنوعیت مسافرت‌ها در کنار جداسازی و درمان افراد آلوده و قرنطینه نمودن افراد مشکوک امکان پذیر است. مسطح کردن منحنی جان افراد را مستقیماً نجات می‌دهد (آلودگی کمتر و مرگ کمتر) همچنین به طور غیر مستقیم از مشکلات سیستم بهداشت و درمان نیز می‌کاهد.

مسطح کردن منحنی وابسته به اقدامات دولت‌ها برای مقابله با بیماری است. واقعیت تلخ آن است که ما در قرن ۲۱ ابزارهایی برای مقابله با این بیماری نداریم. واکسن یا درمانی برای آن نیست. تنها چیزی که داریم همان مواردی است که اوایل قرن بیست برای کنترل اپیدمی‌ها استفاده می‌کردیم.

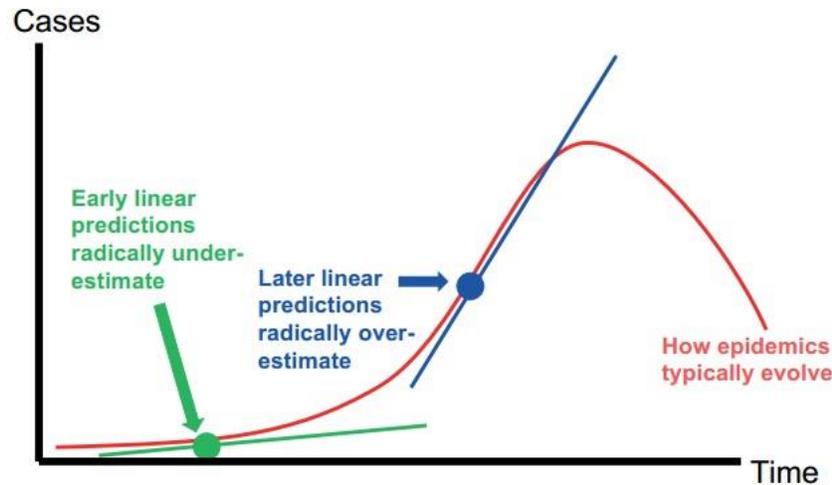
ماهیت شوک‌های اقتصادی

وقتی شوک‌های اقتصادی اتفاق می‌افتد لازم است سه منبع آن را از هم تمایز دهیم که البته دو مورد اول عینی و ملموس هستند:

- اول شوک ناشی از تبعات سلامتی است چرا که افراد روی تخت بیماری قادر به تولید GDP نیستند.
- دوم اثرات اقتصادی ناشی از اقدامات عمومی و خصوصی است چرا که بستن مدارس و کارخانه‌ها، محدودیت مسافرت‌ها و قرنطینه‌ها آن را ایجاد می‌کند.
- سوم آنچه که به طور ذهنی در مغز همه ما در زمان اپیدمی‌ها اتفاق می‌افتد.

شوک‌های اقتصادی مبتنی بر باورها

رفتار انسان‌ها مبتنی بر باورهایشان است و این باورها می‌توانند منجر به خطاهای شناختی شود که در شکل زیر نشان داده شده است. ذهن انسان در طول زمان تکامل پیدا می‌کند به طوری که آینده را می‌توان از تحلیل تکامل گذشته فهمید. استفاده از تغییرات گذشته برای پیش‌بینی آینده به صورت خطی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال تخمین مبتلایان به کرونا بر اساس روندهای مبتلایان قبلی طبیعی است ولی میزان خطای آن می‌تواند بسیار زیاد باشد.



شکل ۱- خطاهای ناشی از مسیر مستقیم آینده

شکل ۱، یک پیش‌بینی خطی از منحنی اپیدمیولوژیک در روزهای ابتدایی است که میزان ابتلا به بیماری را زیر-برآورد نشان می‌دهد. پیش‌بینی خطی بعدی، شدت نتیجه را بیش-برآورد نشان می‌دهد. می‌توان به راحتی تصور کرد که وقتی تحلیلگران در رسانه‌ها از زیر-برآورد به بیش-برآورد تغییر گفتار می‌دهند، می‌تواند چه وحشتی ایجاد کند.

مایکل لیویت، رئیس سابق بخش سلامت و خدمات انسانی ایالات متحده می‌گوید: "هر کاری که قبل از یک بیماری همه‌گیر انجام دهیم، هشداردهنده به نظر می‌رسد. هر کاری که بعد از شیوع آن انجام دهیم کافی به نظر نمی‌رسد."

نگرانی‌ها و عکس‌العمل‌های بعد از ایجاد شوک، تا حدودی ناشی از باورها و اعتقادات مردم است. اگر مردم به مسئولان اطمینان داشته باشند، برای ذخیره مواد ضد عفونی‌کننده عجله نمی‌کنند، چون معتقدند که هیچ‌کس دیگری نیز این کار را انجام نخواهد داد. اما اگر به دلیل از بین رفتن اعتماد به توانایی دولت برای مهار گسترش ویروس، بسیاری اینطور فکر کنند که بقیه احتکار خواهند کرد، نتیجه می‌تواند هرج و مرج و هجوم جنون‌آمیز به فروشگاه‌ها باشد.

به بیان دقیق‌تر، وقتی باورهای افراد به باورهای دیگران وابسته باشد، نتیجه آن حرکت‌های جمعی و ایجاد وحشت است - درست همانند اتفاقاتی که در بحران‌های اقتصادی می‌افتد- از هجوم به بانک‌ها گرفته تا خرید سراسیمه دستمال توالت.

شوک‌های طرف عرضه

شوک‌های طرف عرضه ملموس تر هستند. تاثیر مستقیم بر طرف عرضه و واکنش‌های انسانی به ویروس را به وضوح می‌توان دید. مانند تعطیلی مدارس، شرکت‌ها و ادارات که طی آن مقامات و شرکت‌ها در کشورهای مختلفی، محل کار و مدارس را تعطیل کرده‌اند. پس از گزارش‌های پراکنده از موارد ابتلا به کووید-۱۹، بسیاری از شرکت‌های بزرگ ژاپنی به کارمندان خود دستور دادند که به کار خود در خانه ادامه دهند. این شیوه کاری به سرعت گسترش پیدا کرد. شرکت فورد موتور بعد از اینکه آزمایش دو نفر از کارکنان آن مثبت شد، تمام سفرها را از ۳ مارس ۲۰۲۰، ممنوع کرد و بسیاری از شرکت‌ها نیز به دنبال آن، همین اقدام را انجام دادند. از دیدگاه اقتصادی، این تعطیلی‌ها و ممنوعیت‌های مسافرتی، بهره‌وری را به طور مستقیم کاهش می‌دهد، چون به نحوی باعث کاهش موقت اشتغال افراد می‌شود.

به لطف فن آوری دیجیتال و نرم‌افزارهای مبتنی بر رایانش ابری و پایگاه‌های اطلاعاتی، امروزه بسیاری از کارها را می‌توان غیرحضوری و از راه دور انجام داد. اما حضور انسان در محیط کار به خصوص برای رسیدگی به کارهایی که نیاز به حضور مستقیم و فیزیکی دارند، لازم است. یکی از تولیدکنندگان محصولات بهداشت و درمان ژاپن، تصمیم گرفت تا برای همه کارکنان خود، شیوه کار از راه دور را اجرا کند، اما کارگران کارخانه‌های تولیدی برای اینکه بتوانند تقاضای رو به رشد برای ماسک‌های پزشکی را برآورده سازند، از این دستور مستثنی هستند.

دیگر اقدامات مربوط به سلامت عمومی با هدف کاهش شیوع بیماری - نظیر تعطیلی مدارس - به طور غیر مستقیم میزان اشتغال را کاهش می‌دهد، زیرا کارگران مجبورند در خانه بمانند تا از کودکانشان مراقبت کنند. ژاپن در تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۲۰ همه مدارس را به مدت یکماه تعطیل کرد؛ ایتالیا در ۴ مارس ۲۰۲۰ همین کار را انجام داد و این روند به سرعت در حال انجام است، زیرا انتقال کودک به کودک یک راه اصلی انتقال برای این بیماری است.

یکی دیگر از عوامل غیرمستقیم در کاهش موقتی اشتغال، غیبت افرادی است که برای مراقبت از بستگان بیمارشان سرکار نمی‌روند. این اتفاق به دلیل سیاست رایج کنونی (قرنطینه خانواده مبتلایان و کسانی که با آنان در ارتباط بودند)، رخ می‌دهد. شدت این شوک‌های وارده به طرف عرضه زمانی که به کارکنان بهداشتی مربوط می‌شود، افزایش می‌یابد. به عنوان مثال، بیمارستانی در یکی از استان‌های ژاپن با بیش‌ترین تعداد بیماران کووید-۱۹ مجبور به عدم قبول بیماران سرپایی به خاطر غیبت پرستاران (که برای مراقبت از کودکان خود در خانه مانده بودند) شد.

بلا تکلیفی در مورد الگوی انتشار شوک‌های سلامت

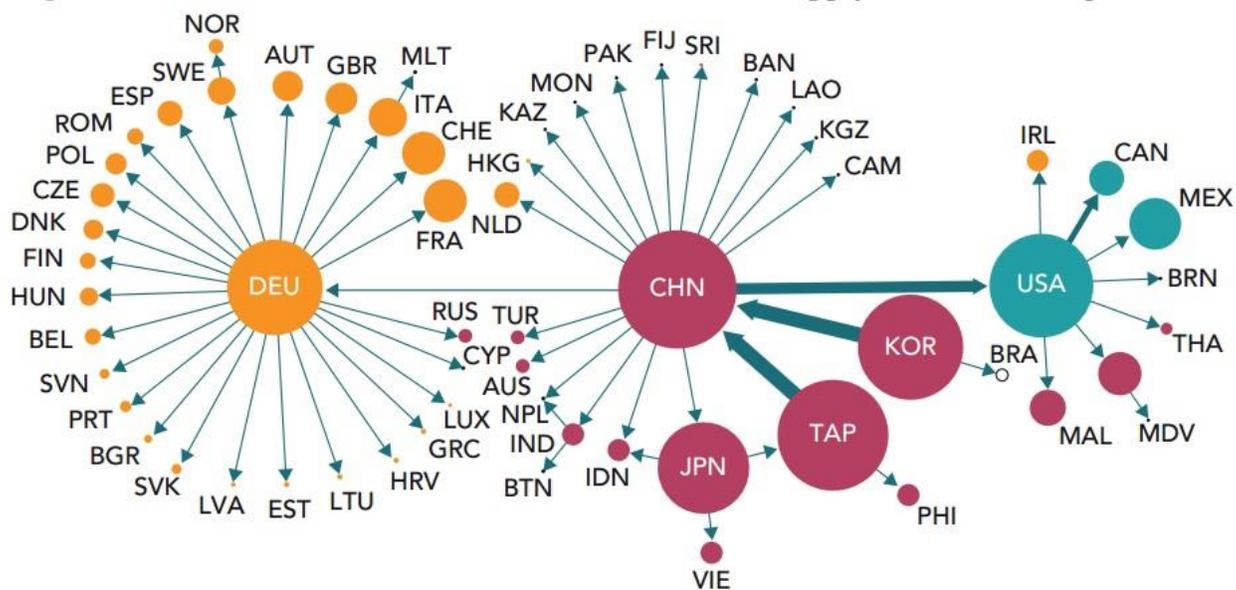
کووید-۱۹ اولین شوک طرف عرضه‌ای نیست که جهان به خود دیده باشد. "شوک‌های نفتی" دهه ۱۹۷۰ از معروف‌ترین این شوک‌ها بودند، اما نمونه‌های بسیار واضح آن شامل زیر آب رفتن کارخانجات تایلند در پی سیل و تخریب کارخانه‌های ژاپن بر اثر زلزله در سال ۲۰۱۱ بود. ماهیت همه این شوک‌ها کاملاً متفاوت بودند. ویژگی منحصر به فرد شوکی که کووید-۱۹ بر طرف عرضه وارد کرده، شیوه

انتشار آن است. شوکی که این ویروس بر طرف عرضه وارد می‌کند، مانند شوک یک سیل یا زلزله نیست. گسترش ویروس جدید لزوماً ارتباطی با فاصله جغرافیایی با مرکز شیوع آن (ووهان چین) ندارد - به طوری که بیماری در شمال ایتالیا نیز شیوع پیدا کرده است. نحوه انتشار شوک کووید-۱۹ بر طرف عرضه به صورت شبکه‌های درهم تنیده است و نه دایره‌های متحدالمرکز. به نظر می‌رسد مسیرهای هوایی و دریایی بر انتشار این ویروس در مرحله اولیه تاثیر می‌گذارند. علاوه بر این، از آنجایی که این ویروس افراد را درگیر می‌کند و رفتار انسان نیز به سختی قابل پیش بینی است، لذا در مورد میزان و مکان شوک وارد نمی‌توان قاطعانه سخن گفت.

نهایتاً، مدت زمان شوک بر عرضه، به میزان کشنده بودن ویروس بستگی دارد که آن هم به خاطر ماهیت ویروس و عکس العمل سیاست سلامت عمومی، به شدت نامشخص است. در سناریوهای بسیار افراطی که توسط برخی پیش‌بینی کنندگان اقتصادی در نظر گرفته شده است (به این معنا که میزان مرگ و میر بالا باشد)، این شوک می‌تواند با کاهش عرضه نیروی کار، به طور مستقیم و به طور دائم اشتغال را کاهش دهد.

شوک‌های وارد شده بر زنجیره تامین

تا اوایل مارس ۲۰۲۰، شیوع کووید-۱۹ متمرکز در چین بود و بیش از ۹۰ درصد موارد گزارش شده در آنجا بود. ژاپن و کره در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این کشورها نقش مهمی در زنجیره‌های تامین جهانی بسیاری از تولیدات ایفا می‌کنند. این فصل اطلاعات بیشتری درباره مفاهیم تجاری ارائه می‌دهد، اما نکته اساسی مستقیماً در شکل ۲ نشان داده شده است.



Source: Global Value Chain Development Report, 2019, www.WTO.org

شکل ۲- سه قطب به هم پیوسته در زنجیره تامین جهانی برای کالاهای ICT

در شکل ۲، اندازه حباب نشان‌دهنده اندازه کشور (ارزش تجاری) و ضخامت خطوط اتصال دهنده، اهمیت نسبی جریان‌های دو جانبه (جریان‌های کوچک برای شفافیت صفر می‌شوند) را نشان می‌دهد. این شکل به پیوندهای موجود بین زنجیره تامین بین‌المللی و کالاهای مربوط به بخش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) اشاره دارد. ویژگی‌های قابل توجه شکل ۲ به قرار زیر است:

- چین به عنوان کارگاه جهانی، مرکز کل شبکه جهانی است. بنابراین اختلال در تولید، منجر به شوک عرضه ثانویه در بخش‌های تولیدی در تقریباً تمام کشورها خواهد شد.
- بعد منطقه‌ای قوی در زنجیره‌های تامین وجود دارد، و این واقعیت که چین، کره، و ژاپن جزو پنج کشوری هستند که بیش از همه تحت تاثیر این ویروس قرار گرفته‌اند، به این معناست که شوک زنجیره تامین به شدت در آسیا احساس خواهد شد.

آلمان مرکز شبکه اروپا است. همچنین هفتمین کشوری است که بیش‌ترین آسیب را بخاطر ویروس در جهان دیده است (از ۵ مارس ۲۰۲۰). واضح است که همه‌گیری زنجیره تامین به احتمال زیاد منبع اصلی همه‌گیری بحران اقتصادی در اروپا است. همین نکات برای آمریکای شمالی نیز صدق می‌کند.

ایالات متحده از نظر مرگ و میر در رتبه پنج قرار دارد (به تاخیر انداختن و محدود بودن آزمایش در آمریکا به این معنی است که نرخ مرگ و میر در آنجا در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار فراتر از آمار رسمی است؛ براساس آمار رسمی، نرخ مرگ و میر در ایالات متحده، حدود دو برابر چین و ایتالیا است). شایان ذکر است که هند به عنوان هفتمین اقتصاد بزرگ جهان، چندان درگیر زنجیره‌های تامین نیست و ممکن است تا حدی از این نوع همه‌گیری بحران اقتصادی محافظت شود.

به عنوان یک نکته، این نمودار شبکه‌ای برای بخش‌های مختلف بسیار متفاوت به نظر می‌رسد. بهتر است که آن را بیش از حد تعمیم ندهیم و در واقع تجزیه و تحلیل بخش به بخش آن اهمیت دارد.

شوک‌های طرف تقاضا

شوک کووید-۱۹ بر طرف تقاضا از دو جنبه قابل تفکیک است: عملی و روانی. شوک عملی از این نظر که برخی از مشتریان از ورود به فروشگاه خودداری می‌کنند. به همین ترتیب، برخی خدمات درب منزل نیز به حالت تعلیق در می‌آیند، بنابراین مشتریان کمتر به کالاها دسترسی خواهند داشت. از منظر روانشناختی، مشتریان و شرکت‌ها در مواجهه با بلا تکلیفی حاصل از شیوع کووید-۱۹، مانند بحران سال ۲۰۰۸، تمایل دارند شیوه "احتیاط و صبر" را در پیش بگیرند.

در بحران‌های گذشته - مانند فروپاشی بزرگ تجاری سال‌های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹، مردم و شرکت‌ها از خرید کردن خودداری کردند و سرمایه‌گذاری‌ها را به تعویق انداختند. این کار می‌تواند زیان‌آور باشد، به‌ویژه وقتی که رسانه‌های بین‌المللی و ارتباطات شخصی افراد می‌توانند به طور همزمان و ناخواسته چنین باورهایی را القا کنند.

به عبارت دیگر، شوک احتیاط و صبر از طریق اینترنت همه‌گیر می‌شود. شوک طرف تقاضا نیازی به پیروی از مبادلات تجاری سنتی و روابط دو جانبه مالی ندارد. این موضوع در طی بحران جهانی ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ نیز نشان داده شد. مردم و شرکت‌ها در سراسر جهان، از

بحران مالی که در ایالات متحده جریان داشت شوکه شدند، در حالی که چند کشور به طور مستقیم گرفتار وام‌های درجه دو بودند، شوک روانی باعث شد تا خرید و سرمایه‌گذاری را به تعویق بیندازند. یک شوک مالی در آتلانتیک شمالی به یک شوک بزرگ و هماهنگ در تقاضای جهانی، تبدیل شد. حجم تجارت و تقریباً تمام تولیدات با سرعت و به طور همزمان در همه کشورها کاهش چشم‌گیری یافت. تاریخ در واکنش به شوک کووید-۱۹ این الگو را تکرار نخواهد کرد، اما به هر حال این یک احتمال است.

هر یک از این شوک‌های تقاضا در دور اول احتمالاً منوط به ضریب فزاینده کینزی می‌باشد. برای بسیاری از مردم و شرکت‌ها در سراسر دنیا، کار نکردن به این معنی عدم دریافت پول و حقوق است - و این یک مانع مهم برای رفع نیازهای آن‌هاست.

مدت زمان ماندگاری شوک

در طول این بحران، می‌توان دنبال سرخ‌هایی در تجربیات شوک‌های گذشته بود. اثرات منفی کووید-۱۹ بر تقاضای داخلی برای خدمات غیرقابل معامله، اگر مهار بیماری مدت زیادی طول بکشد، قابل توجه خواهد بود. شوک‌های اپیدمی قبلی کوتاه مدت بودند. اما شوکی که امروزه وجود دارد، مدت‌زمان آن مشخص نیست. چین حجم زیادی از کالاهای صنعتی را صادر می‌کند، بنابراین مدت زمان وقفه ممکن است به این بستگی داشته باشد که آیا شرکت‌ها می‌توانند جایگزینی برای کالاهای چینی پیدا کنند یا خیر.

در بدترین حالت کاهش تقاضا در کنار اختلال در عرضه، می‌توان و ضعیفی مشابه به بحران شوک نفتی در دهه ۱۹۷۰ را تصور کرد، زمانی که تقریباً همه کشورهای صنعتی دچار رکودی طولانی مدت شدند. بعضاً واکنش‌های دولت‌ها به ویروس می‌تواند مخرب‌تر و طولانی‌تر از خود ویروس باشند. تاریخ نشان داده است، بسیاری از مشکلات اقتصادی شوک نفتی دهه ۱۹۷۰، فقط به علت کمبود واقعی نفت نبود، بلکه ناشی از تورم به علت سیاست‌گذاری‌های نامناسب در اقتصاد کلان بود.

کانال‌های همه‌گیری بحران اقتصادی کووید-۱۹

در سطح جهانی، اقتصاد کشورها با گردش بین مرزی کالا، خدمات، دانش، افراد، سرمایه مالی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بانکداری بین‌المللی و نرخ ارز به یکدیگر متصل می‌شوند. اقتصادها از طریق باورها نیز با یکدیگر ارتباط دارند. همه این‌ها مکانیسمی برای انتشار شوک‌های اقتصادی، یا همه‌گیری بحران اقتصادی هستند. در داخل کشورها نیز، گردش برخی از موارد فوق‌الذکر، به احتمال زیاد نشان‌دهنده برداری است که جنبه‌های پزشکی و اقتصادی کووید-۱۹ را به یکدیگر ربط می‌دهد. بانک‌ها مراکز مناسبی برای همه‌گیری بحران سرمایه مالی، بحران باورها و بحران بانکداری بین‌المللی هستند.

بانک‌ها و دیگر موسسات مالی

بانکداری بین‌المللی از جالب‌ترین نمونه‌ها در همه‌گیری است. بحران جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ نیز مانند بسیاری از اتفاقات با بانک‌ها آغاز شد. پس از گذشت ده سال از تشدید مقررات در بانک‌ها، سپرهای محافظ سرمایه بیشتر شده و سیستم بانکی به طور کلی ایمن‌تر به نظر

^۲. نوعی از وام‌دهی بانک‌ها و مؤسسات مالی به وام‌گیرندگان با اعتبار پایین‌تر از معمول است

می‌رسد. حتی با وجود یک سناریوی نامطلوب با سهم ۸/۳٪ تولید ناخالص داخلی طی سه سال، بانک‌های اروپایی همچنان در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

روند کار بانک به خودی خود همه‌گیر است. اخبار مربوط به هجوم به یک بانک خاص، می‌تواند این واقعیت را فریاد بزند که شاید بانک‌های "ناکارآمد" دیگری نیز وجود داشته باشند و این باعث وحشت بیشتر شود. به بیان دیگر، وقتی افراد در مورد موضوعی اطلاعات کافی نداشته باشند، شوک‌های وارده می‌توانند باعث رفتارهایی شوند که منجر به افزایش نگرانی عمومی شوند. راه‌حل آن، شفافیت و ارتباط صادقانه دولت است.

ارتباط دهنده اثرات پزشکی و اقتصادی این ویروس که لزوماً بین‌المللی هم نیستند و در عین حال شاید مهم باشند، عدم پرداخت بدهی یا بحران مالی شرکت‌هایی غیر از بانک‌ها هستند. تقریباً همه کسب و کارها به عنوان بخشی از "تجارت معمول" و ام می‌گیرند و برای پرداخت بدهی، بر روی درآمد خود حساب باز می‌کنند. اگر شوکی مثل کووید-۱۹ منجر به توقف ناگهانی درآمد شود، "تجارت معمول" می‌تواند به ورشکستگی برسد.

بخش مالی غیربانکی

اگر اعتماد و وضعیت نقدینگی بدتر شود، این شرکت‌ها در معرض خطر بیشتری قرار خواهند گرفت. صندوق بین‌المللی پول این واقعیت را نشان داده است که با طولانی شدن شرایط مناسب مالی، سرمایه‌گذاران به دنبال موقعیت‌های سودآور بوده‌اند، به ویژه موسسات سرمایه‌گذاری با هدف بازده اسمی، در دارایی‌های ریسک‌پذیرتر و غیر نقدی بیشتری سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

بر اساس گزارش ثبات مالی جهانی صندوق بین‌المللی پول در اکتبر سال ۲۰۱۹، سازمان‌های غیر مالی و موسسات مالی غیر بانکی در چندین کشور مهم، سرمایه‌گذاری‌های مالی بسیار خطرناکی انجام داده‌اند. اگر بحران منجر به توقف ناگهانی در فرایند گرفتن وام شود، این بنگاه‌ها دچار مشکل می‌شوند.

تجارت

یکی از دلایلی که ویروس می‌تواند به اقتصاد داخلی کشورها ضربه بزند و در همه جا پخش شود، تجارت بین‌الملل است. تجارت زمانی رخ می‌دهد که کالا در یک کشور تولید و در کشور دیگر به فروش برسد. بنابراین کاملاً طبیعی است که روندهای تجارت به شوک‌های تقاضا (کاهش خرید) و شوک‌های عرضه (کاهش تولید) حساس باشند.

شوک‌های عرضه در اثر کووید-۱۹ (به دلیل تعطیلی کارخانه‌ها، ممنوعیت سفر، بسته شدن مرزها و غیره) صادرات از بخش‌های آسیب دیده در کشورهای آسیب دیده را کاهش خواهند داد. به عنوان مثال بر طبق گزارش رسانه‌های مختلف، صادرات چین قبلاً به شدت بخاطر شیوع ویروس‌ها آسیب دیده است؛ ارقام رسمی بعد از چند ماه تاخیر در دسترس می‌باشند.

^۳ یک وضعیت مداوم و تغییر ناپذیر با وجود مشکلات یا آشفتگی‌ها.

ژاپن یک نمونه واضح از این نوع شوک‌های عرضه است. بعد از گزارش‌های متناوب از موارد ابتلا به کووید-۱۹، بسیاری از شرکت‌های بزرگ ژاپنی به کارکنان خودشان اجازه کار در منزل را دادند. این کار حداقل در کوتاه مدت باعث کاهش بازدهی افراد می‌گردد. در همه‌گیری سارس در دو دهه پیش، کار کردن از راه دور (دور کاری) در چنین مقیاس بزرگی امکان پذیر نبود. تلفن‌های هوشمند در آن زمان، در دسترس همه نبودند. البته دور کاری همیشه نوسدارو نیست و حتی امروزه همه‌ی کارها از راه دور نمی‌توانند انجام شوند. حضور شخص در محل کار خصوصاً برای تولید کالاهای مرئی (قابل لمس) لازم است. یونی کرم^۴ یکی از تولیدکنندگان معروف محصولات مراقبت سلامت در ژاپن، اجازه دور کاری به کارمندان را داد، اما کارکنان خط تولید کارخانه از این دستور مستثنی شدند تا بتوانند تقاضای رو به رشد ماسک‌های پزشکی را تامین کنند.

شوک‌های عرضه در یک صنعت یا کشور، بر صنایع و کشورهایی که مواد اولیه تولیدات خود را از کشورها و صنایع کشورهای دیگر تامین می‌کنند، تاثیر می‌گذارند. همه‌گیری در زنجیره تامین، میراث مهم اقتصادی کووید-۱۹ خواهد بود. سه غول بزرگ تولید در آسیای شرقی - چین، کره جنوبی و ژاپن - بیش از ۲۵٪ واردات آمریکا و بیش از ۵۰٪ واردات محصولات الکترونیکی و کامپیوتری آمریکا را تشکیل می‌دهند. با اختلال در عرضه آسیای شرقی، کارخانجات پوشاک و کفش دچار آسیب بیشتری خواهند شد. مجله اکونومیست به آسیب پذیری صنایع الکترونیکی اشاره می‌کند که با کمترین مقدار مواد اولیه و فقدان منابع جایگزین رو به رو هستند.

بخش اپتیک^۵ نیز به شدت تحت تاثیر قرار می‌گیرد زیرا مرکز شیوع کرونا استان هوبئی^۶ می‌باشد که به دلیل استقرار بسیاری از شرکت‌های تولیدکننده اجزا فیبرهای نوری (ورودی‌های ضروری برای شبکه‌های مخابراتی هستند) به دره اپتیک مشهور است. حدود یک چهارم دستگاه‌ها و کابل‌های فیبر نوری در این استان مستقر می‌باشند. هوبئی همچنین محل استقرار کارخانجات ساخت میکرو تراشه‌های پیشرفته می‌باشد (تراشه‌های مورد استفاده در حافظه فلش‌ها مانند تلفن‌های هوشمند). اکونومیست با بیان تحلیل‌هایی پیش‌بینی می‌کند که همه‌گیری بیماری در هوبئی به تنهایی می‌تواند تولید گوشی‌های هوشمند را ۱۰٪ کاهش دهد.^۷

در حال حاضر بخش خودرو سازی خصوصاً در آسیای شرقی به دلیل اختلال در زنجیره تامین بین الملل به طور قابل توجهی با مشکل روبه‌رو شده است. به عنوان مثال، کمبود قطعات ساخت چین باعث شده که سازندگان کره ای هیوندا^۸، کارخانه‌های خودرو سازی خود را در کره تعطیل نمایند. شرکت ژاپنی نسان به طور موقت در ژاپن تعطیل شد. این شوک حتی به اروپا نیز رسیده است. گروه خودرو سازی فیات - کرایسلر^۹ اخیراً اعلام کرده است که به زودی تولیدش را در یکی از کارخانه‌های اروپایی متوقف خواهد کرد. جگوار لندرو^{۱۰}، شرکت خودرو سازی مستقر در انگلستان اعلام کرده است که با کمبود قطعات مواجه می‌باشد و ممکن است قطعاًش تا اواخر فوریه تمام شود.

^۴. Unicharm

^۵. optics

^۶. Hubei

^۷. <https://www.economist.com/international/2020/02/15/the-new-coronavirus-could-have-a-lasting-impact-on-global-supply-chains>

^۸. Hyundai

^۹. Fiat-Chrysler

^{۱۰}. Jaguar Land Rover

از آنجا که کوید ۱۹ باعث کاهش تقاضا می‌شود، واردات کاهش می‌یابد و بیشترین ضربه به شرکای تجاری در کشورها وارد خواهد شد. کشورهایی که دچار این ضربه می‌شوند سهم زیادی از تقاضای جهانی را به خود اختصاص می‌دهند بنابراین این مکانیسم همه‌گیری احتمالا مهم است. با کمی تامل مشاهده می‌کنید که مکانیسم‌های مورد بحث در بالا احتمالا تقویت می‌شوند.

تجارت کالا و قیمت‌ها

از ابتدای بحران، قیمت نفت برنت از حدود ۶۹ دلار به حدود ۵۰ دلار در هر بشکه کاهش یافته است. این یک شوک منفی بزرگ برای کشورهای تولیدکننده نفت به ویژه در خاورمیانه است، همانطور که آرزکی^{۱۱} و نگوین^{۱۲} در فصل خود در این کتاب الکترونیکی بحث می‌کنند. از سوی دیگر، کاهش قیمت نفت ممکن است یک کمک برای بعضی از صنایع مانند حمل و نقل باشد. انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی^{۱۳} با استفاده از الگوی سارس^{۱۴} و تاثیرش بر سفرهای هوایی تخمین می‌زند که صنعت حمل و نقل هوایی با کاهش ۲۹ میلیارد دلاری درآمد مواجه است که قسمتی از این کاهش درآمد توسط کاهش قیمت سوخت جبران می‌شود^{۱۵}.

محدودیت‌های مهاجرت و سفر

برای کاهش انتقال بیماری از محدودیت‌های مسافرت، قرنطینه و بستن مرزها استفاده می‌شود. در حالی که تماس چهره به چهره برای بسیاری از مشاغل لازم است، بنابراین این محدودیت‌ها عواقب اقتصادی در داخل و برای شرکای تجاری به دنبال خواهد داشت.

مینو^{۱۶} و وولف^{۱۷} هشدار می‌دهند که بستن مرزها در اروپا می‌تواند بر حدود ۱٪ شهروندان شاغل در کشورهای عضو شنگن^{۱۸} - یعنی کسانی که بین مرزهای بین‌المللی رفت و آمد می‌کنند، تأثیر جدی گذارد. تاثیر اقتصادی ممانعت از رفت و آمد، می‌تواند قابل توجه باشد^{۱۹}. یکی از پیامدهای منفی احتمالی طولانی مدت شوک پزشکی و به تبع آن تداوم شوک اقتصادی، نظارت روزافزون بر جابه‌جایی و سفرهای افراد است که ممکن است به تدریج در کشورهای بیشتری گسترش یابد.

انعکاس سیاست‌های جهانی زدایی

ساز و کارهایی برای گذر فوری وجود دارد، اما سیاست‌گذاری‌ها ممکن است به سویی روند که مانع جابه‌جایی کالا، خدمات و به خصوص افراد شوند. این موضوع می‌تواند اثرات اقتصادی را ماندگارتر کند. شرکت‌ها، کسب و کارهای کوچک و دولت‌ها دچار اختلالاتی می‌شوند که ممکن است منجر به فروپاشی ناگهانی آنها شود. شرکت‌ها در حال آموختن این درس هستند که زنجیره تامین جهانی می‌تواند به طور ناگهانی در اثر شوک‌های سلامت شکسته شوند و بر این اساس خود را سازگار خواهند کرد. احتمالا تنظیم

^{۱۱} Arezki

^{۱۲} Nguyen

^{۱۳} International Air Transport Association (IATA)

^{۱۴} SARS

^{۱۵} <https://www.iata.org/en/iata-repository/publications/economic-reports/coronavirus-initial-impact-assessment/>

^{۱۶} Meninno

^{۱۷} Wolff

^{۱۸} Schengen

^{۱۹} Marseille

کنندگان و مداخله کنندگان مالی در ارزیابی ریسک‌های آینده و معیارهای فشار، شوک‌های همه گیر را در نظر می‌گیرند. ترس و سوء ظن مردم به "دیگران" ممکن است به نیرویی برای از هم پاشیدگی و جهانی زدایی تبدیل شود.

سرانجام، ویروس ممکن است به یک بیماری همه گیر بومی (بیماری، که به طور دوره ای دوباره به وجود می‌آید) تبدیل شود، در این صورت کووید ۱۹ مانند آنفولانزای فصلی و سرماخوردگی می‌تواند یکی از همراهان همیشگی بشریت باشد.

نرخ ارز

در بحران‌های مالی، یک مسیر کلاسیک در انتقال بحران، نرخ ارز است. در بحران آسیا در اواخر دهه ۱۹۹۰، کشورها و شرکت‌هایی درگیر شدند که پول رایج را قرض گرفته بودند و کسب درآمدها با واحد پول دیگری بود. به عنوان مثال کاهش ناگهانی پول رایج تایلند موجب ورشکستگی بسیاری از شرکت‌های تایلندی گردید. کاهش ارزش پول درآمدهای شان موجب شد که نتوانند وام و بهره پولی را که گرفته بودند پرداخت کنند. تاکنون در این رابطه مشکلی به وجود نیامده است زیرا تجربه بحران‌های قبلی، موجب کاهش وام‌های ارزی شده است.

جریان سرمایه

آخرین مکانیسم کلاسیک انتقال شوک، توقف ناگهانی جریان سرمایه است. به عنوان مثال، در دهه گذشته بحران منطقه یورو موجب توقف ناگهانی وام در منطقه یورو و بروز مشکل در کشورهایی مانند ایرلند و پرتغال شد. این مکانیسم نیز مانند مکانیسم نرخ ارز به نظر می‌رسد که در این بحران مشکل ساز نباشد و یا اینکه حداقل هنوز مطرح نیست.

اندازه شوک‌های اقتصادی

کووید ۱۹ ابتدا به عنوان یک شوک در چین و سپس به عنوان یک شوک منطقه ای در آسیا نمایان شد. آخرین باری که جهان دچار شوک ناگهانی جهانی شد، پس از فروپاشی لمان^{۲۱} در سپتامبر ۲۰۰۸ بود. در اواخر سال ۲۰۰۸، بحران‌های درجه دوم آتلانتیک شمالی^{۲۲} تبدیل به بحران جهانی شد. یک بحران مالی برای بسیاری از کشورهای G_۷ با بخش‌های بزرگ بانکی و یک بحران تجاری برای صد کشور که بانکداری بزرگ نداشتند اما وابسته به صادرات بودند.

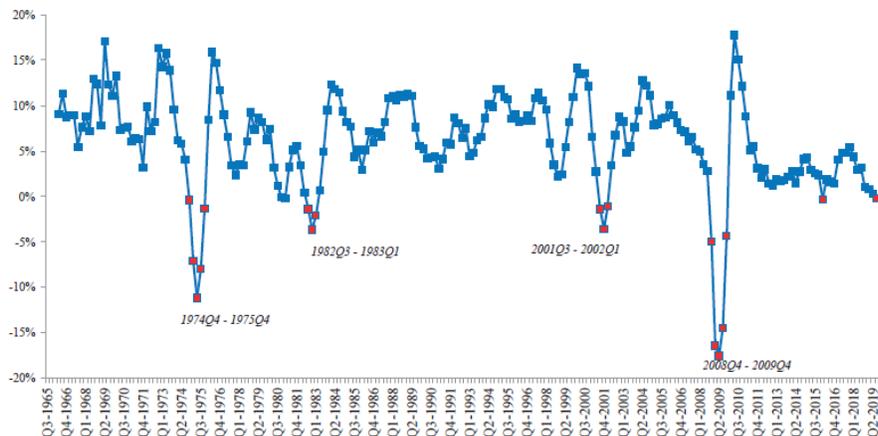
بالدوین و تومیورا^{۲۳} در گزارش خود که شواهد بحران‌های جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ را بیان می‌کند، یک بازدارنده خارجی را بر نتایج احتمالی مشخص کرده اند. این بحران به عنوان فروپاشی بزرگ تجاری شناخته شد. شدیدترین و عمیق‌ترین سقوط تجارت جهانی که در تاریخ ثبت شده و از زمان رکود بزرگ بوده و هست. سقوط، ناگهانی، شدید و همزمان بود (نمودار ۳). علاوه بر این، این عارضه کوتاه مدت نبود و بیش از یکسال رشد تجارت جهانی منفی باقی ماند.

^{۲۰} <https://www.statnews.com/2020/02/04/two-scenarios-if-new-coronavirus-isnt-contained/>

^{۲۱} aftermath

^{۲۲} North Atlantic

^{۲۳} Baldwin and Tomiura

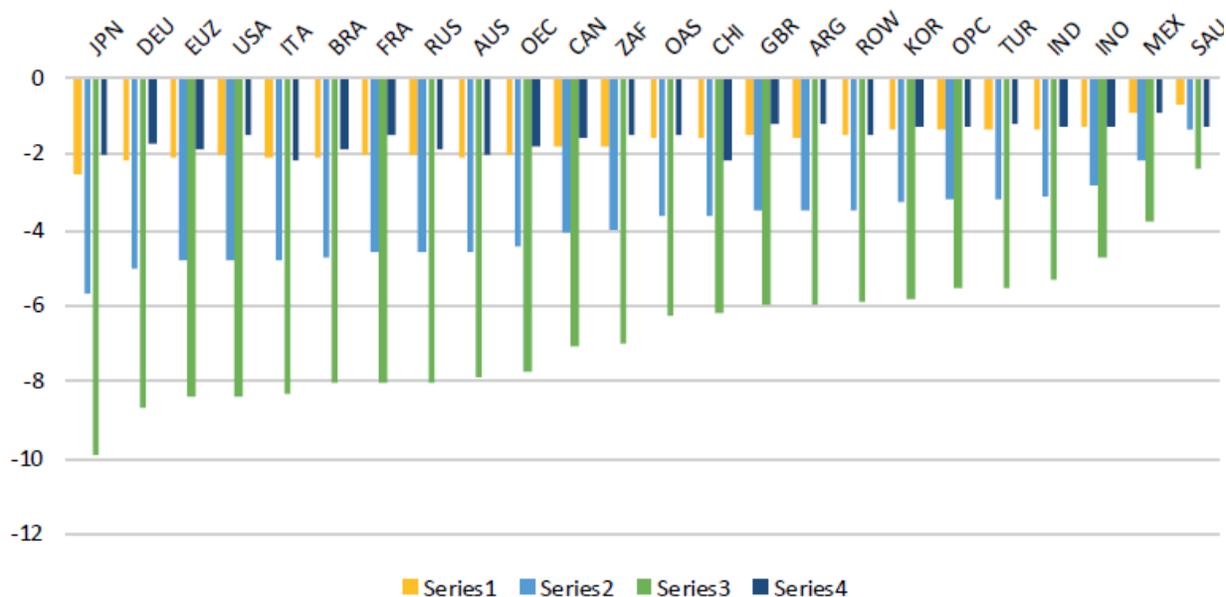


نمودار ۲- رشد چارک به چارک، حجم واردات جهان ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۹ - منبع: بالدوین و تومیورا، تجزیهات داده‌های آنالین WTO

به دلیل شیوع بیماری در چین و چند کشور دیگر، تخمین زده می‌شود که رشد جهانی در حدود ۰٫۵ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش یابد. در یک سناریوی منفی و چنانچه بیماری در سرتا سر نیمکره شمالی گسترش یابد، در سال ۲۰۲۰ رشد تولید ناخالص جهانی ۱٫۵٪ کاهش می‌یابد. احتمالاً بیشترین تاثیر شیوع بیماری بر کاهش تقاضا خواهد بود، اما سناریوی نامشخص بودن کاهش همکاری نیز اهمیت دارد.

احتمال دارد که این بحران به جای U شکل شدن مانند همه گیری‌های مشابه و سایرشوک‌های عرضه اخیر، V شکل گردد. یعنی ارتباطات مورد بحث، تاثیرشان بر کشورهای مختلف متفاوت است. در تعدادی از بخش‌ها و کشورها و به دلیل جبران کامل و رفتن به سمت مسیر رشد قبلی، ممکن است بحران V شکل باشد که به معنی کوتاه مدت بودن و شیب تند آن است، اما برای بقیه طولانی تر می‌باشد. این نشان می‌دهد که در کل و با توجه به داده‌های جهانی حداقل برای تولید می‌تواند شبیه به شکل U باشد.

برای خدمات، بهبودی از این شوک سخت خواهد بود، ممکن است بیشتر شبیه یک "L" باشد. رشد برای مدتی افت می‌کند و سرانجام دوباره به حالت قبلش بر می‌گردد، افزایش هم نخواهد داشت. افرادی که غذا خوردن در رستوران، سینما رفتن و تعطیلات در آفتاب را کنسل می‌کنند، بعید است که غذا خوردن، سینما رفتن و تعطیلات شان را دو برابر کنند. شوک مربوط به گردشگری، خدمات حمل و نقل و فعالیت‌های داخلی به طور کلی بهبود نمی‌یابد و احتمالاً از شیوع و ویروس ضربه خواهند خورد.



نمودار ۳- کاهش GDP در سال ۲۰۲۰، انحراف از مبنای - منبع: تخمین‌های مک کیبین و فرناندو، سناریوهای جهانی همه‌گیری

مک کیبین و فرناندو^{۲۵} تأثیر درجات مختلف شدت یک شوک جهانی و فقط یک شوک در چین را برآورد کردند. در سخت‌ترین سناریو (با میزان همه‌گیری بالا) تأثیر شوک بر رشد سال ۲۰۲۰، چهار برابر بیشتر از مورد منفی بوئر^{۲۶} هست. در این سناریوها ژاپن کشوری است که بیشترین ضربه را با از دست دادن تقریباً ۱۰٪ از تولید ناخالص داخلی می‌بیند و آلمان و آمریکا هر کدام حدود ۸٪ تولید ناخالص داخلی شان کاهش می‌یابد.

واکنش سیاست‌ها

رفتار ویروس یک طرف و واکنش دولت طرف دیگر است، مهم می‌باشند. همانطور که ودر دی مائورو^{۲۷} می‌گوید: "اندازه و ماندگاری خسارت اقتصادی بستگی به این دارد که دولتها در مواجهه با این ضربه ناگهانی، به چه نحو برخورد نمایند." این بحران می‌تواند به یک بحران اقتصادی در ابعاد جهانی و با ماندگاری طولانی مدت، تبدیل شود.

وایپلوز^{۲۸} در یک مقاله بر اساس چندین دهه تجربه مشاوره به دولتها در هنگام بحران و پس از بحران - نشان می‌دهد که واکنش دولت به کووید-۱۹ چیزی شبیه به آزمون لکه‌های جوهر رورشاخ^{۲۹} (یک آزمون روانشناختی) خواهد بود. به استثنای این بحران، واکنش دولتها، ماهیت رهبران و جوامع آنها را آشکار خواهد کرد. دولتها می‌توانند با مخفی کردن حقایق و فرصت طلبی، بدبختانه شکست بخورند و یا اینکه از چالش نجات پیدا کنند و دوباره اعتمادسازی کنند. وایپلوز اظهار داشت که به محض اینکه این بیماری از بین برود،

^{۲۵} McKibbin and Fernando از

^{۲۶} Boones

^{۲۷} Weder di Mauro

^{۲۸} Wyplosz

^{۲۹} Rorschach blot test

مردم می‌بینند که چه چیزی در مورد سیستم‌های موجود در کشورشان کاملاً اشتباه است یا کاملاً درست است. اگر افراد زیادی از دست بروند، نواقص در معرض دید همه قرار می‌گیرند.

دولت برای کاهش درد اقتصادی چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

در سناریوهای بدبینانه، برای مهار خسارت نیاز به یک واکنش سیاسی جدی در سطح کلان وجود خواهد داشت. به طور کلی اقدامات اساسی که دولت‌ها باید مدنظر بگیرند عبارتند از:

- اثرات سیاست‌های مالی و سیاست‌های پولی، هر دو باید در نظر گرفته شوند و به وضوح مؤثرترین اقدام هماهنگی بین‌المللی خواهد بود.
 - رویکردها و اطلاعیه‌های متداول بانک‌های مرکزی اصلی به عملکردهای اضطراری فردی ارجحیت دارند. کاهش اضطراری نرخ بهره توسط منابع فدرال، شرایط را برای بانک‌های مرکزی که در پایین‌ترین حد کارایی بودند، آسان‌تر ساخته است. همه بانک‌های مرکزی باید نشان بدهند که آماده مداخلات هماهنگ هستند و در صورت بروز اختلال جدی و در نتیجه فشار بر واسطه‌های مالی، نقدینگی را تأمین می‌کنند.
 - با توجه به ماهیت این شوک، کسب و کارهای کوچک و متوسط ممکن است بیشتر نیازمند نقدینگی باشد، بنابراین تسهیلات ویژه برای ادامه وام دهی به مشاغل کوچک می‌تواند راهکار مناسبی باشد.
 - چین، هنگ‌کنگ و سنگاپور اقدامات مالی اساسی برای تحریک تقاضا و افزایش اعتماد انجام دادند.
 - اقدامات مالی مانند آنچه در ایتالیا انجام شده، می‌تواند به سرعت با هدف کمک به افراد آسیب دیده به دلیل قرنطینه‌ها و کاهش درآمد گسترش یابند.
- از دیدگاه کوکرائت، تدابیر شدیدتری باید اتخاذ شود. از نظر وی، سرازیر کردن پول در کشور و در نقاط مناسب مانند کاری که بیمه می‌کند و کمک‌های مالی معقولانه و هدفمند، تنها راه نجات کسب و کار و مردم از ورشکستگی است.

مثال‌ها و اقدامات احتمالی سیاست

در زیر اقداماتی برای تحریک درآمد، اعتماد و کاهش بحران‌های نقدینگی ارائه شده است. برخی از اقداماتی که قبلاً در آسیا و ایتالیا اجرا شده‌اند، ذکر می‌گردد:

اقدامات هدفمند: مراقبت‌های سلامت/اعتماد

- پرداخت پاداش به کارکنان مراقبت سلامت (سنگاپور)
- پرداخت یک ماه حقوق از طرف رهبران سیاسی به صورت مشترک (سنگاپور)
- ارائه تعداد کمی ماسک به همه خانوارها (آنها تا زمانی که سالم هستند از استفاده ماسک‌ها خودداری نمایند). (سنگاپور)

اقدامات مالی هدفمند: خانوارها

- پرداخت نقدی به هر شهروند بالای ۱۸ سال بیش از ۱۰۰۰ دلار آمریکا (هنگ‌کنگ)

- تعویق در پرداخت قبوض برق در مناطق آسیب دیده (ایتالیا)
- حمایت از خانواده‌های بیمه نشده برای هزینه‌های پزشکی

اقدامات هدفمند: شرکت‌ها

- کمک هزینه به طرح‌های استخدام کوتاه مدت (آلمان)
- استهلاك شتاب^۲ برای شرکت‌ها (آلمان)
- بخش مخصوص حمایت مالی از گردشگری، هتل‌ها و حمل و نقل هوایی (سنگاپور)
- کمک‌های مالی گسترده به کسب و کارها از جمله حمایت حقوقی و دستمزد کارگران (سنگاپور)
- کاهش مالیات بر سود و وام کم بهره برای بنگاه‌های کوچک و متوسط (هنگ کنگ)

اقدامات هدفمند: پولی / بانکی

- بودجه بانکی جهت تأمین نقدینگی هدفمند با شرط وام دهی به بانک‌های کوچک (TLTROs، ECB)
- پشتیبانی نقدینگی به بانک‌ها
- بسته حمایت مالی عمومی، بزرگ و هماهنگ در سطح G20 / EU
- کاهش سریع مالیات
- تعلیق در پرداخت وثیقه اجتماعی
- افزایش هزینه‌ها
- کم کردن ضوابط مالی برای کشورهای آسیب دیده در اتحادیه اروپا

بسته تحریک پولی عمومی، با همکاری G20

- کاهش نرخ‌ها (بانک فدرال، بانک کانادا، و غیره)
- تسهیل سیاست‌های پولی

بیمه حوادث جهانی / منطقه ای / بودجه اضطراری

- وام اضطراری ۵۰ میلیارد دلاری آمریکا (صندوق بین المللی پول)
- اعطای تسهیلات با شاخص IFC / EBRD برای تأمین بودجه بخش خصوصی در کشورهای مبتلا به ویروس (بانک جهانی)
- افزایش همکاری اتحادیه اروپا برای کاهش فجایع مربوط به سلامت (پیشنهاد)

نتیجه گیری

در سال ۲۰۰۸، رهبران جهان گرد هم آمدند تا به یک بحران مشترک، پاسخ مشترک بدهند. اگر چه این پاسخ بی عیب و نقص نیست، اما مسلماً شامل بسته‌های حمایتی مالی هماهنگ بود و واضح است که همکاری G20 در مواجهه با خطر موجود برای اقتصاد جهانی، کمک بزرگی به کاهش فشار شوک ناشی از اقتصاد جهانی کرده است.

رهبران امروز با آزمون استرس مشابهی روبرو هستند و میزان توانایی آنها در مقابله با این تهدید مشترک با روشی مؤثر سنجیده می‌شود. این موضوع به ویژه در مورد اروپا صادق است. واضح است که پاسخ‌ها باید در سطح اروپا و هماهنگ باشد نه ملی و منحصر به فرد.

^۲ Accelerated depreciation

تقسیمات جزئی که در حال حاضر اتحادیه را به ستوه آورده است، باید کنار گذاشته شود تا ثابت شود برای کار مشترک و منسجم، اراده و توانایی وجود دارد. آنچه در این مرحله مورد نیاز است، همکاری مشترک مثلاً در تقسیم ماسک، آماده سازی برای افتتاح بیمارستان برای پذیرش بیماران از دیگر کشورهای اروپایی و پشتیبانی از پرستار و پزشکان است. این امر به انعطاف پذیری با رویکرد رشد و پایداری و در صورت لزوم آمادگی برای تقویت مالی هماهنگ، نیاز دارد. علاوه بر این، اتحادیه اروپا باید در نظر بگیرد که برای رفع بلایا دست به چه اقدامات مشترکی باید بزند.

صندوق اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲ برای حمایت از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بلایای بزرگی مانند سیل، زلزله، فوران آتشفشان، آتش سوزی جنگل، خشکسالی و سایر حوادث طبیعی ایجاد شده است. اگر ابعاد حادثه رخ داده به گونه ای باشد که مداخله در سطح اروپا را می طلبد، می توان از این صندوق درخواست همکاری نمود. در سال ۲۰۱۸، این صندوق به دنبال حوادث طبیعی حدود ۳۰۰ میلیون یورو برای اتریش، ایتالیا و رومانی کمک مالی فرستاد. مطمئناً اختلالات ناشی از کووید-۱۹ به عنوان یک فاجعه طبیعی مداخله در سطح اروپا را توجیه می کند.

نکات کلیدی

- ☑ انتظار می رود تا شوک وارد شده به اقتصاد در این پاندمی نسبت به سایر موارد مشابه در گذشته متفاوت باشد. زیرا این بار کشورهای در مرکز اپیدمی قرار گرفته اند (کشورهای G7 و چین) که به تنهایی سهم بالایی در عرضه و تقاضای جهانی، تولیدات و صادرات دارند.
- ☑ انتظار می رود تا بخش تولید از سه جهت ضربه بخورد. اختلال در عرضه مستقیم که مانع تولید است، آلودگی و اختلال در زنجیره های تأمین و کاهش شدید تقاضا.
- ☑ واقعیت تلخ آن است که ما در قرن ۲۱ ابزارهایی برای مقابله با این بیماری نداریم. واکسن یا درمانی برای آن نیست. تنها چیزی که داریم همان مواردی است که اوایل قرن بیست برای کنترل اپیدمی ها استفاده می کردیم.
- ☑ سه منبع اصلی برای شوک های اقتصادی در زمان اپیدمی وجود دارد.
 - شوک ناشی از مریض شدن مردم
 - اثرات اقتصادی ناشی از اقدامات عمومی و خصوصی مانند بسته شدن مدارس و کارخانه ها، محدودیت مسافرت ها و قرنطینه ها.
 - اثرات روانی ناشی از شیوع یک بیماری.
- ☑ انواع شوک هایی که در زمان اپیدمی بیماری رخ می دهند شامل موارد زیر اند:
 - ۱- شوک های طرف عرضه مانند تعطیلی مدارس، شرکت ها، ادارات و ...
 - ۲- شوک های وارد شده بر زنجیره تامین (به ویژه با محوریت کشورهای عمده تامین کننده زنجیره های تامین در سطح جهانی که در این پاندمی در مرکز شیوع قرار دارند)
 - ۳- شوک های طرف تقاضا که دو ریشه اصلی عملی و روانی دارد.

^{۲۲} https://ec.europa.eu/regional_policy/en/policy/evaluations/ec/eusf2002_2017

- ☑ شوک‌های عرضه و تقاضای حاصل از کووید-۱۹ باعث ضربه زدن به تجارت در کشورها می‌گردند و بسیاری از صنایع به دلیل اینکه مواد اولیه برای تولیداتشان از کشورهای دیگر تامین می‌شود با مشکل مواجه خواهند شد.
- ☑ بیماری کووید - ۱۹ باعث تاثیر بر قیمت بعضی از کالاها منجمله نفت گردیده است. کاهش قیمت نفت برای کشورهای صادر کننده نفت موجب مشکلاتی در زمینه بودجه دولت می‌گردد.
- ☑ با شیوع بیماری کووید - ۱۹ بسیاری از کشورها اقدام به بستن مرزهای خود نموده اند و به نوعی ورود و خروج انسانها و کالاها محدود گردیده است که این امر متضاد با سیاست جهانی شدن دنیای مدرن می‌باشد و می‌تواند موجبات پاشیدگی جهانی شدن را فراهم نماید.
- ☑ کووید - ۱۹ با تاثیر بر نرخ ارز موجب ورشکستگی شرکت‌ها و کشورهایی می‌شود که وام خارجی گرفته اند و ارزش پول ملی آنها کاهش یافته است. البته تعداد این موارد محدود می‌باشد.
- ☑ کووید - ۱۹ باعث توقف جریان سرمایه به کشورها می‌گردد. البته این مورد نیز مانند نرخ ارز به نظر می‌رسد که در بحران شیوع کووید-۱۹ مشکل ساز نباشد.

فصل ۱- اقتصاد کلان آنفلانزا

آخرین دفعه‌ای که دچار آنفلوآنزا شدید را بخاطر دارید؟ به احتمال زیاد در کنار تب، خستگی و درد، احساس می‌کردید که دنیا چقدر ناعادلانه و مملو از رنج است. بعد یک روز صبح از خواب بیدار می‌شوید که همه چیز تمام شده است و بعد از یک احساس تسکین و شکر‌گذاری، دنیا به حالت عادی بازگشته و همه چیز را خیلی زود فراموش می‌کنید.

معمولاً ما عادت داریم که همین نگاه ابتلا به آنفلوآنزا را که در مورد یک "مشکل زودگذر سلامت" است را می‌خواهیم به یک اختلال اقتصادی هم تعمیم بدهیم. فکر می‌کنیم پاندمی کرونا هم یک "آنفلوآنزای اقتصاد کلان" است. به این معنی که در اثر این بیماری و ایجاد یک شوک کاهش عرضه و تقاضا، تولید برای مدتی کاهش یابد و سپس، تنها منجر به بهبود سریع و رفع کمبود می‌شود. نرخ رشد پایین‌تر می‌آید، اما در مرحله بعد مجدداً رشد می‌کند و حتی کمبود در تولید را نیز کاملاً جبران می‌کند. در چنین شرایطی، هیچ دلیلی برای عصبی شدن وجود ندارد و فقط باید کاری را انجام دهیم که یک سیاستگذار محافظه‌کار اقتصادی به بهترین وجه انجام می‌دهد: یعنی منتظر اطلاعات بیشتر باشیم. اما نباید فراموش کنیم که شرایط فعلی، شرایط یک آنفلوآنزای عادی یا به عبارتی یک عطسه اقتصاد کلان نیست بلکه شرایط یک پاندمی است.

ممکن است فکر کنیم که اثرات کووید-۱۹ بر اقتصاد ممکن است به این شکل باشد که چند هفته با اختلال مواجه شویم و بعد این اختلال جبران می‌شود. اما این اتفاق، کاملاً بعید است. در واقع، این احتمال وجود دارد که اختلال بزرگ، جهانی و احتمالاً مداوم باشد.

تأثیرات چنین رویدادی بر رشد جهانی و منطقه‌ای هنوز کاملاً مشخص نیست، اما برخی تخمین‌های اولیه حاکی از ضرر و زیان قابل توجه این رویداد است. تاثیرگذارترین سناریوی یک بیماری اپیدمی جهانی موقت و شدید که توسط وارویک مک کینین و روشن فرناندو مشترکاً به صورت کتاب الکترونیکی منتشر شده نشان می‌دهد که این رویداد منجر به خسارت ۶/۷ درصدی تولید ناخالص داخلی، هم برای ایالات متحده و هم برای منطقه اروپا خواهد بود.

اندازه شوک جهانی، مدت و ماندگاری؟

اندازه شوک، عمدتاً با اقدامات انجام شده برای جلوگیری از ابتلا به بیماری در مقیاس بزرگ و محدود کردن منطقه شیوع، مشخص می‌شود. همانطور که تاکنون مشخص شده است، این ویروس بسیار مسری است، اما بطور خاص کشنده نیست و به نظر می‌رسد که در بیشتر موارد، بدتر از آنفلوآنزا فصلی نیست. بنابراین اف‌تی که در عرضه بعلت تاثیر اقدامات مهارکننده، اختلال در فرایندهای کاری، محدودیت در برگزاری جلسات و مسافرت‌ها ایجاد می‌شود ممکن است چشمگیرتر از تعداد مرگ و میر ناشی از بیماری باشد.

به عنوان مثال قرنطینه کامل یا بخشی از چین، یکی از شدیدترین اقدامات است و روی تولید و مصرف تاثیر قابل توجهی می‌گذارد. چنین اقدامات سختگیرانه‌ای، احتمالاً محدود به مناطق خاصی می‌شود و برای یک مدت طولانی، هم نمی‌توان آنها را ادامه داد.

اقدامات دیگری نظیر لغو رویدادهای بزرگ، به احتمال زیاد برای مدت طولانی تری ادامه پیدا می کنند. مثلاً دولت فرانسه همه رویدادهای بیش از ۵۰۰۰ نفر و دولت سوئیس رویدادهای بیش از ۱۰۰۰ نفر را ممنوع اعلام کرد. برخی از این رویدادها را می توان به تعویق انداخت، اما بسیاری را آنها را هم نمی توان به تاخیر انداخت. همچنین تعداد زیادی از شرکتها با محدودیت های بین المللی نظیر محدود کردن سفرهای بین المللی، عقب انداختن رویدادهای دسته جمعی با مشتریان یا برگزاری از راه دور آنها مواجه شده اند و در حال تعریف شیف های کاری هستند (تیم های جایگزین A و B که در منزل و محل کار فعالیت می کنند). انتظار می رود که چنین اقداماتی برای مدت طولانی تری ادامه پیدا کنند، زیرا برای تصمیم گیرندگان، اعلام وضعیت سفید تا زمانی که تعداد مبتلایان همچنان در حال افزایش است، مشکل خواهد بود.

همچنین اختلال در زنجیره عرضه ممکن است بزرگتر و گسترده تر از آنچه چیزی که در حال حاضر هست، شود. ماریسک،^{۳۳} یکی از بزرگترین شرکت های حمل و نقل دریایی در جهان، مجبور به لغو حرکت دوازده کشتی حمل کانتینر خود شده است و تخمین می زند که کارخانه های چین با ۵۰ تا ۶۰ درصد ظرفیت تولید خود در حال فعالیت می باشند. ارسال کالا به اروپا از آسیا از طریق دریا، حدود پنج هفته طول می کشد. بنابراین، شاید هنوز هم کالاهای آلوده هنوز در حال پیاده کردن در برخی کشورهای مقصد باشند. اتاق بین المللی کشتیرانی تخمین می زند که تأثیر شیوع ویروس باعث ضرر ۳۵۰ میلیون دلاری در هفته صنعت، شده باشد.

در مورد شوک تقاضا چه اتفاقی افتاده است؟ واضح است که نخستین خسارت ها را صنایع حمل و نقل و هتلداری متحمل می شوند. بنادر و پایانه ها هم همزمان با افت شدید درآمد و هزینه های بالای نگهداری و انبار حجم زیادی از کانتینرهای خالی، مواجه هستند. شرکت بین المللی حمل و نقل هوایی (IATA) استفاده از تجربه تأثیر سارس بر سفرهای هوایی، تخمین می زند که صنعت حمل و نقل هوایی با کاهش درآمد ۲۹ بیلیونی دلاری درآمد مواجه می شود.

چین به یک منبع اصلی تقاضا در اقتصاد جهانی تبدیل شده است و بسیاری از صنایع اصلی اروپا به بازار چین وابسته اند. به عنوان مثال، حدود ۴۰ درصد از درآمد صنعت خودروی آلمان متعلق به فروش در چین است که طی هفته های گذشته سقوط کرده است. به نظر می رسد که این کاهش تقاضا بصورت موقت ادامه پیدا کند زیرا یک خودروی جدید معمولاً کالای اساسی نیست و احتمالاً خرید آن تا زمان عادی شدن وضعیت به تأخیر می افتد.

در کنار همه اثراتی که ذکر شد، برخی از اثرات کرونا ممکن است ماندگارتر باشد. اختلالات و آشفتگی هایی که شرکتها، افراد و دولت ها تجربه می کنند نشان می دهد که جهانی شدن و یکپارچه شدن کشورها، ممکن است در معرض خطر چنین شوک های سلامتی قرار داشته باشد. شرکتها احتمالاً درس عبرتی می گیرند که زنجیره تامین جهانی می تواند به طور ناگهانی توسط یک شوک سلامت از هم گسیخته شود. چگونگی برخورد دولتها با بحران، ممکن است نتایج ماندگاری برای ثبات و اعتماد داشته باشد. عکس العمل ها به شیوع بیماری در یک کشور همسایه - به عنوان مثال، بستن مرز و تعلیق قطارها، همانطور که اتریش در مقابل ایتالیا انجام داد - ممکن است باعث بدنام سازی و کاهش اعتماد شود. هرچند که تبعیض نژادی و ملی، روی زشتی از خود را نشان داده است منتهی در شرایط امروز که

^{۳۳}Maersk

زمزمه‌های ظهور ناسیونالیسم (ملت‌گرایی) و پوپولیسم (عوام‌گرایی) به گوش می‌رسد، ترس و سوءظن مردم از "دیگران" ممکن است تبدیل به نیرویی جدی تر شدن آن شود.

سیاستگذاران چگونه می‌توانند به بحران اقتصادی پاسخ دهند؟

همچنان که ویروس در ایالات متحده بیشتر و بیشتر پخش می‌شود، سیستم بانکی فدرال (Federal Reserve) نرخ سرمایه‌گذاری را به صورت اضطراری کاهش داده است. سایر بانک‌های مرکزی شهری ظرفیت کمی برای کاهش نرخ‌ها دارند، اما باید در موارد وقوع اختلال در بازار یا فشار روانی بر روی واسطه‌های مالی، برای فراهم کردن نقدینگی، آمادگی داشته باشند و به مشاغل کوچک وام دهند. نیاز است تا این بانک‌ها با هماهنگی با سایر بانک‌های مرکزی برای شرایط پیش آمده آمادگی داشته باشند و تمهیداتی را برای شرایط احتمالی کمبود طولانی مدت تقاضا بیاندیشند.

اما در صورتی که سناریوی شدید (از نظر شدت اثرات اقتصادی وارده ناشی از همه‌گیری) اتفاق بیفتد، مطمئناً سیاست‌های مالی، ابزار بهتری خواهند بود. اقدامات مالی می‌توانند برای حمایت از افرادی که به واسطه همه‌گیری دچار کسری در آمد شده‌اند و یا مجبور هستند تا به مدت طولانی در قرنطینه بمانند، بسیار کمک‌کننده باشند. به عنوان مثال، ایتالیا مساعدت‌هایی را برای شرکت‌های متضرر که بیشترین زیان را دیده‌اند، در نظر گرفته است. دولت آلمان طرح "کوززاربایت" (Kurzarbeit) را مطرح می‌کند که یک طرح یارانه‌ای دولتی برای حمایت از اشتغال است که در طول بحران مالی جهانی مورد استفاده قرار گرفت. همچنین آمادگی خود را برای در نظر گرفتن بسته حمایتی مالی اعلام کرده است. چین، هنگ‌کنگ و سنگاپور اقدامات مالی قابل توجهی را به منظور تقویت تقاضا و افزایش فاصله اطمینان (تقریباً ۲٪ تولید ناخالص داخلی در مورد سنگاپور) اتخاذ کرده‌اند.

اقدامات اساسی برای مهار شیوع کووید-۱۹ هنوز در چند کشور جهان مورد نیاز است و به زودی ممکن است شرایطی بدتر از خاطره ورشکستگی لهمان^{۳۴} برای خیلی از شرکت‌ها و هولدینگ‌ها اتفاق بیفتد. همچنان که بسیاری از رهبران جهانی برای ارایه راهکار و پاسخ مشترک برای رکود جهانی گرد هم آمدند. تدوین بسته‌های حمایتی مالی توسط کشورهای جی ۲۰ قطعاً در کاهش شوک وارده به اقتصاد جهانی نقش داشته است. رهبران امروز با آزمایش مشابهی روبرو هستند و میزان توانایی آنها در مقابله با این تهدید مشترک با توانایی آن‌ها برای ارایه راهکار موثر مقابله با بحران، سنجیده می‌شود. این مسئله به ویژه در مورد اروپا صادق است. خرده‌اختلافاتی که در حال حاضر اتحادیه را به ستوه آورده است کنار گذاشته شوند تا امکان حمایت از آسیب دیدگان اقتصادی و کاهش شدت بحران فراهم شود. علاوه بر افزایش انعطاف‌پذیری قوانین مالی اروپا به منظور افزایش ظرفیت برای تامین هزینه‌ها، اتحادیه اروپا باید یک صندوق مشترک برای رفع بحران را با تمرکز بر مناطق و افراد آسیب دیده در نظر بگیرد. گفته‌های معروف ژان مونه مبنی بر اینکه اروپا در بحران پیشرفت خواهد کرد، ممکن است یک بار دیگر صدق کند.

در همین راستا، دولت‌ها و سیاستگذاران باید با حفظ انسجام و نقش رهبری خود، از افزایش ترس و وحشت عمومی جلوگیری کنند. سنگاپور می‌تواند نمونه خوبی برای یادگیری باشد. سنگاپور از سال جدید چینی با این بیماری مقابله می‌کن و ارتباطات نزدیک و زیادی

^{۳۴} بزرگترین ورشکستگی تاریخ آمریکا که برای هولدینگ برادران لهمان در سال ۲۰۰۸ و در جریان رکود اقتصادی اتفاق افتاد.

با چین دارد. در ابتدای بحران، مبتلایان زیادی داشت اما به نظر می‌رسد در مهار شیوع بیماری بسیار موفق بوده است.^۵ از ابتدای همه‌گیری، دولت به طور گسترده در حال مکاتبه و گفتگو بود و از شهروندان می‌آز مردم خواست تا با مسئولیت‌پذیری و احترام نسبت به یکدیگر رفتار کنند و در عین حال، درباره اقداماتی که باید انجام شود تا تهدید همه‌گیری کم شود، شفاف و صادق بود. به طور مثال در ابتدای بحران دولت به هر خانواده تعدادی ماسک داد ولی از آن‌ها خواست تا از ماسک‌ها فقط برای افراد بیمار و یا مراقبین سلامت استفاده کنند. اما از طرف دیگر می‌بینیم کشور دیگری در دنیا وجود دارد که همه به دنبال احتکار ماسک (و همچنین مواد غذایی، دستمال توال و غیره) می‌روند و برای محافظت از خود استفاده می‌کنند و یا برای همه افراد سالم در دنیا به اندازه کافی ماسک وجود ندارد. تعادل اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که افرادی که احساس می‌کنند ممکن است ناقل بیماری باشند داوطلبانه از ماسک استفاده کنند که نیازمند سطح بالایی از اعتماد است و البته که پیامدهای اجتماعی بهتری دارد.

در کل، همه چیز بستگی به عملکرد دولت‌ها در مقابله با این مسئله مشترک دارد. این بحران می‌تواند به یک بحران جهانی تبدیل شود و یا به طور مقطعی با اقدامات مناسب دولت‌ها و البته بر پایه اعتماد رفع شود.

نکات کلیدی فصل

- ☑ ما معمولاً عادت داریم که همین نگاه ابتلا به آنفلوآنزا، مدتی در بستر خوابیدن و بلافاصله خوب شدن را می‌خواهیم به یک اختلال اقتصادی هم تعمیم بدهیم و به اشتباه فکر می‌کنیم پاندمی کرونا هم یک "آنفلوآنزای اقتصاد کلان" است و سریع خوب می‌شود.
- ☑ افتی که در بخش عرضه اقتصاد بعثت تاثیر اقدامات مهارکننده، اختلال در فرایندهای کاری، محدودیت در برگزاری جلسات و مسافرت‌ها ایجاد می‌شود ممکن است چشمگیرتر از تعداد مرگ و میر ناشی از بیماری باشد.
- ☑ اختلال در زنجیره عرضه ممکن است بزرگتر و گسترده‌تر از آنچه چیزی که در حال حاضر هست، شود.
- ☑ بعثت شوک تقاضا، صنایع حمل و نقل و هتلداری نخستین بخش‌هایی هستند که دچار خسارت جدی شده‌اند. بنادر و پایانه‌ها هم همزمان با افت شدید در آمد و هزینه‌های بالای نگهداری و انبار حجم زیادی از کانتینرهای خالی، مواجه هستند.
- ☑ برخی از اثرات کرونا ممکن است ماندگارتر باشد. اختلالات و آشفتگی‌هایی که شرکت‌ها، افراد و دولت‌ها تجربه می‌کنند نشان می‌دهد که جهانی شدن و یکپارچه شدن کشورها، ممکن است در معرض خطر چنین شوک‌های سلامتی قرار داشته باشد.
- ☑ چگونگی برخورد دولتها با بحران، ممکن است نتایج ماندگاری برای اعتماد به هم داشته باشد. عکس العمل‌ها به شیوع بیماری در یک کشور همسایه، ممکن است باعث بدنام‌سازی و کاهش اعتماد شود
- ☑ اقدامات سیاست‌گذاران و دولت مردان در کنترل بحران ناشی از همه‌گیری نقش به‌سزایی دارد. از وضع قوانین حمایتی مالی گرفته تا انسجام دولت‌های مختلف نسبت به یک بحران مشترک.
- ☑ بررسی تجارب موفق کشورهایمانند سنگاپور نشان می‌دهد که شفافیت دولت در روند مقابله به همه‌گیری در کنار تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

فصل ۲- مقابله با پیامدهای کووید ۱۹

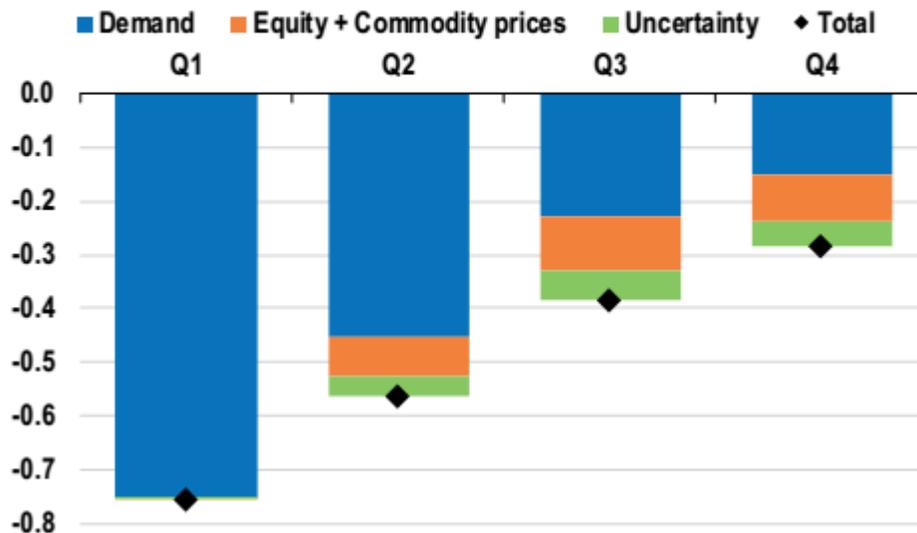
کرونا ویروس از ابتدای ماه دسامبر ۲۰۲۰ از چین آغاز و به صورت گسترده شیوع پیدا کرد. این ویروس پیامدهای منفی قابل توجهی داشت. این بیماری باعث مشکلات اقتصادی بزرگ، محدودیت‌های مسافرتی، بسته شدن کارخانه‌ها و همچنین آسیب به بسیاری از مشاغل خدماتی شده است.

برای قضاوت در خصوص پیامدهای اقتصادی این اپیدمی هنوز زود است و نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر نمود. سوال اصلی از منظر اقتصادی این است که چه مدت و چه اندازه، ویروس گسترش پیدا خواهد کرد و اقدامات لازم برای مهار آن چه خواهد بود. در شرایط کنونی، نمی‌توان قاطعانه در مورد این ابهامات صحبت کرد، بنابراین شاید بتوان با دو سناریوی خوش‌بینانه و بدبینانه به قضیه نگاه کرد.

- سناریو خوشبینانه بر اساس دانشی است که فعلاً از اپیدمی وجود دارد و به این صورت است که اپیدمی محدود به چین و چند کشور دیگر باشد. در این سناریو، اقتصاد جهانی سقوطی ناگهانی در نیمه اول سال ۲۰۲۰ داشته و پس از آن شروع به بهبود می‌کند.
- در سناریو بدبینانه، ویروس به صورت گسترده در منطقه آسیا و اقیانوسیه و دیگر اقتصادهای پیشرفته از قبیل اروپا و شمال آمریکا گسترش پیدا کرده است. معنی این سناریو این است که فروپاشی اقتصادی طولانی مدت و عظیمی خواهیم داشت.

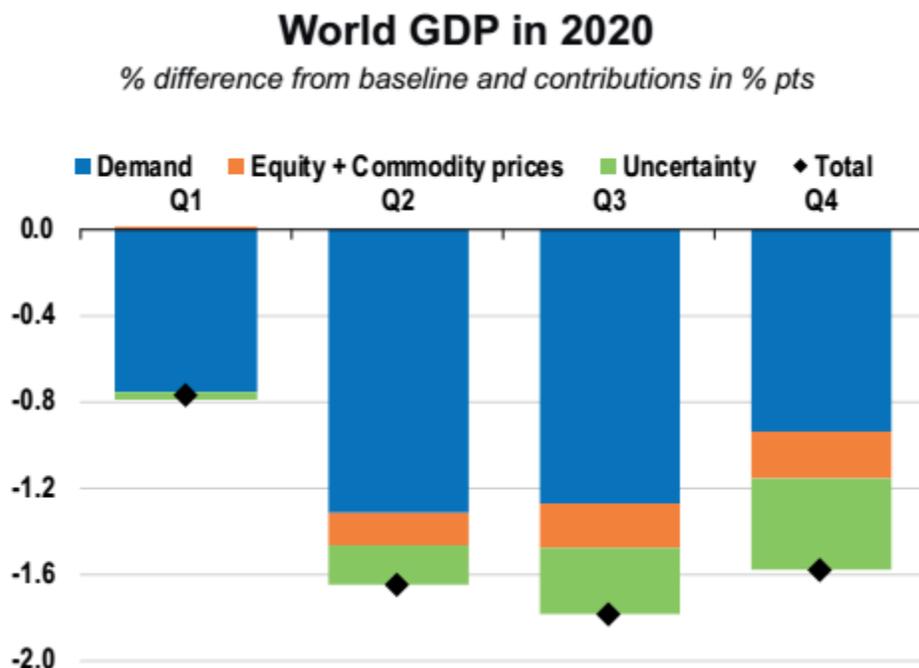
World GDP in 2020

% difference from baseline and contributions in % pts



نمودار ۴- سناریو خوش‌بینانه

این سناریو، کاهش ۴ درصدی تقاضای داخلی در چین و هنگ کنگ در ربع اول سال ۲۰۲۰ و کاهش ۲ درصد در ربع دوم سال ۲۰۲۰ را نشان می‌دهد. بعلاوه، سهام جهانی و قیمت کالاهای غیر غذایی در نیمه اول ۲۰۲۰، با کاهش ۱۰ درصدی رو به رو خواهند شد. در اوایل سال ۲۰۲۱ این تغییرات به تدریج کم رنگ تر می‌شوند.



نمودار ۵- سناریو بدبینانه

این سناریو، ۴ درصد کاهش در تقاضای داخلی در چین و هنگ کنگ در ربع اول سال ۲۰۲۰ و ۲ درصد کاهش در ربع دوم سال، بعلاوه کاهش ۲ درصدی تقاضای داخلی در کشورهای آسیا و اقیانوسیه در ربع اول سال ۲۰۲۰ را نشان می‌دهد. همچنین سهام جهانی و قیمت کالاهای غیر غذایی در ۲۰۲۰، با کاهش ۲۰ درصدی رو به رو خواهند شد. این شوک‌ها در سال ۲۰۲۱ به تدریج کم رنگ تر می‌شوند.

شیوع ویروس باعث شده تا اقدامات زیادی برای مهار آن انجام شود که در نهایت اثرات اقتصادی بزرگی را به دنبال دارد. این اقدامات شامل محدودیت‌های گسترده برای جابجایی مسافران و نیروی کار می‌شود که به نوبه خود بر صنعت گردشگری و مسافرت و بخش سرگرمی و تفریحی تأثیر می‌گذارد. ویروس از سه مجرای عرضه، تقاضا و اطمینان، بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد:

عرضه: اختلال شدید در زنجیره تامین جهانی، بسته شدن کارخانه‌ها، و تأثیر روی بسیاری از فعالیت‌های خدماتی

تقاضا: کاهش مسافرت‌های تجاری و گردشگری، کاهش خدمات آموزشی، کاهش خدمات تفریحی

اطمینان: عدم اطمینان که منجر به کاهش یا وقفه در استفاده از کالاها و خدمات و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد.

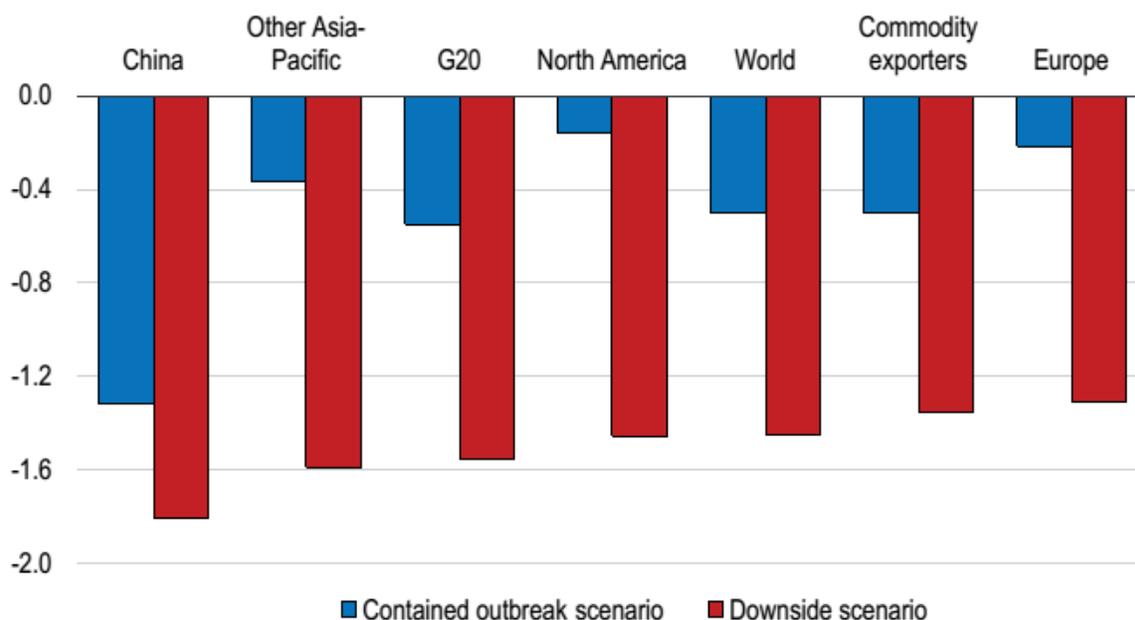
پیدایش اپیدمی و به دنبال آن اقدامات مهارکننده‌ای که در چین انجام شد، اثرات شدیدی در کاهش تولیدات کارخانه‌ها و مصرف داخلی در چین و شرکای اقتصادی آن داشت. در دیگر کشورها نیز اقداماتی برای کنترل شیوع بیماری انجام شده است. همه این موارد شدیداً روی مشتریان و بازارهای مالی اثر می‌گذارد.

سناریو خوش بینانه

در این سناریو، بیماری در چین متمرکز است. برخی صنایع از قبیل صنعت ماشین، در ربع اول سال ۲۰۲۰ با کاهش فروش مواجه خواهند شد. در این حالت ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی، ۱۱ درصد تجارت جهانی، ۹ درصد صنعت گردشگری و ۴۰ درصد از تقاضای جهانی برای برخی کالاهای چینی کاهش خواهد یافت. این تغییرات ابتدا در چین و سپس در دیگر کشورها اثر خواهند گذاشت.

بیشتر موارد کاهشی از بعد تقاضا اتفاق می‌افتد. در سناریو خوش بینانه، تولید ناخالص داخلی در سطح جهانی و در اوج شوک، تا ۰/۷۵ درصد کاهش خواهد یافت. بیشتر این کاهش به دلیل اثر پذیری از کاهش تقاضا در چین روی خواهد داد. تجارت جهانی به میزان ۱،۴ درصد در نیمه اول ۲۰۲۰ و تا پایان سال با مقداری افزایش، ۰،۹ درصد کاهش کلی خواهد داشت.

کشورهای دیگر به میزان ارتباط با چین از این امر متاثر خواهند شد. تولید ناخالص داخلی کشورهای ژاپن، کره، شرق و جنوب شرقی آسیا تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. صنعت گردشگری و دیگر خدمات مسافرتی نیز در امان نخواهند ماند. در این گزارش نمی‌توان تمامی اثرات احتمالی گسترش ویروس در چین را نشان داد. برخی فاکتورها ممکن است با گسترش ویروس در طول زمان دچار تغییر شوند.



نمودار ۶- اثرات خوشبینانه و بدبینانه گسترش ویروس روی GDP

سناریو بدبینانه

در این سناریو گستره شیوع ویروس، چین، کشورهای آسیا-اقیانوسیه و اقتصادهای پیشرفته در نیم کره شمالی در سال ۲۰۲۰ خواهد بود. این سناریو علاوه بر موارد ذکر شده در سناریوی اول، شامل سقوط ناگهانی تقاضا در بخش خصوصی، در مناطق ذکر شده می‌شود. در این سناریو، بالای ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) در سطح جهانی، تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. محدودیت در سفرها، تجارت و صادرات بین‌المللی شامل این موارد خواهد بود. GDP جهانی در اوج شوک، تا ۱,۷۵ درصد کاهش خواهد داشت و به طور کلی در سال ۲۰۲۰ با احتساب همه افزایش‌ها و کاهش‌ها، به میزان ۱,۵ درصد خواهد بود و علت عمده آن، کاهش تقاضا خواهد بود. تجارت جهانی چیزی حدود ۳,۷۵ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش خواهد داشت و صادرات در تمامی اقتصادها تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

توصیه‌های سیاستی

در اینجا توصیه‌هایی جهت کاهش اثرات شیوع ویروس بر روی اقتصاد ارائه شده است.

- افزایش تخصیص منابع دولتی به بخش سلامت در جهت پیشگیری و انجام اقداماتی برای مقابله با ویروس و ایجاد شرایط مناسب کاری برای بخش سلامت در جهت مقابله با ویروس و تامین منابع برای پژوهش.
- حمایت از خانوارهای ضعیف و شرکت‌های آسیب پذیر
- استفاده از برنامه‌های کاری با کاهش ساعات کاری حضوری
- افزایش کمک‌های نقدی به شرکت‌های نیازمند تا دچار ورشکستگی نشوند
- کاهش هزینه‌ها و مالیات این شرکت‌ها تا کاهش تقاضای خدمات آن‌ها جبران شود.

نکات کلیدی

- ☑ بر اساس عدم قطعیت‌های محدوده، مدت زمان شیوع و کشورهای که درگیر بیماری می‌شوند دو سناریو خوش بینانه و بدبینانه را می‌توان در نظر گرفت.
- ☑ در سناریو خوشبینانه، اپیدمی محدود به چین و چند کشور دیگر بوده، اقتصاد جهانی سقوطی ناگهانی در نیمه اول سال ۲۰۲۰ داشته و پس از آن شروع به بهبود می‌کند.
- ☑ در سناریو بدبینانه، ویروس به صورت گسترده در منطقه آسیا و اقیانوسیه و دیگر اقتصادهای پیشرفته از قبیل اروپا و شمال آمریکا گسترش پیدا کرده و فروپاشی اقتصادی طولانی مدت و عظیمی خواهیم داشت.
- ☑ کشورها باید برای حمایت از سیستم‌های سلامت در کشورهای مختلف همکاری داشته باشند. کشورهای گروه G2۰ می‌بایست با همکاری با یکدیگر، اقدامات لازم را برای جلوگیری از شیوع بیماری انجام دهند.
- ☑ افزایش تخصیص منابع دولتی به بخش سلامت، حمایت از خانوارهای ضعیف و شرکت‌های آسیب پذیر، کاهش ساعات کاری حضوری، افزایش کمک‌های نقدی به شرکت‌ها و کاهش هزینه‌ها و مالیات این شرکت‌ها جهت کاهش اثرات شیوع همه‌گیری بر اقتصاد پیشنهاد می‌شود.

فصل ۳- تاثیر اقتصادی کووید-۱۹

شیوع کووید-۱۹، در دسامبر ۲۰۱۹ از شهر ووهان در استان هوبئی چین آغاز شد و با گذشت زمان، این ویروس در سرتاسر جهان پخش شد. اگرچه مرکز شیوع این بیماری در ابتدا چین بود، ولی هم‌اکنون موارد ابتلای بسیاری در کشورهای دیگر گزارش شده است. درحالی‌که بعضی کشورها قادرند به طور موثرتری موارد مبتلا به این بیماری را درمان کنند، ولی هنوز مشخص نیست موارد جدید کی و کجا ظهور پیدا خواهند کرد. با توجه به خطر کووید ۱۹ برای سلامت عمومی در جهان، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، وضعیت اضطراری بهداشت عمومی را برای نشان دادن نگرانی بین‌المللی برای هماهنگی پاسخ‌های بین‌المللی به این بیماری اعلام کرد و متعاقب آن کووید-۱۹ به عنوان یک بیماری همه‌گیر جهانی معرفی شد.

در دنیایی که شدت بهم‌پیوسته و دارای ارتباطات قوی بین کشورهاست، اثرات طغیان بیماری فراتر از مرگ‌ومیر (کسانی که می‌میرند) و ناخوشی (کسانی که در یک دوره زمانی قادر به کار کردن نیستند) ظاهر می‌شود. با کندشدن اقتصاد چین بعثت اختلال در تولید، کارکرد زنجیره تامین عرضه جهانی نیز مختل شده است.

شرکت‌ها در سراسر جهان، صرف نظر از اندازه، چون به دریافت ورودی‌ها از چین وابسته بودند، تجربه انقباض در تولید را آغاز کرده‌اند. محدود شدن حمل و نقل به خصوص در بین کشورها، باعث کندتر شدن فعالیت‌های اقتصاد جهانی شده است. مهمتر از همه، ترس در بین مصرف‌کنندگان و بنگاه‌ها منجر به تغییر الگوهای مصرف متداول و ناهنجاری‌های بازار شده است. بازارهای جهانی مالی نیز در پاسخ به این تغییرات واکنش نشان داده‌اند و شاخص‌های سهام جهانی افت کرده است.

در مطالعه مک کیبین و فرناندو (۲۰۲۰)، یک مدل اقتصاد جهانی، برای ترسیم هفت سناریو مرتبط با گسترش کووید ۱۹ شبیه‌سازی شده است. مدل G-cubed ترکیبی از مدل‌های تعادل عمومی تصادفی دینامیک (DSGE) و مدل‌های تعادل عمومی محاسبه‌گر (CGE) است که توسط میکبین و ویلکا کسون تهیه شده (۱۹۹۹، ۲۰۱۳) و توسط میکبین و ترایگ (۲۰۱۸) به کشورهای G20 گسترش یافته است. با استفاده از این مدل، روشی برای ارزیابی اقتصادی سارس و پاندمی آنفولانزا به منظور تعیین طیفی از سناریوهای مختلف برای گسترش کووید ۱۹ دنبال شده است.

با توجه به طیفی از فرضیه‌های اپیدمیولوژیک، مجموعه‌ای از فیلترها که فرضیه‌های اپیدمیولوژیک را به شوک‌های اقتصادی تبدیل می‌کنند، تعریف شده است. از جمله این فیلترها می‌توان به این موارد اشاره کرد: کاهش عرضه نیروی کار در هر کشور (ابتلا و مرگ و میر)، افزایش هزینه انجام کار در هر بخش (شامل اختلال در شبکه تولید در هر کشور)، کاهش مصرف بدلیل تغییر در ترجیحات مصرف‌کننده برای هر کالا در هر کشوری (بعلاوه تغییرات ایجادشده در مدل بر اساس تغییرات درآمد و قیمت)، افزایش حق بیمه بر اساس خطر شرکت‌ها در هر بخش از هر کشور (بر اساس مواجهه با بیماری) و افزایش حق بیمه هر کشور بر اساس مواجهه با بیماری و همچنین آسیب‌پذیری نسبت به تغییرات شرایط کلان اقتصادی.

در سناریوهای ۱ تا ۳ فرض بر این است که وقایع اپیدمیولوژیک محدود به چین است. تاثیر اقتصادی بر چین و سرایت آن به کشورهای دیگر- از طریق تجارت، گردش سرمایه و تغییرات در خطر پیش‌پرداخت در بازارهای مالی جهانی- به وسیله این مدل تعیین شده است. سناریوهای ۴ تا ۶، سناریوهای پاندمیکی هستند که در آنها شوک‌های اپیدمیولوژیک در همه کشورها در درجات مختلف رخ می‌دهد. سناریوهای ۱ تا ۶ فرض می‌کنند که شوک‌ها موقت هستند. سناریوی ۷، سناریویی است که در آن انتظار می‌رود پاندمی در سطح متوسط هر سال برای آینده‌های نامعین تکرار شود.

جدول ۱-۳، فرضیات موجود در هفت سناریو را تشریح می‌کند. جدول ۲-۳، اثرات گذاری بر جمعیت را در مناطق مختلف تحت هر سناریو نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که برای حتی کم تلفات‌ترین سناریو پاندمی (سناریوی ۴)، در سطح جهانی حدود ۱۵ میلیون مرگ وجود خواهد داشت. در آمریکا، به طور تخمینی ۲۳۶۰۰۰ مرگ رخ خواهد داد (برای مقایسه، در آمریکا به طور متداول در فصل آنفولانزا حدود ۵۵۰۰۰ نفر هر سال می‌میرند).

جدول ۳-۳، خلاصه‌ای از کل تولید ناخالص داخلی از دست‌رفته برای هر کشور یا منطقه را در هر کدام از ۷ سناریو نشان می‌دهد. در این جدول، تغییر در تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۰، به عنوان درصد تغییر از پایه، بیان شده است. جهت اطلاعات بیشتر می‌توان به مطالعه مک‌کینین و فرناندو (۲۰۲۰) رجوع نمود. جدول ۳-۳، برآوردی از کاهش تولید ناخالص داخلی در اقتصاد جهانی در سناریوهای مختلف را نشان می‌دهد. در مواردی که کووید-۱۹ به پاندمی جهانی تبدیل شود، هزینه ناشی از کاهش بازده اقتصادی در مقیاسی تریلیون دلاری افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۳-فرضیات سناریوها

Scenario	Countries affected	Severity	Attack rate for China	Mortality rate China	Nature of shocks	Shocks activated	
						China	Other countries
1	China	Low	1.0%	2.0%	Temporary	All	Risk
2	China	Mid	10.0%	2.5%	Temporary	All	Risk
3	China	High	30.0%	3.0%	Temporary	All	Risk
4	Global	Low	10.0%	2.0%	Temporary	All	All
5	Global	Mid	20.0%	2.5%	Temporary	All	All
6	Global	High	30.0%	3.0%	Temporary	All	All
7	Global	Low	10.0%	2.0%	Permanent	All	All

Source: Table 3 in McKibbin and Fernando (2020).

جدول ۴- اثر جمعیت تحت هر سناریو

Country/region	Population (thousands)	Mortality in first year (thousands)						
		S01	S02	S03	S04	S05	S06	S07
Argentina	43,418	-	-	-	50	126	226	50
Australia	23,800	-	-	-	21	53	96	21
Brazil	205,962	-	-	-	257	641	1,154	257
Canada	35,950	-	-	-	30	74	133	30
China	1,397,029	279	3,493	12,573	2,794	6,985	12,573	2,794
France	64,457	-	-	-	60	149	268	60
Germany	81,708	-	-	-	79	198	357	79
India	1,309,054	-	-	-	3,693	9,232	16,617	3,693
Indonesia	258,162	-	-	-	647	1,616	2,909	647
Italy	59,504	-	-	-	59	147	265	59
Japan	127,975	-	-	-	127	317	570	127
Mexico	125,891	-	-	-	184	460	828	184
Republic of Korea	50,594	-	-	-	61	151	272	61
Russia	143,888	-	-	-	186	465	837	186
Saudi Arabia	31,557	-	-	-	29	71	128	29
South Africa	55,291	-	-	-	75	187	337	75
Turkey	78,271	-	-	-	116	290	522	116
United Kingdom	65,397	-	-	-	64	161	290	64
United States	319,929	-	-	-	236	589	1,060	236
Other Asia	330,935	-	-	-	530	1,324	2,384	530
Other oil-producing countries	517,452	-	-	-	774	1,936	3,485	774
Rest of euro area	117,427	-	-	-	106	265	478	106
Rest of OECD	33,954	-	-	-	27	67	121	27
Rest of world	2,505,604	-	-	-	4,986	12,464	22,435	4,986
Total	7,983,209	279	3,493	12,573	15,188	37,971	68,347	15,188

Source: Table 2 in McKibbin and Fernando (2020).

جدول ۵- تولید ناخالص داخلی از دست رفته سال ۲۰۲۰ (درصد انحراف از پایه)

Country/Region	S01	S02	S03	S04	S05	S06	S07
Australia	-0.3	-0.4	-0.7	-2.1	-4.6	-7.9	-2.0
Brazil	-0.3	-0.3	-0.5	-2.1	-4.7	-8.0	-1.9
China	-0.4	-1.9	-6.0	-1.6	-3.6	-6.2	-2.2
India	-0.2	-0.2	-0.4	-1.4	-3.1	-5.3	-1.3
Rest of euro area	-0.2	-0.2	-0.4	-2.1	-4.8	-8.4	-1.9
France	-0.2	-0.3	-0.3	-2.0	-4.6	-8.0	-1.5
Germany	-0.2	-0.3	-0.5	-2.2	-5.0	-8.7	-1.7
South Africa	-0.2	-0.2	-0.4	-1.8	-4.0	-7.0	-1.5
Italy	-0.2	-0.3	-0.4	-2.1	-4.8	-8.3	-2.2
Japan	-0.3	-0.4	-0.5	-2.5	-5.7	-9.9	-2.0
United Kingdom	-0.2	-0.2	-0.3	-1.5	-3.5	-6.0	-1.2
Rest of World	-0.2	-0.2	-0.3	-1.5	-3.5	-5.9	-1.5
Mexico	-0.1	-0.1	-0.1	-0.9	-2.2	-3.8	-0.9
Canada	-0.2	-0.2	-0.4	-1.8	-4.1	-7.1	-1.6
Rest of OECD	-0.3	-0.3	-0.5	-2.0	-4.4	-7.7	-1.8
Rest of oil-producing countries	-0.2	-0.2	-0.4	-1.4	-3.2	-5.5	-1.3
Argentina	-0.2	-0.3	-0.5	-1.6	-3.5	-6.0	-1.2
Russia	-0.2	-0.3	-0.5	-2.0	-4.6	-8.0	-1.9
Saudi Arabia	-0.2	-0.2	-0.3	-0.7	-1.4	-2.4	-1.3
Turkey	-0.1	-0.2	-0.2	-1.4	-3.2	-5.5	-1.2
United States	-0.1	-0.1	-0.2	-2.0	-4.8	-8.4	-1.5
Other Asia	-0.1	-0.2	-0.4	-1.6	-3.6	-6.3	-1.5
Indonesia	-0.2	-0.2	-0.3	-1.3	-2.8	-4.7	-1.3
Republic of Korea	-0.1	-0.2	-0.3	-1.4	-3.3	-5.8	-1.3

Source: Table 10 in McKibbin and Fernando (2020).

دامنه پاسخ‌های سیاسی هم در کوتاه مدت و هم در سال‌های پیش رو مهم هستند. در کوتاه مدت، و مادامی که شیوع ویروس ادامه داشته باشد، بانک‌های مرکزی و خزانه داری‌ها باید اطمینان حاصل کنند که اقتصادهای مختل شده همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. نقش دولت‌ها در مواجهه با این استرس واقعی و مالی در پیش رو، بسیار مهم است. پاسخ احتمالی بانک‌های مرکزی به شوک اقتصادی، کاهش نرخ بهره است، با این حال، این شوک صرفاً یک مشکل در زمینه مدیریت تقاضا نیست، بلکه بحرانی چندوجهی است که به سیاست‌گذاری‌های پولی، مالیاتی و سلامت نیاز دارد. قرنطینه افراد مبتلا و کاهش تعاملات اجتماعی در مقیاسی بزرگ، پاسخی موثر است. انتشار گسترده اطلاعات درباره اقدامات مطلوب بهداشتی پاسخی کم هزینه و بسیار موثر است که می‌تواند دامنه همه‌گیری را محدود کرده و باعث کاهش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن شود.

پاسخ‌های طولانی مدت از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. علیرغم مرگ و میر و مشکلات عدیده ای که زندگی تعداد زیادی از مردم را مختل کرده، بسیاری از دولت‌ها تمایل به سرمایه‌گذاری کافی در نظام سلامت خود ندارند، چه رسد به سیستم‌های بهداشتی و درمانی عمومی در کشورهای کمتر توسعه یافته که احتمالاً منشا بسیاری از بیماری‌های عفونی هم هستند.

کارشناسان هشدار داده‌اند، و همچنان نیز هشدار می‌دهند که بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان همچنان تهدیدی برای جان میلیون‌ها نفر خواهد بود، و می‌تواند اقتصاد یکپارچه جهانی را با اختلال عمده ای مواجه کند. با شیوع بیماری کووید-۱۹ ثابت شد که ایده جزیره‌ای بودن هر کشور در یک اقتصاد یکپارچه جهانی اشتباه است. همکاری جهانی، به ویژه در حوزه توسعه اقتصادی و سلامت عمومی، ضروری است. همه کشورهای بزرگ باید در این حوزه‌ها فعالانه مشارکت کنند. زمانی که بیماری تعداد زیادی از کشورها را درگیر کرده باشد، تلاش برای بستن مرزها در هنگام شروع پاندمی، خیلی دیر است.

نکات کلیدی فصل

- ☑ شرکت‌ها در سراسر جهان چون به دریافت ورودی‌ها از چین وابسته بودند، تجربه انقباض در تولید را آغاز کرده‌اند.
- ☑ محدود شدن حمل و نقل به خصوص در بین کشورها، باعث کندتر شدن فعالیت‌های اقتصاد جهانی شده است. مهمتر از همه، ترس در بین مصرف‌کنندگان و بنگاه‌ها منجر به تغییر الگوهای مصرف متداول و ناهنجاری‌های بازار شده است. بازارهای جهانی مالی نیز در پاسخ به این تغییرات واکنش نشان داده‌اند و شاخص‌های سهام جهانی افت کرده است.
- ☑ در مطالعه مک کیین و فرناندو، یک مدل اقتصاد جهانی، برای ترسیم هفت سناریو مرتبط با گسترش کووید ۱۹ شبیه‌سازی شده است.
- ☑ در این مطالعه، برای کم تلفات‌ترین سناریو پاندمی، در سطح جهانی حدود ۱۵ میلیون مرگ وجود خواهد داشت.
- ☑ اگر کووید-۱۹ به پاندمی تبدیل شود (که شده)، هزینه ناشی از کاهش بازده اقتصادی در مقیاسی تریلیون دلاری افزایش پیدا می‌کند.
- ☑ پاسخ‌های سیاسی مناسب به این چالش، هم در کوتاه مدت و هم در سال‌های پیش رو مهم هستند. در کوتاه مدت، و مادامی که شیوع ویروس ادامه داشته باشد، دولت باید اطمینان حاصل کنند که اقتصادهای مختل شده همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند.
- ☑ این شوک صرفاً یک مشکل در زمینه مدیریت تقاضا نیست، بلکه بحرانی چندوجهی است که به سیاست‌گذاری‌های پولی، مالیاتی و سلامت نیاز دارد.
- ☑ قرنطینه افراد مبتلا و کاهش تعاملات اجتماعی، پاسخی موثر است. انتشار گسترده اطلاعات درباره اقدامات مطلوب بهداشتی پاسخی کم هزینه و بسیار موثر است که می‌تواند دامنه همه‌گیری را محدود کرده و باعث کاهش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن شود.
- ☑ با شیوع بیماری کووید-۱۹ ثابت شد که ایده جزیره‌ای بودن هر کشور در یک اقتصاد یکپارچه جهانی اشتباه است. همکاری جهانی، به ویژه در حوزه توسعه اقتصادی و سلامت عمومی، ضروری است.

فصل ۴ - کرونا ویروس از طرق مختلف به خاورمیانه و شمال آفریقا آسیب می‌رساند

کووید-۱۹ اولین بار در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ توسط مقامات چینی به سازمان بهداشت جهانی (WHO) اعلام و هشدار داده شده است. این ویروس جدید که علائم شبیه آنفولانزا دارد نسبت به کروناویروس‌های معمول، شدیدتر و به احتمال زیاد، باعث مرگ بیشتری می‌شود. کووید-۱۹، این پتانسیل را دارد که فعالیت‌های اقتصادی جهانی را به شدت مختل کند. در این فصل، کانال‌هایی را بررسی می‌کنم که کووید-۱۹ از طریق آنها می‌تواند منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا^{۳۵} تحت تأثیر قرار دهد.

بیماری کووید-۱۹

مسافران چینی، کره ای، ایتالیایی، ایرانی و سایر کشورهای مبتلا، می‌توانند کووید-۱۹ را در منطقه MENA پخش کنند. این ویروس قبلاً در ایران و سایر کشورهای MENA شیوع پیدا کرده است. از ۲۹ فوریه، ایران تعداد قابل توجهی مبتلا به بیماری و مرگ را گزارش کرده است. افزایش سریع در مبتلایان، احتمالاً باعث اختلال در تولید و تجارت این کشور می‌شود. همانطور که ویروس در ایران شیوع می‌یابد، مقامات این کشور، مدارس را تعطیل و رویدادهای هنری و سینمایی را لغو کرده‌اند و کشورهای همسایه، مرزهای زمینی خود را با ایران بستند. کشورهای دیگر MENA نیز شیوع این بیماری را گزارش کرده‌اند. از ۲۹ فوریه کشورهای مختلف این منطقه نظیر امارات متحده عربی، عراق، بحرین، کویت، مصر، قطر و لبنان موارد مبتلا به ویروس را گزارش کرده‌اند.

توانایی در مهار ویروس در کشورهای MENA، به توان سیستم‌های سلامت عمومی این کشورها بستگی دارد. اکثر کشورهای MENA در بین ۱۹۱ سیستم سلامت جهان جایگاه نسبتاً خوبی در رتبه‌بندی سازمان بهداشت جهانی دارند- با استثنا برخی از کشورها مانند یمن (در رتبه ۱۲۰) و جیبوتی (رتبه ۱۵۷) (تاندون و همکاران ۲۰۰۰). به نظر می‌رسد، برخی از کشورهای MENA در مبارزه با شیوع ویروس با مشکل روبرو شوند. جنگ در سوریه و یمن، به طور قطع مانع عملکرد مناسب سیستم‌های سلامت در این دو کشور خواهد شد. به گفته عبدالناصر ابوبکار از دفتر منطقه مدیترانه شرقی WHO، تحریم آمریکا علیه ایران ممکن است به توانایی ایران در خرید فناوری مورد نیاز برای تولید تجهیزات و داروهای ضروری آسیب برساند.

قیمت نفت

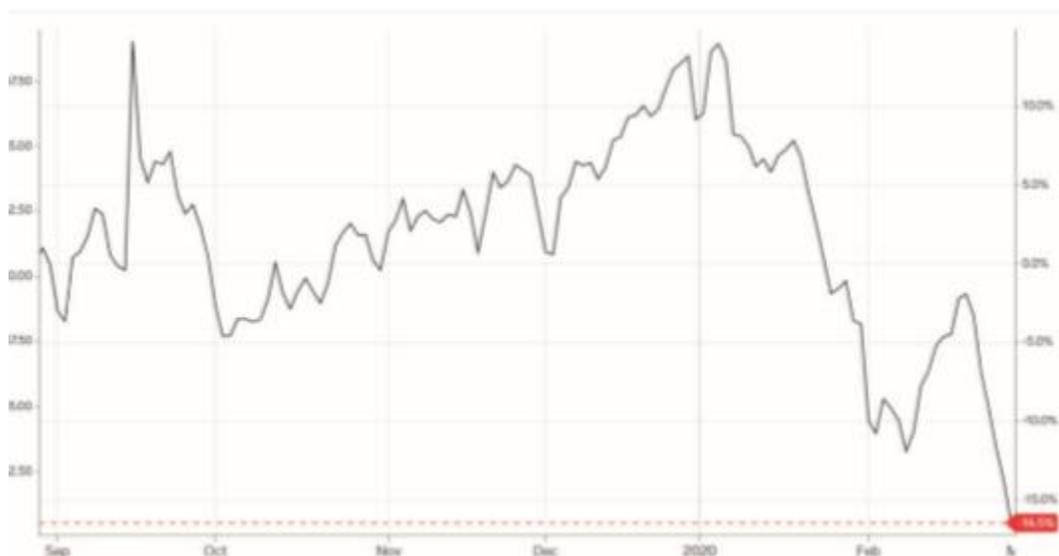
به دلیل نیاز کشورهای منطقه به صادرات نفت و گاز، انتظار می‌رود کاهش قیمت فرآورده‌های نفتی مهمترین بخشی باشد که از طریق آن اثرات کووید-۱۹ در کشورهای MENA احساس شود. از زمان کشف این ویروس و سیر صعودی ابتلا به این بیماری در چین و سایر کشورها، از آغاز سال ۲۰۲۰، قیمت نفت به شدت کاهش یافته است. بهای نفت برنت^{۳۴}، از هر بشکه نفت ۶۸/۹۰ دلار در اول ژانویه به هر بشکه ۵۰/۵ دلار در ۲۸ فوریه رسیده است (شکل ۱-۴). معاملات نفت خام در طول ژانویه و فوریه حدود ۲۰ دلار در هر بشکه سقوط کرده است و انتظار می‌رود کووید-۱۹ تأثیر منفی قابل توجهی بر تقاضای نفت داشته باشد (شکل ۲-۴).

^{۳۵}: MENA

^{۳۴}: Brent

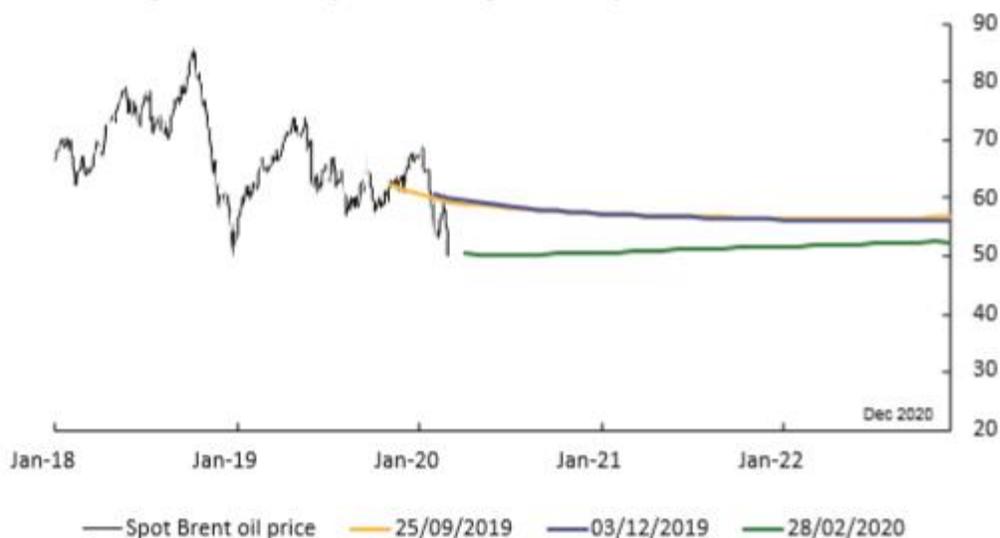
اگرچه عوامل دیگر ممکن است در این کاهش قیمت، نقش داشته باشند، اما احتمالاً کووید-۱۹، بدلیل کاهش قابل توجه تقاضا از سوی چین مهمترین عامل این کاهش است. همچنین، دولتمردان به عنوان بخشی از سیاست‌های خود برای مهار شیوع ویروس، تسهیلات تولید را محدود کردند. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در مورد بازار نفت در ماه فوریه، تقاضای نفت چین در حال حاضر ۱۴ درصد از تقاضای جهانی را تشکیل می‌دهد و رشد چین در تقاضای نفت در حال حاضر بیش از ۷۵ درصد رشد جهانی تقاضا محاسبه شده است (آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۲۰). علاوه بر این، با این نقش مهم رو به رشد چین در اقتصاد جهانی، انتظار می‌رود هرگونه شکست در اقتصاد این کشور، دارای رشد منفی قابل توجهی بر اقتصاد جهانی داشته باشد (آرژکی و یانگ ۲۰۱۸). همچنین، ترس و عدم اطمینان جهانی در مورد آینده شیوع ویروس، احتمالاً به تصمیم برای سرمایه‌گذاری در چین و سایر کشورها آسیب می‌رساند و همین امر باعث کاهش بیشتر قیمت نفت می‌شود. IEA انتظار دارد که تقاضای روزانه جهانی برای نفت در مقایسه با سال گذشته در سه ماهه اول سال ۲۰۲۰، ۴۳۵،۰۰۰ بشکه کاهش یابد که این اولین کاهش سه ماهه در بیش از یک دهه است. پیش‌بینی می‌شود تقاضای جهانی برای سال ۲۰۲۰ نیز ۳۶۵،۰۰۰ بشکه در روز کاهش یابد که بدترین وضعیت تقاضا از سال ۲۰۱۱ تاکنون خواهد بود. خطر ناشی از بحران کووید-۱۹، باعث شده است که کشورهای عضو اوپک کاهش مازاد در تولید نفت ۶۰۰،۰۰۰ بشکه در روز را به عنوان یک اقدام اضطراری در نظر بگیرند که قبلاً بیش از ۱/۷ میلیون بشکه در روز پیش‌بینی شده بود (آژانس بین‌المللی انرژی ۲۰۲۰).

بهبود قیمت نفت، به میزان موفقیت چین و سایر کشورها در مهار شیوع ویروس، بستگی دارد که به طور فزاینده‌ای بر کل جهان تاثیر می‌گذارد. هرچند موارد ابتلا در دنیا در حال افزایش است و بسیاری از کشورهای دیگر مواردی را ثبت کرده‌اند.



شکل ۱- قیمت نفت برنت و منحنیهای آینده

نکته: اطلاعات جمع‌آوری شده تا پایان ۲۸ فوریه ۲۰۲۰



شکل ۲- قیمت نفت در آینده (دلار آمریکا برای هر بشکه)

نکته: تاریخ انقضا بر محور افقی. خطوط رنگی قیمت‌های آتی نفت خام برنت را در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۹، ۳ دسامبر ۲۰۱۹ و ۲۸ فوریه ۲۰۲۰ نشان می‌دهند.

زنجیره‌های ارزش^{۳۷}

هنگامی که تولید در چین مختل شود، کشورهایی که ارتباطات زنجیره ارزشی با چین دارند نیز احتمالاً تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. این نگرانی ویژه برای بسیاری از کشورهای آسیایی است که ارتباطات زنجیره ارزشی مهمی با چین دارند. اما احتمال کمی برای نگرانی کشورهای MENA وجود دارد که مشارکت محدودی در زنجیره‌های ارزشی جهانی دارند. با این حال، اختلال در زنجیره‌های ارزش جهانی ممکن است نگرانی کاهش قیمت نفت بعثت کاهش تقاضا، را تشدید کند.

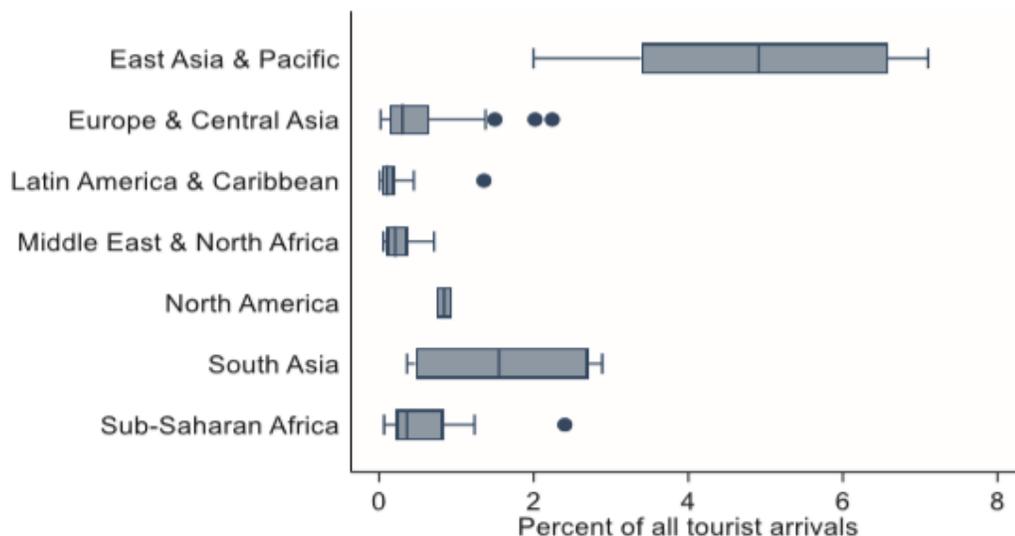
گردشگری و مسافرت

احتمالاً کووید-۱۹، تعداد گردشگران چینی بازدیدکننده از کشورهای MENA را از دو طریق کاهش خواهد داد. اولین مورد، عامل کاهش کشتی^{۳۸} است. بسیاری از کشورهای MENA، اکنون محدودیت‌های ورود مسافر از چین را اعمال می‌کنند. علاوه بر این، عربستان سعودی، حتی ورود زائران به اماکن مقدس را به حالت تعلیق درآورد و گردشگری در خاورمیانه بیشتر کاهش یافت. دومین مورد، عامل فشار^{۳۹} است. سیر نزولی اقتصاد در چین به مفهوم کاهش گردشگری در سایر کشورها، همچون MENA است. آسیای شرقی و اقیانوس آرام به احتمال زیاد شدیدترین کاهش در گردشگران چینی را شاهد می‌باشند. انتظار می‌رود تأثیر سیر نزولی اقتصاد در چین بر ورود گردشگران به MENA کمتر باشد (شکل ۶). با این حال، کاهش سفرهای جهانی، باعث کاهش قیمت نفت خواهد شد.

^{۳۷} Value chains

^{۳۸} Pull

^{۳۹} Push



شکل ۳- تخمین تاثیر کاهش سرانه تولید ناخالص داخلی چین بر ورود چینی‌ها به MENA و سایر نقاط جهان

نکته: به استثناء هنگ کنگ.

نکات کلیدی فصل

- ☑ کووید-۱۹، این پتانسیل را دارد که فعالیت‌های اقتصادی جهانی را به شدت مختل کند و قاعدتاً می‌تواند منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را تحت تأثیر قرار دهد.
- ☑ افزایش سریع در مبتلایان به کرونا، احتمالاً باعث اختلال در تولید و تجارت کشور ایران می‌شود.
- ☑ به نظر می‌رسد، برخی از کشورهای MENA در مبارزه با شیوع ویروس با مشکل جدی روبرو شوند. جنگ در سوریه و یمن و تحریم‌های ایران، مانع عملکرد مناسب سیستم‌های سلامت در این دو کشور خواهد شد.
- ☑ به دلیل نیاز کشورهای منطقه به صادرات نفت و گاز، انتظار می‌رود کاهش قیمت فرآورده‌های نفتی مهمترین بخشی باشد که از طریق آن اثرات کووید-۱۹ در کشورهای MENA احساس شود.
- ☑ ترس و عدم اطمینان جهانی در مورد آینده شیوع ویروس، احتمالاً به تصمیم برای سرمایه‌گذاری در چین و سایر کشورها آسیب می‌رساند و همین امر باعث کاهش بیشتر قیمت نفت می‌شود.
- ☑ بهبود قیمت نفت، به میزان موفقیت چین و سایر کشورها در مهار شیوع ویروس، بستگی دارد که به طور فزاینده‌ای بر کل جهان تاثیر می‌گذارد.
- ☑ اختلال در زنجیره‌های ارزش جهانی ممکن است نگرانی کاهش قیمت نفت بعلاوه کاهش تقاضا، را تشدید کند.
- ☑ احتمالاً کووید-۱۹، تعداد گردشگران چینی بازدیدکننده از کشورهای MENA را کاهش خواهد داد.

فصل ۵- نگاهی رو به آینده در مورد تاثیر کرونا بر تجارت

کووید-۱۹ هم روی عرضه و هم تقاضا، شوک وارد کرده است. هر دوی این شوک‌ها بر تجارت بین‌المللی کالا و خدمات تاثیر خواهد گذاشت. در این فصل سعی شده با استفاده از تجربیات قبلی و در نظر گرفتن منطق اقتصادی، نگاهی آینده‌نگر به اثرات کووید-۱۹ بر تجارت داشته باشیم. نکته قابل توجه در این خصوص این است که این ویروس احتمالاً همانطور که از نظر پزشکی، مسری است، از نظر اقتصادی هم، مسری است.

زمانی که می‌خواهیم نگاه آینده‌نگری به تاثیر کرونا بر تجارت بیاندازیم، باید به چند واقعیت زیر توجه کنیم:

اول) همه‌گیری‌های قبلی از جنگ جهانی تاکنون، عموماً بر کشورهای کم‌اهمیت اقتصادی تأثیر گذاشته بودند، اما این یکی متفاوت است. در کشورهای پیشرفته‌ای مثل چین، کره، ایتالیا، ژاپن، آمریکا و آلمان، افراد زیادی به این بیماری مبتلا شده‌اند. ۶ کشور پیشرفته‌ای که:

- حدود ۵۵٪ از عرضه و تقاضای جهانی (تولید ناخالص داخلی) را در اختیار دارند.
- حدود ۶۰٪ از تولید جهانی و ۵۰٪ صادرات تولید جهان را در اختیار دارند.

جدول ۶- اقتصادهای بزرگ و کووید ۱۹ (به روزرسانی تا ۲۹ فوریه ۲۰۲۰)

	GDP	Manufacturing	Exports	Manufactured exports	COVID-19 cases
US	24%	16%	8%	8%	0.1%
China	16%	29%	13%	18%	85.2%
Japan	6%	8%	4%	5%	0.3%
Germany	5%	6%	8%	10%	0.2%
UK	3%	2%	2%	3%	0.1%
France	3%	2%	3%	4%	0.2%
India	3%	3%	2%	2%	0.0%
Italy	2%	2%	3%	3%	2.7%
Brazil	2%	1%	1%	1%	0.0%
Canada	2%	0%	2%	2%	

Sources: World Bank's World DataBank, WHO.int.

به طور مسلم، اختلال در عرضه و شوک‌های تقاضا در این کشورها، عواقب جهانی خواهد داشت.

دوم) اگر این ویروس و سیاست‌های پیشگیری همراه با آن، باعث کاهش چشمگیر تقاضای کل در این شش کشور شود، رشد تجارت جهانی به میزان قابل توجهی، کند و آهسته خواهد شد.

سوم) علاوه بر اینکه این کشورها غول‌های جهانی هستند، بخش‌های تولیدی آنها در قلب زنجیره‌های بیشمار تأمین بین‌المللی قرار دارند و هر کدام از آنها، منبع مهمی برای ارسال و ورودی‌های صنعتی به یکدیگر و سایر کشورهای دنیا محسوب می‌شوند.

به عنوان مثال، اجزا و قطعات صنعتی ساخته شده در چین، برای واحدهای تولیدی در بیشتر کشورهای دنیا، دارای اهمیت هستند. بنابراین شوک عرضه در این شش کشور احتمالاً - از طریق تجارت کالاهای واسطه - چیزی به نام "همه‌گیری زنجیره تأمین"^{۴۰} ایجاد می‌کند، به این معنی که ایجاد شوک در این شش کشور باعث شوک در بسیاری از کشورها می‌شود - حتی آنهایی که بسیار کمتر با همه‌گیری مواجه می‌شوند. این زنجیره در ایجاد فروپاشی بزرگ تجاری در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ دارای اهمیت بوده است.

بخش تولید ضربه‌ای سه گانه می‌خورد.

نکته مهم این است که تولید ویژگی‌های خاص خود را دارد. کالاهای تولیدی - در کل - خریدهای "قابل تعویق" هستند. همانطور که در فروپاشی بزرگ تجاری سال ۲۰۰۹ دیدیم، شوک تقاضا و انتظار بر کالاهای بادوام، بیشتر از کالاهایی که دوام چندانی ندارند، اثر می‌گذارد. خلاصه اینکه، احتمالاً بخش تولید به دلایل سه گانه زیر، ضربه سه گانه‌ای خواهد خورد:

۱- اختلال در عرضه مستقیم که مانع تولید می‌شود و از آنجا که این بیماری ابتدا اثرش را بر بخش مهم تولیدی جهان (یعنی شرق آسیا) گذاشته، به سرعت در سایر غول‌های صنعتی - نظیر ایالات متحده و آلمان - گسترش می‌یابد.

۲- همه‌گیری زنجیره تأمین، شوک‌های عرضه مستقیم را تقویت می‌کند. در این شرایط برای بخش‌های تولیدی سایر کشورها، دستیابی و دریافت واردات صنعتی لازم از کشورهای درگیر کرونا دشوارتر بوده و یا گران‌تر تمام خواهد شد.

۳- اختلال در بخش تقاضا به دلیل (۱) افت اقتصادی در سطح کلان در نتیجه رکود اقتصادی و (۲) تاخیر در خریدهای احتیاطی توسط مصرف‌کنندگان و تاخیر در سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌ها، رخ خواهد داد.

مطمئناً بخش خدمات در تمام کشورهای آسیب دیده به سختی ضربه خواهد خورد - زیرا رستوران‌ها و سینماها خالی از مشتری هستند - اما نگرانی جدی‌تر در جایی دیگر است و بخش تولید بیشترین ضربه را خواهد خورد.

تأثیرات شوک عرضه و تقاضا بر جریان کلی تجارت

شوک عرضه و تقاضا احتمالاً دو تاثیر مهم زیر را بر صادرات و واردات خواهد گذاشت:

^{۴۰} Supply chain contagion.

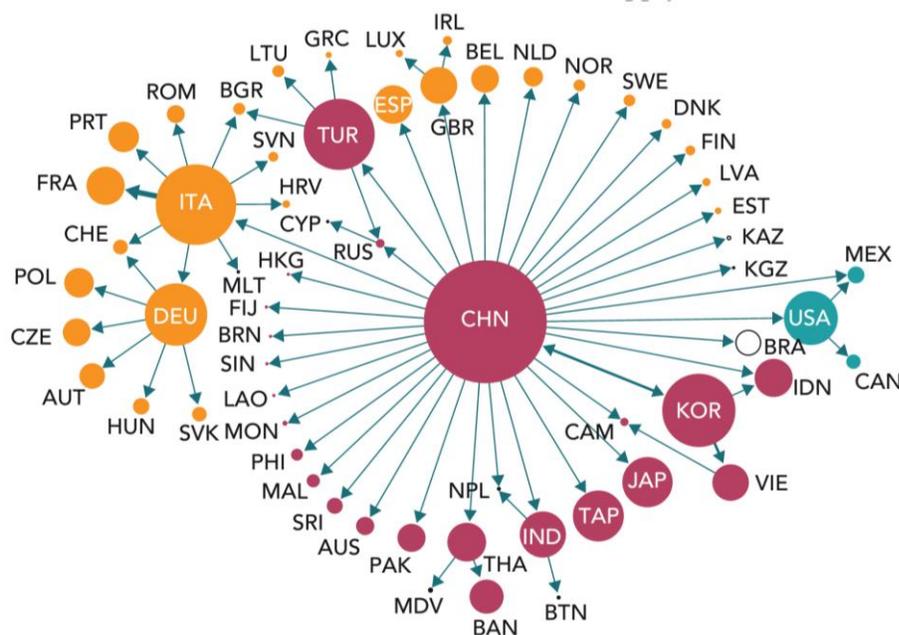
۱. به همان اندازه که کووید-۱۹ بر عرضه شوک وارد کند، صادرات هم متاثر می‌شود. در کشورهایی که بیشترین ضربه را از کرونا خورده‌اند، صادرات هم بیشترین سقوط را داشته است.

۲. به همان اندازه که کووید-۱۹ بر تقاضا شوک وارد کند، واردات هم متاثر می‌شود. به عبارت دیگر در کشورهای تجاری شریک که بیشترین ضربه را از کرونا خورده‌اند، واردات هم بیشترین کاهش را داشته است.

جمع‌بندی اینکه شوک قابل ملاحظه در تقاضا و عرضه در این شش کشور قدرتمند، با توجه به اهمیت اقتصادی آنها، مطمئناً باعث افت شدید جریان‌های تجاری در سطح جهانی خواهند شد.

از اوایل ماه مارس سال ۲۰۲۰، بیماری همه‌گیر کووید-۱۹، عمدتاً معضل چین بود و بیش از ۹۰٪ موارد ابتلا، از این کشور گزارش می‌شدند. در ادامه انتشار این بیماری، ژاپن و کره دو کشور بعدی بودند که بیشترین مواجهه را پیدا کردند. مواجهه این کشورها با کرونا از این لحاظ حائز اهمیت است که نقش مهمی در زنجیره تامین تمام کشورهای دنیا دارند.

چین به تنهایی، طی چند دهه گذشته به چیزی شبیه به "اوپک برای واردات صنعتی" تبدیل شده است، یعنی نقش منبع مهم واردات مورد استفاده در صنایع در سراسر جهان را برعهده داشته است. در شکل ۱-۵، این نقش، بصورت نمونه در زنجیره تامین نساجی نشان داده شده است.



Source: WTO Global Value Chain Development Report 2019.

شکل ۴-هاب‌های زنجیره تامین نساجی در دنیا و ارتباطات بین‌کشوری آنها

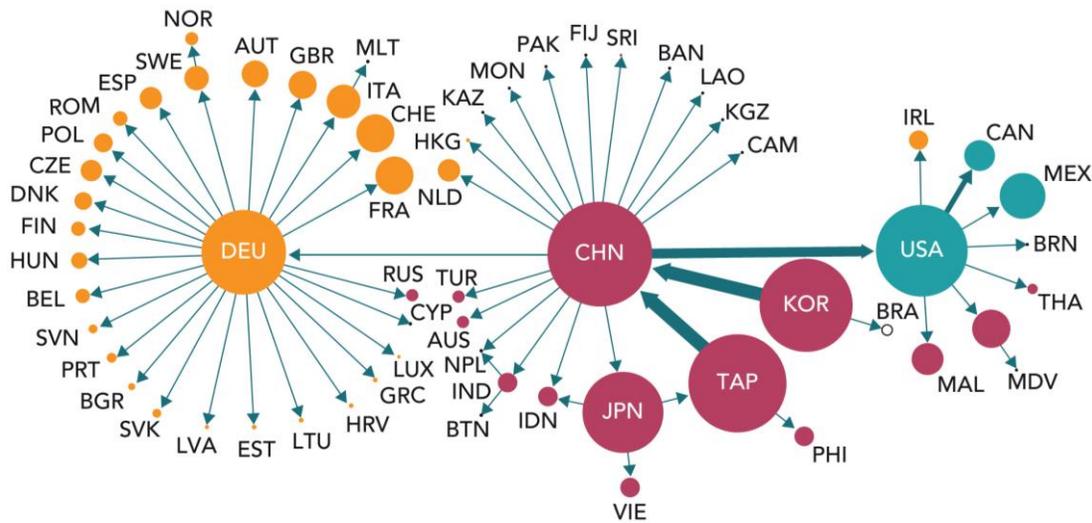
در شکل، اندازه حباب، میزان تبادل و جریان تجارت کشور را نشان می‌دهد و ضخامت فلش‌های اتصال دهنده، اهمیت نسبی جریان‌های دو طرفه تجاری را نشان می‌دهد. جریان‌های کوچک برای وضوح سایر ارتباطات، صفر در نظر گرفته شده‌اند.

در این خصوص، دو مورد مهم زیر قابل توجه می‌باشند:

اول) چین با فراهم سازی ورودی قابل توجه برای بخش نساجی، نقش کارگاه جهانی را بازی می‌کند و این برای کل شبکه جهانی تجارت و تولید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

دوم) یکسری کشورها در صنعت نساجی، نقش مهمی در مناطق مختلف دنیا، ایفا می‌کنند. ایتالیا، قلب "کارخانه اروپا" است. چین قلب "کارخانه آسیا" است و ایالات متحده قلب "کارخانه آمریکای شمالی" است. در آفریقا و آمریکای جنوبی هیچ کشورهایی وجود ندارد.

شکل ۲-۵، همان اطلاعات را برای کالاهای واسطه‌ای که در بخش‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) استفاده می‌شود، نشان می‌دهد.



Source: WTO Global Value Chain Development Report 2019.

شکل ۵-هاب‌های زنجیره تامین بخش‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیا و ارتباطات بین‌کشوری آنها

پیوندهای عرضه در بخش‌های مختلف بسیار متفاوت است. به عنوان مثال در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات، مرکزیت چین را با ملاحظات زیر می‌بینیم:

- ژاپن، کره، تایوان و چین در مورد کالاهای ICT، هاب مشترک کارخانه‌های آسیا هستند.
- منطقه‌ای بودن زنجیره‌های عرضه در فناوری اطلاعات و ارتباطات از نساجی قوی‌تر است.

می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که احتمال انتقال و یروس از طرف عرضه‌کننده بسیار محتمل است و اختلالات تأمین در بخش‌های تولیدی آسیای شرقی احتمالاً به بخش‌های تولید سایر کشورها در سراسر جهان آسیب می‌رساند.

شواهد مرتبط با چنین انتقال آلودگی، فراوان است. مثلاً اخیراً مقاله‌ای در بارونز^۱ نقل از مدیرعامل شرکت ارائه دهنده نرم افزار زنجیره تامین چین بیان نموده که "در دو دهه گذشته، چین تبدیل به کارخانه جهانی شده... کالاهای بسته بندی شده مصرفی، خودرو، پوشاک، فناوری پیشرفته؛ نمی توانم به شما بگویم که کدام بخش تحت تأثیر قرار نمی گیرد." سه غول تولیدکننده در آسیای شرقی یعنی چین، کره جنوبی و ژاپن بیش از ۲۵٪ واردات آمریکا و بیش از ۵۰٪ واردات محصولات رایانه‌ای و الکترونی این کشور را تشکیل می دهند.

مجله اکونومیست به آسیب پذیری صنعت الکترونیک اشاره کرده و اینکه این صنعت بصورت معمول سطح موجودی بسیار پایینی دارد و منبع جایگزینی نیز برای بسیاری از قطعات الکترونیکی خود ندارد. بخش اپتیک نیز وضعیت مشابهی دارد. قلب محل شیوع بیماری یعنی استان هوئی به عنوان "دره نوری"^۲ چین شناخته می شود زیرا بسیاری از بنگاه‌های تولیدکننده اجزای فیبر نوری در آنجا مستقر هستند (این اجزا، ورودی‌های اساسی برای شبکه‌های مخابراتی هستند). چیزی نزدیک به یک چهارم کابل‌های فیبر نوری جهان و دستگاه‌های مشابه در این استان قرار دارند. استان هوئی همچنین محل کارخانه‌های بسیار پیشرفته برای تولید ریزتراشه است (این ریزتراشه‌ها در تراشه‌های حافظه فلش در دستگاه‌هایی مثل تلفن‌های هوشمند مورد استفاده قرار می گیرند).

اکونومیست به نقل از یکی از تحلیلگران، حدس می زند که این بیماری همه گیر در هوئی، به تنهایی می تواند موجب کاهش قیمت ۱۰ درصدی قیمت گوشی‌های هوشمند در سراسر دنیا گردد.^۳

در شرایط کنونی، بخش خودرو به ویژه در شرق آسیا، بعلت گسستگی در زنجیره‌های عرضه بین المللی به طور قابل توجهی مختل شده است. به عنوان مثال، کمبود قطعات وارداتی از چین، شرکت کره‌ای هیوندای را وادار کرده است که تمام کارخانه‌های اتومبیل خود را در کره تعطیل کند. همچنین شرکت ژاپنی نيسان کارخانه‌ای را به طور موقت در ژاپن تعطیل کرد. این شوک حتی به اروپا نیز رسیده است. اخیراً فیات-کرایسلر هشدار داده است که احتمالاً به زودی خط تولید یکی از کارخانه‌های اروپایی خود را متوقف می کند. جگوار لندروور، یک شرکت اتومبیل سازی مستقر در انگلیس، اعلام کرد که احتمال دارد از پایان ماه فوریه، بعضی بخش‌هایش با مشکل جدی قطعه مواجه شوند و برای کاهش این دغدغه، بصورت موقت مواد اولیه اضطراری را در داخل چمدان از چین وارد کرده است.

داده‌های مرتبط با پیوندهای زنجیره تأمین چه می گوید؟

به لطف پایگاه داده OECD، می توان پیوندهای زنجیره تأمین بین المللی را به راحتی ثبت و نمایش داد. جدول ۲-۵، وابستگی کشورها به یکدیگر را در مورد تبادل کالاها، نشان می دهد. در این جدول، تمرکز بر روی منبع محصولات است که یک کشور مستقیم و غیرمستقیم خریداری می کند. به عنوان مثال، ایالات متحده چیزهای زیادی از چین وارد می کند - و این واردات از طریق سه مسیر اساسی انجام می شود. مسیر اول، از طریق واردات مستقیم کالاهای ساخته شده در چین است. برخی از این جنس واردات ایالات متحده از چین ممکن است توسط چین و در کشورهای دیگری تهیه شود. به عنوان مثال، چین ممکن است برای ساخت دوربین‌هایی که به ایالات متحده صادر می کند، در ژاپن اجزای نوری پیچیده مرتبط را تولید کند.

^۱ Barron's

^۲ Optics valley

^۳ See <https://www.economist.com/international/2020/02/15/the-new-coronavirus-could-have-a-lasting-impact-on-globalsupply-chains>

دوم، واردات قطعات و اجزای چینی توسط شرکت‌های آمریکایی است که سپس این قطعات در تولیداتی در آمریکا استفاده می‌شوند. آخرین مسیر هم شامل قطعات چینی به کاررفته در کالاهایی است که ایالات متحده از کشورهای ثالث خریداری می‌کند. به عنوان مثال، صنعت اتومبیل‌سازی مکزیک، که سالیانه تعداد زیادی اتومبیل به آمریکا می‌فروشد، قطعات زیادی را از چین خریداری می‌کند. جدول ۲، نتیجه این محاسبات را نشان می‌دهد. یکی از نکات کلیدی جدول این است که کالاهای و قطعات تولید شده در ایالات متحده، آلمان (DEU)، چین (CHN) و ژاپن (JPN) در هزینه کردهای تمام کشورهای مهم، رقم قابل توجهی دارند. در تمام کشورهایی که لیست شده اند، ارزش افزوده چین کمتر از ۳ درصد از هزینه‌های نهایی نیست. نکته دیگر، نقش پررنگ منطقه ای برخی کشورها است. به خصوص در آمریکای شمالی، ایالات متحده برای کانادا و مکزیک نقش مسلط تری دارد، همانند چین و ژاپن در شرق آسیا و انگلیس، آلمان، فرانسه و ایتالیا (بخصوص آلمان) تأمین کنندگان اصلی سایر کشورهای اروپایی هستند. پیامد بارز نکته ذکر شده، این است که اختلال در عرضه در ایالات متحده، آلمان، چین یا ژاپن می‌تواند تأثیر بزرگی بر مصرف کنندگان و بنگاه‌های اقتصادی در همه اقتصادهای بزرگ داشته باشد. این دغدغه در مورد انگلیس، فرانسه، ایتالیا و کره نیز با شدت کمتری صادق است.

جدول ۷- کالاهای از کجا می‌آید؟ منبع ارزش افزوده مستقیم و غیرمستقیم در خریدها

Importance of the row nation's value added in the column nation's final demand		USA	CAN	MEX	DEU	GBR	FRA	ITA	ESP	TUR	NLD	CHE	CHN	JPN	IND	KOR	AUS	IDN	BRA
USA		39%	24%	5%	11%	10%	5%	5%	7%	11%	11%	6%	8%	4%	8%	10%	3%	8%	
CAN		4%	1%																
MEX		5%	5%																1%
DEU		5%	4%	3%		19%	20%	14%	15%	15%	20%	25%	4%	2%	2%	6%	8%	2%	2%
GBR		1%	2%		3%		4%	3%	4%	4%	4%	8%	1%		1%	1%	3%		
FRA		1%	1%		6%	5%		5%	10%	6%	5%	5%	1%		2%		1%	1%	1%
ITA		1%	1%		2%	3%	4%		4%	3%	2%	6%					1%		1%
ESP					2%	5%	7%	4%		4%	3%	3%					1%		
TUR					1%	2%	2%	2%	2%		1%								
NLD						1%	1%					1%							1%
CHE																			
CHN		7%	7%	7%	3%	4%	4%	4%	4%	5%	5%	6%		6%	9%	12%	9%	7%	7%
JPN		6%	4%	4%	2%	3%	3%	2%	2%	2%	3%	3%	3%		2%	8%	16%	8%	2%
IND				1%						1%		1%							
KOR		3%	3%	2%		3%	1%	3%	1%	3%	1%	1%	2%	1%	3%		7%	2%	2%
AUS															1%				
IDN															1%				
BRA				1%															

Note: USA = US, CAN = Canada, MEX = Mexico, DEU = Germany, GBR = UK, FRA = France, ITA = Italy, ESP = Spain, TUR = Turkey, NLD = Netherlands, CHE = Switzerland, CHN = China, JPN = Japan, IND = India, KOR = Korea, AUS = Australia, IDN = Indonesia, BRA = Brazil.

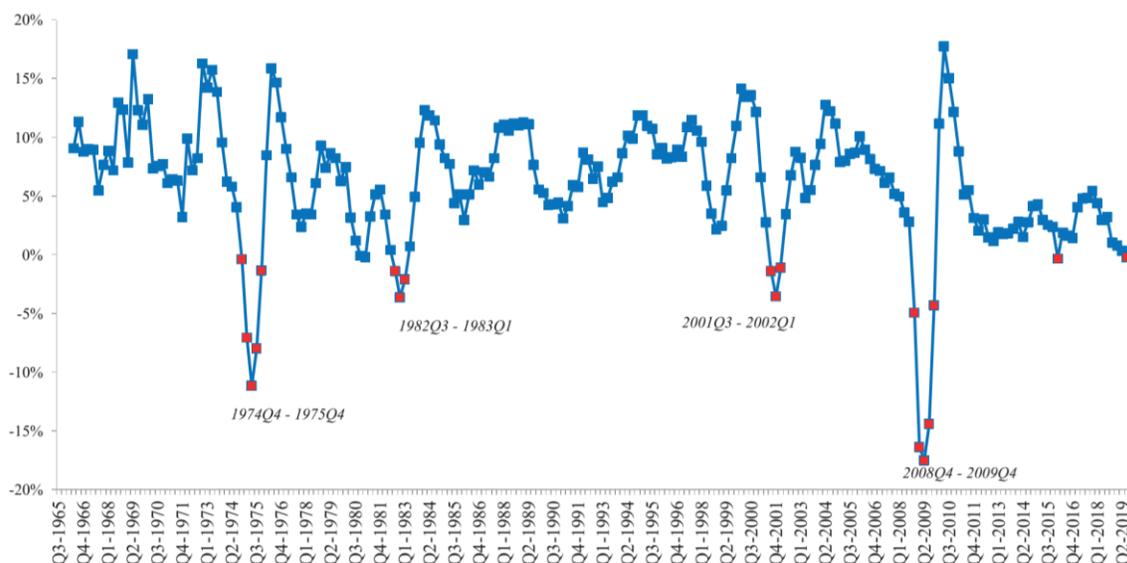
تجارت در خدمات

برخی از بخش‌های خدماتی مانند مسافرت هوایی، اجاره هتل و گردشگری، بخاطر تاثیر جدی کووید-۱۹ بر هر دو جنبه عرضه و تقاضای آنها، تحت تأثیر منفی آن قرار گرفته‌اند. خدمات دیگری نظیر خدمات مالی و خدمات پزشکی چندان دچار اختلال نشده‌اند. به طور کلی به نظر می‌رسد که این شوک تعامل بین فردی از راه دور را تشویق می‌کند. از آنجا که این نوع تعامل (از راه دور)، بخش مهم بسیاری از فعالیت‌های خدماتی است، ممکن است کووید-۱۹، به افزایش تجارت خدمات منجر شود.

چقدر این بحران می‌تواند بد باشد؟ درس‌هایی از شوک‌های تجاری قبلی

بحران جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹، به عنوان عامل فروپاشی بزرگ تجاری شناخته می‌شود. این اتفاق بین سه ماهه سوم سال ۲۰۰۸ و سه ماهه دوم سال ۲۰۰۹ رخ داده است. این بحران، شدیدترین سقوط تجارت جهانی ثبت شده در تاریخ و عمیق‌ترین سقوط از زمان رکود بزرگ بوده و هنوز هم هست. در این بحران؛ افت، ناگهانی، شدید و همزمان بود.

تجارت جهانی از زمان جنگ جهانی دوم چند بار سقوط را تجربه کرده است، اما شدت این سقوط در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹، بزرگترین بود. همانطور که شکل زیر نشان می‌دهد، تجارت جهانی طی سه دوره رکود جهانی که از سال ۱۹۶۵ رخ داده است به میزان قابل توجهی سقوط کرده است - رکود ناشی از شوک نفت در سال ۱۹۷۴-۷۵، رکود تورمی در سالهای ۱۹۸۳-۱۹۸۲ و رکود اقتصادی ۲۰۰۱-۲۰۰۲، با توجه به آنچه در طی هفته‌های اخیر مشاهده شده، بحران کرونا احتمالاً می‌تواند به بحران اقتصادی دیگری در سطح جهانی منجر شود.



Source: Authors' elaboration on WTO online data; www.WTO.org.

شکل ۶- حجم واردات دنیا و رکودهای تورمی مهم

در این شرایط، خطر رخداد یک آسیب دائمی در سیستم تجاری بعثت تغییر سیاست‌ها و واکنش موسسات مختلف به این واقعه وجود دارد. ترکیبی از جنگ تجاری مداوم ایالات متحده علیه همه شرکای تجاری این کشور (بویژه چین) و اختلالات زنجیره تأمین که ناشی از کووید ۱۹ است، می‌تواند منجر به فشار برای تغییر در زنجیره‌های تأمین فعلی در دنیا شود.

از آنجا که زنجیره‌های عرضه برای بهبود بهره‌وری، بین‌المللی شده‌اند، از این حالت خارج کردن آنها ممکن است موجب شود آنها برعکس عمل کنند که البته این اقدام چندان توصیه نمی‌شود.

به‌طور کلی، اینکه به سایر کشورها نقش تأمین‌کننده بدهیم، چندان نمی‌تواند خطر به مخاطره افتادن تأمین را کاهش دهد و حتی موجب افزایش آن هم می‌شود. به عنوان مثال اعطای این نقش به ژاپن، نه تنها باعث می‌شود، هزینه‌ها افزایش یابد بلکه تولید را نیز در معرض این خطر قرار می‌دهد که با زلزله بعدی که بزرگتر از سال ۲۰۱۱ باشد، مواجه شوند.

ما نباید به اشتباه، همه‌گیری را به عنوان توجیهی برای ضد جهانی شدن تفسیر کنیم. هرچند که ممکن است هزینه‌های اضافی ایجاد شود منتهی تأمین منابع دوگانه بین کشورها، می‌تواند مشکل وابستگی بیش‌ازحد به چین را کاهش دهد. چند ملیتی ژاپنی از مدتی قبل به همین منظور آغاز شده است و هدفش تنوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطقی به غیر از چین است. این چندملیتی بخاطر پیش‌بینی وقوع کووید-۱۹ ایجاد نشده بلکه بعثت افزایش دستمزدهای چین شکل گرفته است. ما امیدواریم که استفاده جدی‌تر از فناوری اطلاعات و ارتباطات، بنگاه‌ها را قادر سازد تا به طور موثرتری منابع جهانی را هماهنگ کنند.

نکات کلیدی فصل

- همه‌گیری‌های قبلی بعد از جنگ جهانی، عموماً بر کشورهای کم‌اهمیت اقتصادی تأثیر گذاشته بودند، اما همه‌گیری کووید-۱۹ در کشورهای پیشرفته‌ای مثل چین، کره، ایتالیا، ژاپن، آمریکا و آلمان، افراد زیادی به این بیماری مبتلا شده‌اند و این باعث تأثیرگذاری جدی آن بر اقتصاد خواهد شد.
- در این شرایط، خطر رخداد یک آسیب دائمی در سیستم تجاری بعثت تغییر سیاست‌ها و واکنش موسسات مختلف به این واقعه وجود دارد.
- از آنجا که زنجیره‌های عرضه برای بهبود بهره‌وری، بین‌المللی شده‌اند، از این حالت خارج کردن آنها ممکن است موجب شود آنها برعکس عمل کنند که البته این اقدام چندان توصیه نمی‌شود.
- ما نباید به اشتباه، همه‌گیری را به عنوان توجیهی برای ضد جهانی شدن تفسیر کنیم. هرچند که ممکن است هزینه‌های اضافی ایجاد شود منتهی تأمین منابع دوگانه بین کشورها، می‌تواند مشکل وابستگی بیش‌ازحد به چین را کاهش دهد.
- در اثر کووید-۱۹، بخش خدمات در تمام کشورهای آسیب‌دیده به سختی ضربه خواهد خورد - زیرا رستوران‌ها و سینماها خالی از مشتری هستند - اما نگرانی جدی‌تر در جایی دیگر است و بخش تولید بیشترین ضربه را خواهد خورد.

فصل ۶ - تامین مالی در زمان کرونا و ویروس

از انجایی که اقتصاددانان سابقه خوبی در پیش‌بینی‌ها ندارند بنابراین اثر کووید-۱۹ را در سیستم مالی جهانی یا اقتصاد جهانی پیش‌بینی نمی‌کنیم. بلکه ایده‌هایی را بیان می‌شود که می‌تواند برای چگونگی تفسیر اتفاق‌هایی که ممکن است در آینده رخ دهند، کمک کننده باشد. اثر ویروس بر سیستم مالی به موارد زیر بستگی دارد:

(۱) میزان شیوع ویروس در جهان و تأثیر آن بر فعالیت‌های اقتصادی

(۲) واکنش‌های سیاست پولی و مالی به شوک

(۳) واکنش‌های نظارتی به احتمال شکنندگی بانک‌ها

سناریوهای اقتصادی فعلی از پیش‌بینی رشد کم و رکود اقتصادی در چندین کشور که تحت تأثیر این بیماری قرار گرفته‌اند تا امکان ایجاد رکود اقتصادی در سطح جهانی مانند آنچه در سال ۲۰۰۸ رخ داد، متغیر می‌باشند. در شرایط فعلی، فضای سیاست پولی کمی نسبت به زمان رکود بزرگ وجود دارد. نظارت بانکی و چارچوب تصمیم، یقیناً نسبت به ۱۲ سال قبل گزینه‌های سیاسی بیشتری را پیشنهاد می‌کند. اما این سوال مطرح است که آیا آنها واقعا برای بحران‌های سیستمی مناسب می‌باشند؟ سوالات سیاستی عمومی فوری و ضروری زیادی در رابطه با شیوع ویروس و خسارت‌های اجتماعی و اقتصادی مرتبط به آن وجود دارد.

یک فاکتور مهم برای بررسی موضوع این است که آیا اختلالات مربوط به ویروس موقتی خواهد بود یا پایدار؟ این مسئله مهم است که خسارت اقتصادی رخ داده توسط شوک ویروس (داشتن شیب ۷ شکل و بهبود یا رکود و U شکل) باعث پیامدهایی برای سیستم مالی خواهد داشت. در صورت بروز اختلال موقت در زنجیره‌های تأمین یا شوک خفیف طرف تقاضا که منجر به تأخیر در مصرف می‌شود، بانک‌ها می‌توانند حامی‌بنگاه‌های در حال فعالیت باشند، خصوصا بسیاری از سیستم‌های بانکی اروپا که با بانک‌ها و بنگاه‌ها در ارتباط هستند. تحقیقات اخیر نشان داده است که وام دهندگان می‌توانند در زمان رکود و بحران‌های اقتصادی، به بنگاه‌ها کمک کنند (بولتون و همکاران ۲۰۱۶، بک و همکاران ۲۰۲۰). از سوی دیگر، کند شدن طولانی مدت یا رکود، پرداخت‌ها و وام‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. وام‌های معوق (منجمد شدن سیستم مالی) به جای تصحیح جدید بازارهای اوراق بهادار در سراسر جهان می‌توانند به طور مستقیم باعث شکنندگی بانکها شوند. به هر حال وام‌های معوق خودشان را فوراً نشان نمی‌دهند (در یک سناریوی ناسازگار منفی) و احتمالا از نیمه دوم سال ۲۰۲۰ خودشان را نشان می‌دهند.

برای ارزیابی تأثیر سناریوی ناسازگار یا منفی، آزمون استرس توسط ناظران در سراسر جهان انجام می‌شود. از جمله تستی که توسط مکانیسم نظارت واحد^{۴۶} و متخصصین بانکی اروپایی^{۴۷} برای بزرگترین بانک‌های منطقه اروپا و یورو انجام می‌شود. آزمون استرس سال ۲۰۱۸ بر اساس افت جمعی ۳٫۸٪ در طی سه سال در سناریوی ناسازگار به این نتیجه رسید که حتی پس از چنین شوکی، متوسط نسبت

^{۴۴} Bolton, et al

^{۴۵} Beck, et al

^{۴۶} Single Supervisory Mechanism (SSM)

^{۴۷} European Banking Authority (EBA)

CET1 همچنان ۱۰٪ خواهد بود. بدیهی است، که در میان کشورها و بانکهای بی ثباتی‌هایی وجود دارد که می‌تواند باعث ورشکستگی بانکها شود بویژه در بین بانکهایی که وام‌هایشان در نواحی که بیشتر تحت تاثیر واقع شده، متمرکز باشد.

واکنش با وام ضررده برای بانکها یک عکس‌العمل اشتباهی است. اجازه دهید که کسب و کارها خودشان، جایگزین مالی درست را پیدا کنند و الا اوضاع بدتر می‌شود. در حالیکه که یک بحث آکادمیک وجود دارد که آیا همیشه شفاف سازی بهتر است؟ تجربه ناشی از آزمون استرس اولیه EBA در اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که وانمود کردن به خوب بودن شرایط برای ایجاد اعتماد، مؤثر نیست. در نتیجه بانک‌ها به جای وام‌های با ضرر و زیان باید سرمایه و پول در گردش خود را حفظ کنند. پیامدهای چنین وام‌های با ضرر و زیانی، سریع مشخص نمی‌گردد و مورد انتظار است که در اواخر سال ۲۰۲۰ نمایان شوند.

وام‌های با ضرر ده تنها دلیل ورشکستگی بانکها نیستند. در اکتبر گذشته، بانک مرکزی هنگ کنگ با بانک‌های اصلی خود اقدام به شبیه سازی یک بحران مانند شیوع بیماری کووید-۱۹ و چالش‌های ناشی از آن کرد. با این کار خطرات و ریسک‌های احتمالی در این شرایط شنا سایی شده و بانک‌های مرکزی، تنظیم کننده‌ها و مشارکت کنندگان بازار مالی بهتر آماده می‌شوند و همچنین آسیب به سیستم مالی و اقتصادی محدودتر خواهد شد.

چالش دیگر (گرچه با دو چالش قبل مرتبط است) از دست رفتن اعتماد به بانک‌ها، خواه توسط سپرده گذاران یا توسط بازار باشد. ضرر بازارهای مالی به راحتی می‌تواند به اختلال در سیستم تبدیل شود و نتیجه این اختلال زودتر از تاثیر وام‌های معوق (ناموفق) در ترازنامه‌های بانک‌ها ظاهر می‌شود. مداخله سریع بانک‌های مرکزی به عنوان وام دهنده و تنظیم کننده بازار، آخرین فرصت در چنین شرایط حساسی محسوب می‌شود.

واکنش سیاسی، مقامات سیاست پولی و مالی چه خواهد بود؟ در اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا بر خلاف بانک مرکزی فدرال آمریکا و بانک انگلیس منابع خود را مصرف کرده است. در حالی که ممکن است هنوز گزینه ای برای تاثیر بر منحنی بازده باشد اما چنین اقداماتی بر تقاضای کل تاثیر نمی‌گذارد. کاهش نرخ بهره منفی در حال حاضر ممکن است با اعمال فشار بیشتر بر ترازنامه‌های بانکی، اثرات تقاضای کل را متعادل کند.

از طرف دیگر، سیاست مالی به ویژه در بعضی از کشورهای میانه رو مانند آلمان، متفاوت است. ایتالیا به تازگی خبر کاهش موقت مالیات و صرف هزینه بیشتر برای مراقبت‌های بهداشتی (با تأثیر منفی آشکار بر وضعیت مالی خود) را اعلام کرده است. این معقول ترین رویکرد در حال حاضر است، اگرچه ممکن است در طولانی مدت با افزایش بدهی، منجر به بروز مشکلات بیشتر در این کشور شود. دولت ایتالیا از کمیسیون اروپا درخواست کرده است که با توجه به کسری ناشی از کووید-۱۹، ضوابط را برای اعمال سیاست مالی این کشور راحت تر کند. در این بحران، افزایش اوراق قرضه دولت ایتالیا و افزایش زیان ناشی از وام می‌تواند بانک‌های ایتالیا را تحت فشار قرار دهد. آن‌ها ممکن است به شروع مجدد برنامه مداخلات پولی^{۴۸} و تلاش هماهنگ در سطح اتحادیه اروپا نیاز داشته باشند.

^{۴۸} Outright Monetary Transactions (OMT)

کووید-۱۹ نمونه بارز یک شوکی است که کشورها به طور جداگانه از عهده آن بر نمی آیند. در نتیجه اقدامات هماهنگ در سطح اروپا در برخورد با این چالش ضروری است. فراتر از پرداختن به چالش‌های سیستم سلامت، در سناریوهای ناسازگار، همکاری سیاست‌های اقتصادی و مالی برای مناطق اروپا و یورو بسیار مهم می‌باشد.

به طور خلاصه، در منفی‌ترین سناریو، کووید-۱۹ می‌تواند عواقب بسیاری برای سیستم مالی به همراه داشته باشد. بدیهی است که توجه فوری بر جنبه‌های بهداشت عمومی و جلوگیری از همه‌گیر شدن ویروس در صورت امکان، ضروری است. اثرات جانبی در سیستم مالی به احتمال زیاد فوری رخ نخواهد داد، بنابراین می‌توان پاسخ‌های مناسبی را در صورت وقوع آماده کرد. از طرف دیگر، اثر آشفته‌گی و هراس در بازارها ممکن است خیلی سریع رخ دهد. تجارب دهه گذشته برای مقامات نظارتی و سیاست پولی مفید خواهد بود. پیشنهادات زیر برای مقامات نظارتی:

- (۱) تمرکز روی اختلالات احتمالی در سیستم مالی
- (۲) تقویت اعتماد در بازارهای مالی با نشان دادن آمادگی کامل برای مداخله
- (۳) آمادگی برای مداخلات احتمالی در حل و فصل مشکلات بانک‌های بدون چشم‌پوشی از بروز وقایع خطرناک

نکات کلیدی

- خسارت اقتصادی رخ داده توسط شوک ویروس موجب پیامدهایی برای سیستم مالی خواهد داشت.
- میزان شیوع ویروس در جهان، چگونگی واکنش‌های سیاست‌های پولی و مالی و واکنش‌های نظارتی بر بانکها جهت جلوگیری از ورشکستگی، از جمله عواملی هستند که بر میزان اثر ویروس بر سیستم‌های مالی تاثیر دارند.
- عواملی مانند وام‌های ضررده بانکی، از دست رفتن اعتماد به بانکها می‌توانند موجبات ورشکستگی بانکها را به دنبال داشته باشند.
- عدم اعتماد به موسسات مالی موجب ایجاد پیامدهای سریع در سیستم‌های بانکی می‌گردد.

فصل ۷- همه گیری: وجه تشابه هجوم‌های بانکی و کووید-۱۹

"درسی که سال ۱۹۱۸ برای ما داشت این بود که: دولت‌ها باید درباره بحران حقیقت را بگویند... مسئولین باید اعتماد عمومی را حفظ کنند. راه انجام این کار این است که هیچ چیزی را تحریف نکنند، چیزی را قشنگ تر جلوه ندهند، و سعی در کنترل کسی نداشته باشند." جان ام. باری، آنفلوآنزای بزرگ: داستان حماسی کشنده ترین بیماری تاریخ

در حال حاضر بیش از ۸۵،۰۰۰ نفر حداقل در ۶۰ کشور جهان به کووید-۱۹ مبتلا هستند. سرعت انتقال این بیماری می‌تواند دو برابر آنفلوآنزای معمول و نرخ مرگ و میر آن ۲۰ برابر باشد؛ هرچند درباره سرعت انتقال، تعداد دفعات بروز علائم و عواقب بیماری، نمی‌توان با اطمینان سخن گفت. از آنجایی که این ویروس جدید است، هنوز هیچ واکسن و درمان قطعی نیز برای آن پیدا نشده است.

بنابراین چیز زیادی در مورد این ویروس نمی‌دانیم، جز این که همه نگران هستند. افزایش هر روزه تعداد مبتلایان و تشدید نگرانی‌ها، منجر به کاهش فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. مردم از رفتن به هر مکانی که امکان انتقال ویروس در آنجا باشد، مانند ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی، مدارس و محل کار، اجتناب می‌کنند.

این اجتناب تا زمانی ادامه خواهد داشت که مردم از قابل کنترل بودن بیماری مطمئن شوند و این اطمینان جز با پیدا شدن یک درمان مؤثر یا کم شدن احتمال ابتلا به بیماری یا هر دو، به دست نمی‌آید. جای تعجب نیست که بسیاری از ناظران برای امسال پیش بینی کاهش رشد اقتصادی را داشته و فعالان بازار مالی، انتظار سیاست‌های پولی آسان تری را برای خنثی کردن این شوک اقتصادی دارند.

چالش جلب دوباره اطمینان عموم مبنی بر بی خطر بودن اوضاع، شباهت چشمگیری با همان چالشی دارد که مسئولین برای مهار هجوم‌های بانکی با آن روبرو هستند. به عبارت دیگر، شناسایی و قرنطینه افراد مبتلا به کووید-۱۹، مشابه شناسایی و ایزوله کردن بانکی است که در مرز ورشکستگی قرار دارد.

بانک‌ها مانند جعبه‌های سیاه هستند: ناظران بیرونی از ارزش دارایی‌های خود به ویژه پس از شوکی مانند سقوط بسیار زیاد قیمت دارایی‌ها، آگاهی چندانی ندارند. در نتیجه، شنیدن اخبار بد برای سپرده‌گذاران این سوال را ایجاد می‌کند که آیا بانک توانایی پس دادن سپرده آن‌ها را دارد یا خیر؟

علاوه بر این، بانک‌ها در برابر برداشت قابل توجه سپرده‌ها، آسیب پذیر هستند. پس گرفتن متوالی سپرده‌ها بر حسب ارزش صوری^{۱۵} امتیاز پیش‌تاز بودن ایجاد می‌کند، یعنی نفراتی که ابتدا به بانک مراجعه کنند، پول خود را به طور کامل پس می‌گیرند و چیزی عاید افراد صبور (یا صرفاً کند) نمی‌شود و همین موضوع منجر به هجوم به بانک‌ها می‌شود.

هجوم به بانک‌ها، مانند بیماری‌های ویروسی، مسری است. اخبار مربوط به هجوم به یک بانک خاص، می‌تواند این واقعیت را فریاد بزند که شاید بانک‌های "ناکارآمد" دیگری نیز وجود داشته باشند و این باعث وحشت بیشتر شود. به بیان دیگر، وقتی افراد در مورد موضوعی

^{۱۵}: easier monetary policy

^{۱۶}: bank run

^{۱۷}: face value

^{۱۸}: first-mover advantage

اطلاعات کافی نداشته باشند، شوک‌های وارده می‌توانند باعث رفتارهایی شوند که به افزایش نگرانی عمومی بینجامد. حتی اگر همه باور داشته باشند که اکثر بانک‌ها قادر به بازپرداخت سپرده‌ها هستند، عدم اطمینان در مورد یک یا دو بانک می‌تواند انگیزه کافی برای هجوم به بانک‌ها باشد.

این شباهت‌ها نشان می‌دهد که ابزاری که برای کنترل هجوم‌های بانکی استفاده می‌شود، ممکن است برای مدیریت پیامدهای اقتصادی یک بیماری همه‌گیر مانند کووید-۱۹ نیز مفید باشد.

بانک مرکزی با اعطای وام در مقابل وثیقه‌های محکم به بانک‌هایی که بتوانند دیون خود را پرداخت کنند، می‌تواند به راحتی هجوم بانکی ناشی از نقدینگی را کنترل کند. اما اگر توانایی پرداخت بدهی بانک‌ها مورد تردید باشد، مشکل به سمتی می‌رود که مسئولان باید سلامت بانک‌ها را ثابت کنند. سوال اینجاست در بحبوحه کساد بازار و حراج مال التجاره‌ها، چگونه می‌توان این کار را انجام داد؟

تجربه نشان می‌دهد که مؤثرترین مکانیسم برای ایجاد وقفه در گسترش آشفستگی‌های مالی^{۵۲}، که از نگرانی‌های مربوط به بازپرداخت بدهی‌ها ناشی می‌شوند، مکانیسم افشا در شرایط فوق‌العاده^{۵۳} است. آزمون‌های استرس، قدرتمندترین این ابزارها هستند و هدف از انجام آن‌ها آشکار ساختن وضعیت واقعی بانک‌هاست. در اواخر سال ۲۰۰۸، تردید در مورد کفایت سرمایه بزرگترین واسطه‌های آمریکایی، باعث شد تا سرمایه‌گذاران، طلبکاران و مشتریان احتمالی برای انجام کار با آن‌ها احتیاط کنند که این کار منجر به سقوط سرمایه‌های بی‌وثیقه می‌شد. انتشار نتایج آزمون استرس ۱۹ بانک بزرگ آمریکایی در می‌سال ۲۰۰۹، بخش مهمی از استراتژی مقابله با این دغدغه بود (هیئت مدیره سیستم فدرال رزرو، ۲۰۰۹).

انجام آزمون‌های استرس در آمریکا سبب اعتماد مجدد شد، زیرا آن‌ها در کار خود جدی بودند: بانکی که این آزمون را گذرانده بود، می‌توانست علیرغم بحران عمیق اقتصادی، به وام‌گیرندگان سالم^{۵۴} بدهد. اما مردم نیز باید اعتقاد پیدا می‌کردند که این افشاگری‌ها صادقانه است. این سؤال مطرح بود که آیا سیاستگذاران انگیزه ای ندارند که همه بانک‌ها را سالم اعلام کنند، حتی اگر برخی هم سالم نبودند؟

دلیل اعتبار مسئولین آمریکا در بحبوحه بحران مالی، این بود که حتی پس از تزریق سرمایه‌های بزرگ در یک بنگاه در حال ورشکستگی در اواخر سال ۲۰۰۸، هنوز هم منابعی در اختیار داشتند تا به آن بنگاه کمک کنند. در نتیجه، سرمایه‌گذاران این خبر را پذیرفتند که بانک‌هایی که آزمون استرس را انجام داده‌اند، فقط نیاز به اضافه کردن ۷۵ میلیارد دلار به بودجه سهام خود داشتند. این خبر به کسب و کارهای خصوصی که به تازگی دلگرم شده بودند، این امکان را می‌داد که برای اولین بار پس از ورشکستگی بانک برادران لیمن^{۵۵} مجدداً سرمایه‌گذاری کنند.

^{۵۲}: Financial contagion

^{۵۳}: extraordinary disclosure mechanism

^{۵۴}: healthy borrowers

^{۵۵}: equity funding

^{۵۶}: Lehman Brothers

برای ممانعت از سقوط اقتصادی ناشی از شیوع یک بیماری، به همان افشای تمام و کمال و باورپذیر نیاز داریم. حتی اگر مردم باور کنند که تقریباً همه سالم هستند، باز هم دلیلی برای اجتناب از مکان‌هایی که احتمال مواجهه با شخص بیمار در آنجا باشد، پیدا می‌کنند. مردم با شنیدن اخبار روزانه مبنی بر انتقال بیماری در ده‌ها کشور، به این نتیجه می‌رسند که در هر مکانی می‌توان به بیماری مبتلا شد. همانطور که در هنگام بحران، اثبات سلامت یک بانک دشوار است، در یک بیماری همه‌گیر نیز با دیدن کسی نمی‌توان با اطمینان خاطر گفت آیا ناقل بیماری هست یا خیر. هر سرفه و عطسه ای باعث وحشت می‌شود.

درسی که از آزمون استرس ۲۰۰۹ می‌گیریم این است که برای محدود کردن رفتار بی‌ثبات‌کننده اقتصادی، دانش دقیق و سیاست‌گذاری سلامت عمومی بسیار مهم هستند. دولت‌ها باید: (۱) با انجام آزمایش‌های معتبر که ثابت کند جمعیت تقریباً عاری از ویروس شده، (۲) قرنطینه مؤثر افراد مبتلا، و (۳) پیشرفت در درمان و کاهش تأثیر ویروس، اعتماد مردم را برای از سرگیری فعالیت‌های روزمره، به آن‌ها بازگردانند.

موفقیت در این امر مستلزم این است که مردم به مسئولین اعتماد کامل داشته باشند. این اعتماد با ارائه اطلاعات دقیق و به روز در مورد شیوع بیماری، شدت آن و روش‌های موجود برای درمان و کنترل به دست می‌آید. همانطور که جان باری استدلال می‌کند (به نقل قول ابتدای فصل مراجعه کنید)، دولت باید حقایق را بگوید و از سیاست بازی، کاملاً پرهیز کند. هرگونه تلاش برای تغییر واقعیت‌ها، از اعتبار خبرها کاسته و بازگشت اعتماد عمومی را به تأخیر می‌اندازد.

نکات کلیدی

- ☑ یکی از چالش‌های مهم در زمان وقوع بحران‌هایی مانند شیوع یک همه‌گیری، نگرانی‌ها و هجوم مردم برای تهیه برخی کالاهای ضروری و بانک‌ها است.
- ☑ مؤثرترین مکانیسم برای ایجاد وقفه در گسترش آشفستگی‌های مالی^{۵۸}، که از نگرانی‌های مربوط به بازپرداخت بدهی‌ها ناشی می‌شوند، مکانیسم افشا در شرایط فوق‌العاده^{۵۹} است. آزمون‌های استرس، قدرتمندترین این ابزارها هستند و هدف از انجام آن‌ها آشکار ساختن وضعیت واقعی بانک‌هاست.
- ☑ برای ممانعت از سقوط اقتصادی ناشی از شیوع یک بیماری، به جلب اعتماد مردم از طریق افشای تمام و کمال و باورپذیر اطلاعات مرتبط با بیماری نیاز داریم. در نهایت یکی از مهم‌ترین عوامل کمک‌کننده در کنترل این قبیل بحران‌ها اعتماد مردم به دولت و سیاست‌گذاران است.
- ☑ برای محدود کردن رفتار بی‌ثبات‌کننده اقتصادی، دانش دقیق و سیاست‌گذاری سلامت عمومی بسیار مهم هستند. دولت‌ها باید: (۱) با انجام آزمایش‌های معتبر که ثابت کند جمعیت تقریباً عاری از ویروس شده، (۲) قرنطینه مؤثر افراد مبتلا، و (۳) پیشرفت در درمان و کاهش تأثیر ویروس، اعتماد مردم را برای از سرگیری فعالیت‌های روزمره، به آن‌ها بازگردانند.

^{۵۸} Financial contagion

^{۵۹} Extraordinary disclosure mechanism

فصل ۸- نگاه واقعی و مالی برای ارزیابی پیامدهای اقتصادی کووید-۱۹

پیش بینی بازار، نشان‌دهنده تأثیر ویروس کرونای جدید بر روی کشورها و اقتصاد جهانی است. با این حال ارزیابی اقتصادی کشورها بستگی به نحوه واکنش مقامات، مشاغل، مصرف کنندگان و سیاست گذاران دارد.

ظاهراً کووید-۱۹، چشم انداز مطلوب رشد جهانی را از بین خواهد برد.

در پایان سال ۲۰۱۹، شاخص‌های اقتصادی در دنیا در حال افزایش بودند، اما با شروع شیوع کروناویروس جدید، میزان تلفات انسانی در حال حاضر چشمگیر است و اختلال در امور روزمره شخصی و تجاری با قرنطینه، تعطیلی کار و محدودیت‌های تحرک، ابتدا در چین و سپس در سراسر جهان گسترش می‌یابد. ویژگی‌های اپیدمیولوژیک ویروس، اینکه چه مدت و چه میزان شیوع پیدا می‌کند و چه تأثیری بر اقتصاد جهانی دارد و چگونگی واکنش بازارهای مالی به اخبار، شایعات و داده‌ها مشخص نیست و مدل سازی بر اساس پاسخ مقامات، مشاغل، مصرف کنندگان و بازارها و با توجه به شرایط ایجاد شده، سخت و پیچیده است.

اثر واقعی ویروس کرونا بر اقتصاد، نیازمند ارزیابی چندین داده زیر است که بسته به شرایط کشورها، این عوامل اثرات متفاوتی بر اقتصاد کشورهای مختلف می‌گذارند.

(۱) زنجیره‌های تأمین

(۲) گردشگری، حمل و نقل و روابط بین بخش‌های خدمات

(۳) تقاضا و قیمت انرژی و کالاها

برآورد می‌شود مسیر تولید، شکل "V" یا "U" را نشان بدهد. کاهش تولید، ناشی از بسته شدن کارخانه‌ها در کوتاه مدت است، اما پس از پایان قرنطینه و بازگشایی کارخانه‌ها، مجدداً تولید آغاز می‌شود. از طرف دیگر خدمات شکل L را تجربه خواهند کرد. پیش بینی شده این شوک به گردشگری و خدمات حمل و نقل آسیب وارد کند و فعالیت‌های داخلی و رشد جهانی کند شوند. میزان لطمه به خدمات داخلی در حین شیوع بیماری، بستگی به پاسخ مقامات، مشاغل و مصرف کنندگان دارد. داده‌های مربوط به تغییر قیمت انرژی و کالاها، بستگی به ساختار تولید، مصرف و تجارت اقتصادی داشته و می‌تواند شوک‌های دیگر را تشدید یا جبران کند. افت قیمت انرژی و کالاها باعث تضعیف سرمایه‌گذاری و کاهش رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای صادرکننده می‌شود، اما به طور بالقوه برای واردکنندگان، تجار و مصرف کنندگان مناسب است.

نکات کلیدی

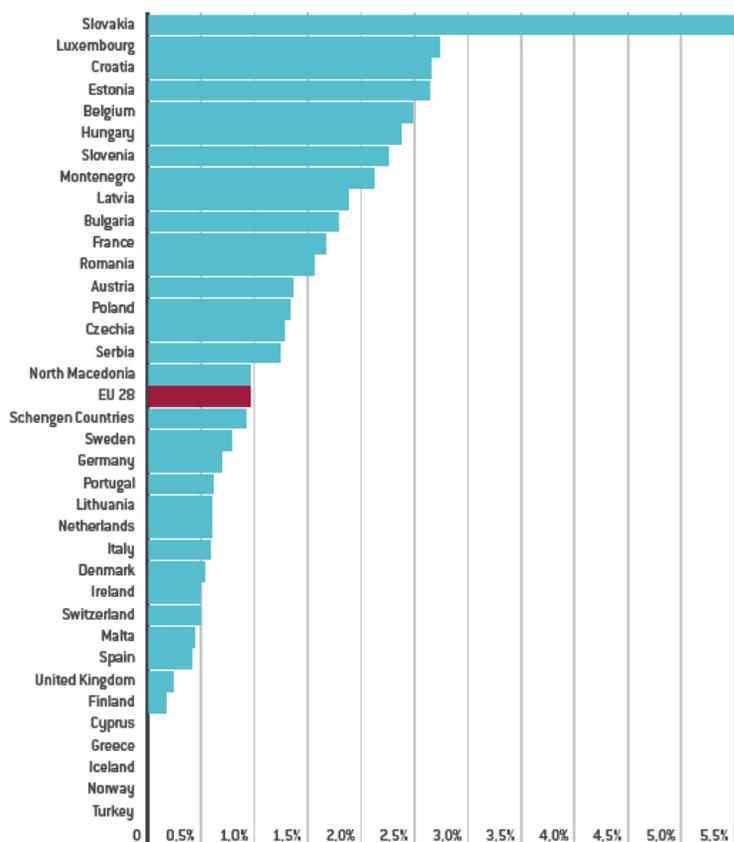
☑ مجموعه عواملی که بر شدت تأثیر همه‌گیری بر اقتصاد جهانی و ملی تأثیر می‌گذارد به شدت شیوع بیماری شامل مدت زمان و گستره شیوع آن، عملکرد مقامات ارشد، شایعات، اعتماد عمومی، نحوه اثرگذاری بر میزان تقاضا و عرضه، زنجیره‌های تأمین و تغییر در میزان تقاضا برای خدمات حین و پس از بحران دارد.

فصل ۹- آیا با گسترش کروناویروس، اتحادیه اروپا می‌تواند مرزهای خود را ببندد؟

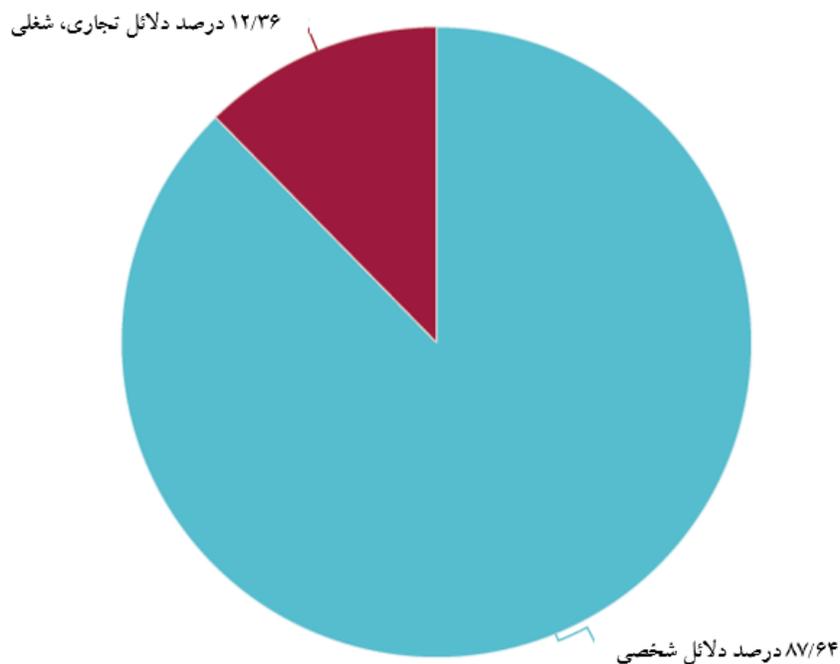
بحران کروناویروس بحث گسترده‌ای را در مورد بسته شدن مرزها در منطقه شنگن به عنوان روشی برای ممانعت از شیوع این بیماری همه‌گیر، به راه انداخته است. اتریش ورود برخی قطارها از ایتالیا به خاک این کشور را متوقف کرده و همزمان با گسترش ویروس، سیاست مرزهای باز را نیز آزمایش خواهد کرد. مقررات شنگن، در صورت وجود تهدید برای سلامت عمومی، محدودیت‌های مسافرتی را مجاز می‌کند. در این فصل به برخی از پیامدهای اقتصادی احتمالی بسته شدن مرزها نگاهی می‌اندازیم.

بسیاری از کارکنان با تکیه بر توافقنامه شنگن و بدون کنترل روادید از مرز عبور می‌کنند. در سال ۲۰۱۸ بیش از ۱,۹ میلیون نفر از ساکنان کشورهای عضو شنگن برای رفتن به محل کار خود از مرز عبور کردند. همانطور که در نمودار ۱ مشاهده می‌کنید، ۰,۹٪ از شهروندان شاغل ساکن در کشورهای عضو شنگن، در آن سوی مرز کار می‌کنند. سهم کارکنان برون مرزی به ویژه در اسلواکی (۵,۵٪)، لوکزامبورگ (۲,۷٪)، کرواسی، استونی و بلژیک زیاد است.

اهمیت توافقنامه شنگن از رفت و آمدهای کاری بین مرزها فراتر می‌رود. در سال ۲۰۱۸، شهروندان ۲۷ کشور اتحادیه اروپا در یک شب، تقریباً ۳۲۰ میلیون سفر بین مرزی به ۲۷ کشور دیگر اتحادیه اروپا داشتند که بیش از ۳۹ میلیون (۱۲٪) این سفرها برای اهداف کاری بودند.



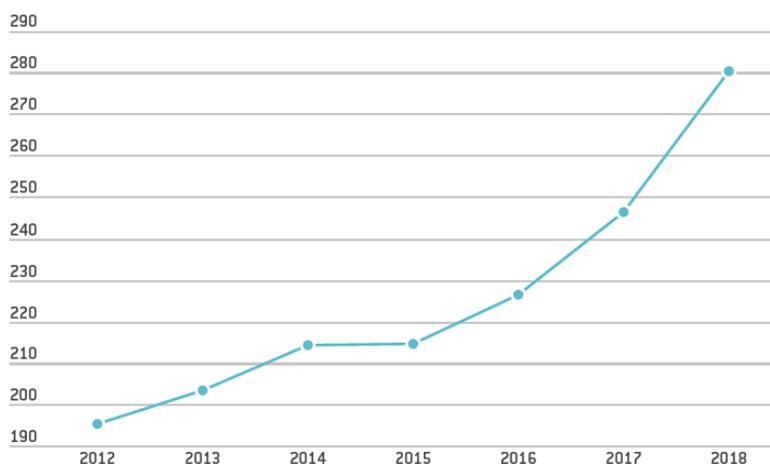
شکل ۷- کارمندان بین مرزی بعنوان جمعیت شاغل مشترک (۲۰۱۸)



شکل ۸- تعداد سفرهای برون مرزی شهروندان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا به دیگر کشورهای عضو در یک شب (۲۰۱۸)

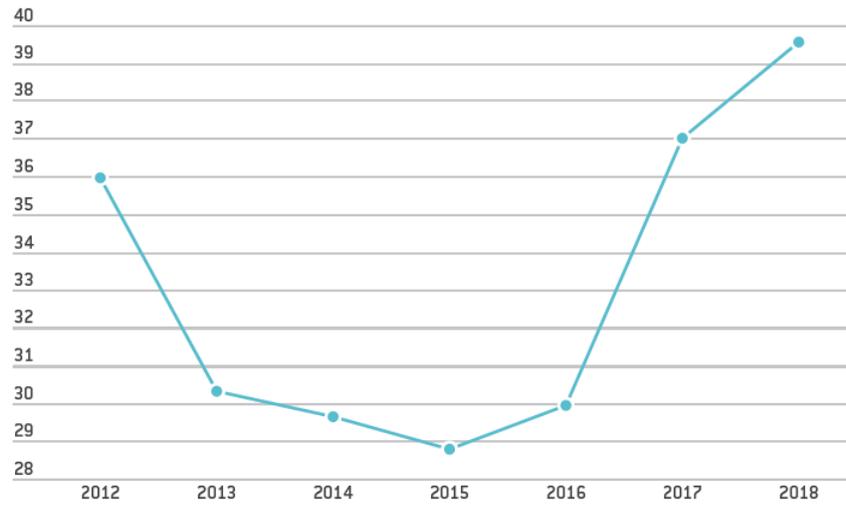
بررسی اثرات کنترل مرزها در سال ۲۰۱۵ و در بحبوحه بحران مهاجرت، نشان داد که احتمالاً اثر مستقیم چندانی بر اقتصاد نخواهد داشت. اما در حال حاضر، ارزیابی‌ها نشان دهنده نتایج متفاوتی هستند: متوقف کردن سفرهای بین مرزی، اختلال عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی ایجاد خواهد کرد. بنابراین جای تعجب ندارد که اتحادیه اروپا فعلاً تصمیمی برای بستن مرزها نداشته باشد.

الف- دلایل شخصی



نمودار ۷- تعداد سفرهای برون مرزی شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا در یک شب در مقیاس میلیون (۲۰۱۲-۲۰۱۸)

ب) دلایل شغلی و تجاری



نکات کلیدی

- یکی از موانع اصلی برای بستن مرزهای شنگن در شرایط همه گیری مانند آنچه اخیراً در مواجهه با کووید-۱۹ اتفاق افتاد، اثر شاخص رفت و آمدهای مرزی بر اقتصاد و اهمیت آن بوده است.

فصل ۱۰- تجارت و مسافرت در زمان اپیدمی

در سال ۱۷۲۰، یک کشتی باری از لبنان که دارای پارچه‌های گران قیمت بود، به بندر ماری رسید. کمیسیون بهداشت، شک و تردیدهایی در خصوص بارگیری این کشتی داشت، زیرا طاعون در شرق مدیترانه گسترش یافته بود. این کشتی هم مانند دیگر کشتی‌های مناطق شرق مدیترانه، در قرنطینه قرار گرفت. به طور معمول، خدمه و محتویات کشتی می‌بایست ۴۰ روز در قرنطینه بمانند تا از عدم ابتلا به بیماری عفونی و مسری سرنشینان و بار کشتی، مطمئن شوند.

اما بزودی نمایشگاه نساجی، در نزدیکی بندر ماری برپا می‌شد. کمیسیون بهداشت تحت فشار تاجران ثروتمند، نظر خود را در خصوص قرنطینه نمودن کشتی، تغییر داد و اعلام کرد کشتی می‌تواند تخلیه شود و این‌گونه، خدمه کشتی وارد شهر شدند. تنها چند روز بعد مشخص شد که تصمیم کمیسیون بهداشت اشتباه بوده است. کشتی، طاعون را با خود به بندر ماری آورده بود. بیماری مانند آتشی در بوته‌های خشک گسترش یافت. مقامات بندر ماری نتوانستند مانع از تلفات گسترده بیماری شوند.

اواخر قرون وسطا، در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۵۱، طاعون بزرگ از طریق بنادر دریای مدیترانه به اروپا آمده بود. در آن زمان، مردم خطر بیماری طاعون را در بندر ماری احساس کرده بودند. برخلاف اوضاع حاکم بر قرون وسطی، درک این بیماری برای مردم و پادشاهان، خیلی دور از ذهن و دشوار نبود. به دستور پادشاه فرانسه و پاپ، یک دیوار جهت جلوگیری از پیشروی طاعون، در پروانس ساخته شد. گردشگران امروز، هنوز هم می‌توانند بخش‌هایی از آن دیوار را ببینند. این دیوار بیش از دو متر ارتفاع داشت و برج‌های نگهبانی آن توسط سربازان اداره می‌شد. این سربازان مانع از عبور افرادی می‌شدند که قصد گذشتن از دیوار را داشتند.

اگرچه برخی از افراد توانستند از دیوار بگذرند، اما شیوع مرگ سیاه (طاعون) در اروپا تا حدود زیادی به بندر ماری محدود شد. در حالی که حدود صد هزار نفر -یک سوم جمعیت- در ماری جان باختند، مابقی مردم اروپا (سال ۱۳۵۰) نجات یافتند. هیچ معجزه درمانی و پزشکی اروپا را نجات نداد، اما مداخله مؤثر دولت، نتیجه بخش بود.

شیوع کرونا و ویروس در ووهان، همانند اوضاع آن زمان بندر ماری در سال ۱۷۲۰ می‌باشد. در آنجا نیز، مقامات محلی در ابتدا واکنش نامناسبی نشان دادند که باعث شیوع این بیماری شد. در ووهان و ماری، به منظور جلوگیری از شیوع این بیماری، محدودیت شدید برای مسافرت و جابه‌جایی، اعمال شد. در هر دو مورد، قرنطینه انبوه تنها تا حدودی با موفقیت رو به رو شد. هنوز مشخص نیست که آیا تعداد زیادی از مردم جهان با وجود گسترش کرونا و ویروس در خارج از چین، از بین خواهند رفت یا خیر؟ آیا این موضوع، یک اپیدمی جهانی خواهد بود و منجر به مرگ میلیون‌ها نفر خواهد شد؟

با این حال، این سؤال اساسی پیش می‌آید که:

در این شرایط و در دنیای جهانی شده، جابه‌جایی و مسافرت، چه مقدار باید باشد؟ به عبارت دیگر، آیا مانند معامله‌گران حریص نساجی بندر ماری در سال ۱۷۲۰، امروز هم افراد جامعه جهانی مقصر شیوع این بیماری شناخته می‌شوند؟

با شروع SARS، سهم چین از تولید اقتصاد جهانی حدود ۴٪ بود. امروزه سهم چین از اقتصاد جهانی ۱۶٪ است و این سهم همچنان در حال رشد است. میلیون‌ها نفر سالانه به چین و از چین به سایر کشورها سفر می‌کنند. وجود بیش از ۷۰ پرواز بین‌المللی از چین، امکان سفر

به گوشه و کنار زمین را به سرعت فراهم می کنند. این جابه جایی ها و سفرها - اگرچه به اندازه چین نیستند - در سایر مناطق جهان نیز (که دائماً در حال تولید عوامل بیماری زای جدیدی مانند ابولا و HIV هستند)، در حال اتفاق افتادن است.

جالب توجه است که طب مدرن، تقریباً در پیش گیری از شیوع بیماری و معالجه بیماران، همانند سال ۱۷۲۰، ناتوان است. هیچ واکسیناسیون و درمان مؤثری هم وجود ندارد. در خود چین، بسیاری از پزشکان بخاطر ابتلا به ویروس کرونا در گذشتند. فقط می توان گفت، همانند شیوع بیماری در بندر ماری و ووهان، همان اقدامات اولیه - قرنطینه - از جان مردم حراست و حفاظت می کند. سؤال اساسی این است که آیا جابه جایی و مسافرت باید بسیار محدود شود و به همان شیوه ای باشد که جوامع مدرن اولیه اروپا با استفاده از آن، خود را از طاعون محافظت می کردند؟

این سؤال را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

اول - آیا اعمال محدودیت بسیار زیاد بر سفر، مطلوب است؟

دوم - آیا اصلاً امکان پذیر است؟

پاسخ منطقی این است که ارزش زندگی انسان ها، باید از نظر اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. با وجود همه شرط ها و محدودیت هایی که می توان از دیدگاه فلسفی در مقابل چنین محاسباتی قرار داد، بدون عدد و رقمی که نشان دهنده ارزش زندگی انسان باشد، نمی توان این محدودیت ها را ارزیابی کرد. میانگین سود و هزینه این محدودیت ها برای هر نفر، حدود ۱۰ میلیون دلار برآورد شده است.

برای درک بهتر موضوع، هزینه ها باید با دستاوردهای عظیم عملکرد اقتصادی که تجارت آزاد کالاها و مردم را امکان پذیر کرده، مقایسه شوند. تنها در چین صدها میلیون نفر در طی ۲۰ سال گذشته از بدترین شرایط فقر، نجات پیدا کرده اند. در سال ۱۹۸۰، بیش از نیمی از جمعیت چین و در سال ۱۹۹۸، کمتر از یک چهارم از جمعیت چین، با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می کردند (مارتین ۲۰۰۶). در سراسر جهان نیز، هر جا که اقتصاد آزاد (جا به جایی کالا و افراد) امکان پذیر باشد، مردم از دام فقر رهایی می یابند.

شاید اپیدمی یک بیماری در سراسر جهان، تاوانی است که انسان به خاطر تمایل به مزایای جهانی شدن می پردازد؛ ولی سوال این است که آیا اپیدمی های آینده بدتر می شوند؟ اپیدمی بعدی می تواند به اندازه ویروس کرونا مسری باشد؟ و در حد سارس (۱۰٪ مرگ و میر)، مرس (۳۰٪) یا ابولا (میزان مرگ و میر ۶۰-۹۰٪) کشته باشد؟ حتی اگر چنین اپیدمی هایی خیلی محتمل نباشند، باید محاسباتی در خصوص هزینه های ناشی از اپیدمی و مزایای جهانی شدن در نظر گرفته شود. شاید به جان خریدن چنین اپیدمی هایی به هر قیمتی ارزش داشته باشد و با منافع هنگفت اقتصادی حاصل از جهانی شدن جبران شود. خوشبختانه، بسیاری از فواید جهانی سازی، بدون خطرهای هولناک تهدیدکننده سلامت، حاصل می شود. لازم نیست مبادله آزاد کالا و سرمایه محدود شود، زیرا بیماری های کمی از طریق کالاهای آلوده منتقل می شوند.

منتها برای جلوگیری از خطرات ناشی از اپیدمی ها، می توان محدودیت های خاصی در نظر گرفت. مثلاً می توان برای کشورهایی که در آنها به عنوان مثال حیوانات وحشی، فروخته و خورده می شوند (مانند چین، تا همین اواخر)، مجوز سفر بدون محدودیت در نظر گرفت؛ ولی هر مسافری که از آنجا بیاید و یا از آنجا برگردد، باید تحت معاینات پزشکی قرار بگیرد و احتمالاً چند هفته را در قرنطینه بگذراند.

این امر نه تنها یک دیوار مجازی جهت مقابله با اپیدمی بزرگ بعدی را ایجاد می‌کند، بلکه به مقامات بهداشتی در سرتاسر جهان نیز فشار می‌آورد تا شیوه‌های خطرناکی را که به سرایت عوامل بیماری‌زا کمک می‌کنند، محدود سازند؛ حتی اگر شرکت‌های هواپیمایی، هتلداران و آژانس‌های مسافرتی در کوتاه مدت از چنین قوانینی ناراضی باشند و شکایت کنند. تجربه ووهان نشان داد که درمورد حد واقعاً مطلوب سفر در شرایط اپیدمی، به بحثی گسترده در داخل و خارج از محافل علمی نیاز است.

نکات کلیدی

☑ مبادلات بین‌المللی به ویژه با کشورهایی مانند چین که سهم آن از تجارت جهانی ۱۶ درصد است، از مزایای جهانی شدن است که برای طرفین معامله سودآور است. برای افزایش آمادگی جهت مقابله با انواع اپیدمی‌های آینده، لازم نیست تا از این سود سرشار چشم‌پوشی کرد. اما وضع قوانین مناسب برای کنترل سفرها و سلامت افرادی که به کشورهای در معرض خطر (مانند چین که حیوانات وحشی خرید و فروش و خورده می‌شود) سفر می‌کنند، برای پیشگیری از تبدیل یک اپیدمی به پاندمی مورد نیاز است.

فصل ۱۱- دوره زمانی طاعون و ابولا

قبل از کووید-۱۹، آخرین اپیدمی که توجه جهانیان را به خود جلب کرد، اپیدمی بیماری ابولا در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ بود. ابولا بیماری بسیار عفونی بود که میزان مرگ و میر زیادی داشت و هیچ درمان شناخته شده‌ای هم برای آن وجود نداشت و خطرات جدی کارکنان بهداشتی و افراد مبتلا به آن را تهدید می‌کرد.

ابولا و طاعون، دوره‌های کمون نسبتاً مشابهی دارند و هر دو منجر به مرگی دردناک می‌شوند. در واقع، برای مدتی در دهه ۲۰۰۰، برخی از کارشناسان معتقد بودند که ابولا نوعی طاعون است و از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود. در حالی که این نوع انتقال فقط در مورد یک نوع نادر و بسیار کشنده طاعون، یعنی طاعون ذات الریه وجود داشت، اما یافته‌های اخیر نشان دادند انتقال طاعون، توسط شپش‌های بدن می‌باشد. خوشبختانه داروهای درمان کننده هر دو بیماری کشف شدند (واکسن VSV-EBOV).

به علت شباهت بسیار زیاد طاعون و ابولا و همچنین گسترش اپیدمی کووید-۱۹، در این فصل، مرگ و میر ناشی از این دو بیماری، نقش اقدامات عمومی در مهار آن‌ها و تأثیرات اقتصادی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مرگ بر اثر طاعون و ابولا

در ابتدا شیوع بیماری ابولا در غرب آفریقا، در مورد پیامدهای مرگ و میر ناشی از این اپیدمی، پیش‌بینی‌های هشدار دهنده ای صورت گرفت و همچنین با شبیه‌سازی‌های اقتصادی پیش‌بینی شد که اگر این بیماری گسترش یابد، یک میلیون نفر و یا بیشتر، در شش ماه آینده خواهند مرد. سازمان جهانی بهداشت، اواسط اکتبر سال ۲۰۱۴ پیش‌بینی کرد که به طور میانگین در هر هفته ۱۰,۰۰۰ مورد جدید، جان خود را از دست می‌دهند. داده‌های خلاصه، در جدول ۱ و شکل ۱a و 1b ارائه شده است.

با وجود داده‌های دموگرافی بسیار فراوان مربوط به بیماری ابولا، مورخان مرگ سیاه (طاعون)، اطلاعات بسیار کمی در مورد این بیماری و مرگ و میر ناشی از آن دارند.

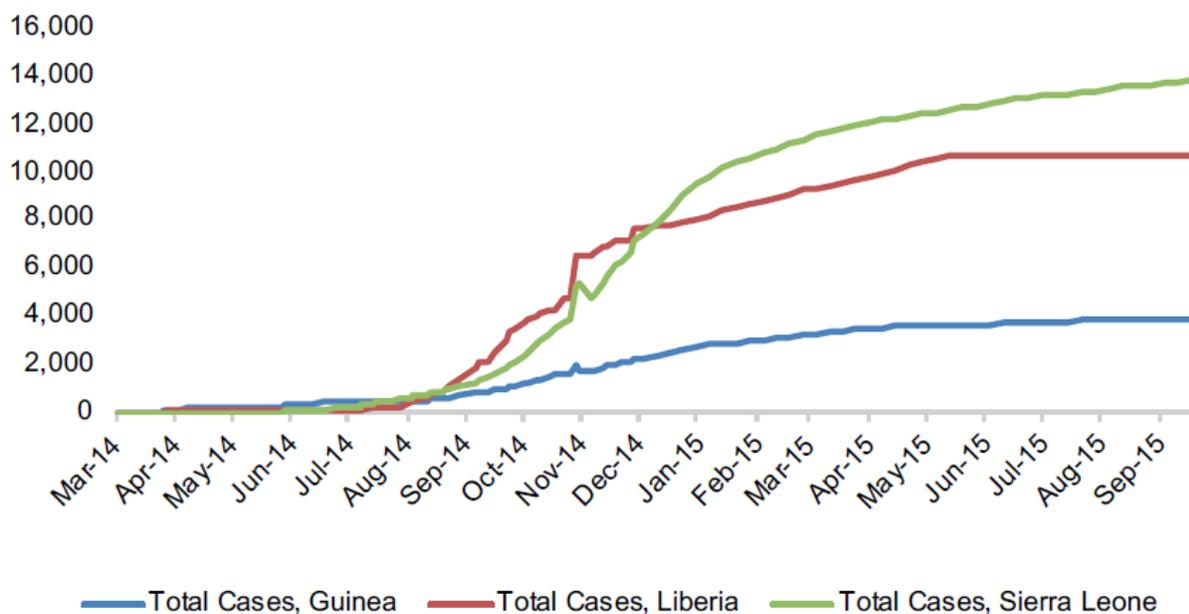
سازمان جهانی بهداشت بیان می‌کند نیمی از کسانی که به طاعون مبتلا شده بودند، بدون نیاز به هرگونه معالجه پزشکی بهبود یافتند. در سال ۲۰۱۴، در ماداگاسکار ۱۱۹ فرد به طاعون کبدی مبتلا شدند که ۴۰ نفر از آن‌ها جان خود را از دست دادند. میزان مرگ و میر ناشی از ابولا در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ بسیار کمتر از طاعون بود.

	All			Health workers		
	Cases	Deaths	%	Cases	Deaths	%
Guinea	3,800	2,534	66.7	196	100	51.0
Liberia	10,672	4,808	45.0	378	192	50.8
Sierra Leone	13,982	3,955	28.3	307	221	72.0
Total	28,454	11,297	39.7	881	513	58.2

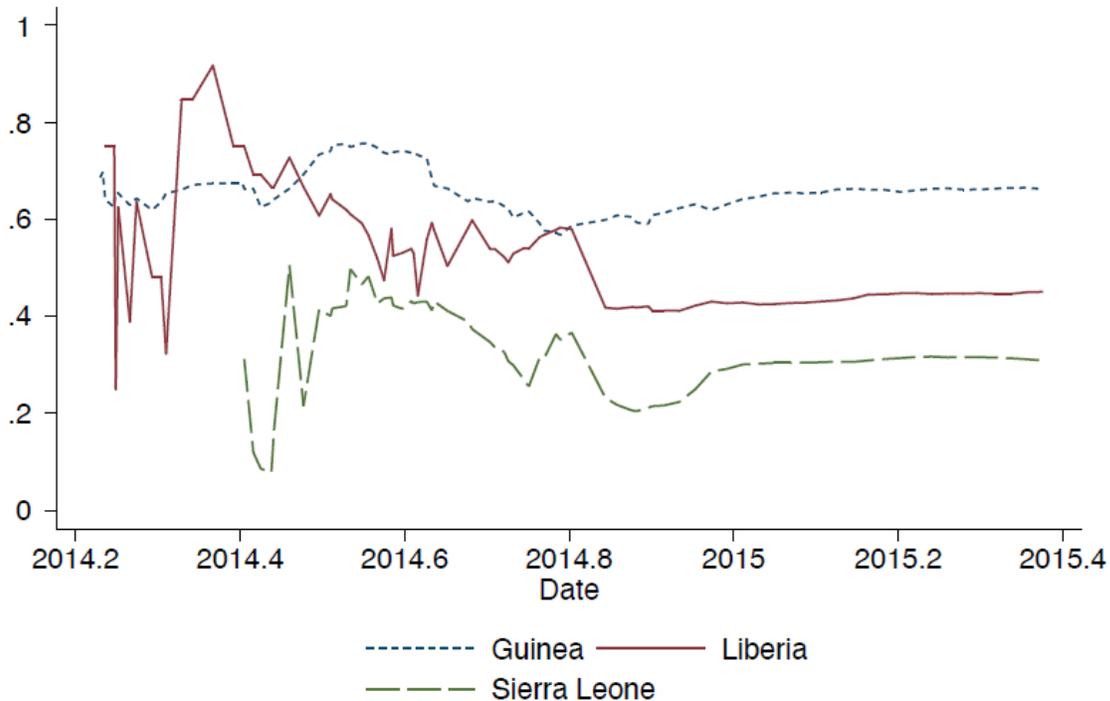
Source: <http://apps.who.int/ebola/current-situation/ebola-situation-report-14-october-2015>

جدول ۱، نرخ مرگ و میر بسیار زیاد - تقریباً ۵٪ - در میان کارکنان بهداشتی و درمانی (به نسبت کل مرگ و میرها) در هنگام شیوع ابولا را نشان می‌دهد. شاید رویه‌های دست و پا گیر در "پوشیدن و درآوردن" لباس‌های محافظتی بسیار نامناسب، که توسط کارکنان بهداشتی پوشیده می‌شد، باعث کوتاهی عمر برخی از آنها گردید.

عجیب‌ترین و غیر محتمل‌ترین قربانی، یک استاد زیست شناس به نام مالکوم کازادبان بود که در سال ۲۰۰۹ در اثر شیوع بیماری طاعون در شیکاگو درگذشت. این فرد در معرض یک ویروس، در آزمایشگاه خود قرار گرفت. اما محتمل‌ترین قربانیان طاعون، همیشه فقرا بوده‌اند. همچنین افراد مرفه دیگری، مانند والدین و خواهران و برادران بازرگان فلورانس، فرانچسکو داتینی و دو اسقف اعظم کانتربری، در پی شیوع سریع طاعون درگذشتند که مرگ این افراد در بین همتایان و همسالانشان، بسیار عجیب و استثنایی بود.



نمودار ۸-۱ موارد تجمعی در گینه، لیبیریا و سیرالئون



نمودار ۹-میزان مرگ و میر در گینه، لیبیریا و سیرالئون

اقدامات عمومی

چرا طاعون در اروپای غربی طی قرن شانزدهم و هفدهم فروکش کرد؟ و چرا قبل از این زمان، فروکش نکرد؟ محتمل ترین دلیل، اقدامات گسترده عمومی در قالب قرنطینه سازی، از بین بردن زباله ها و برخورد جدی در مواجهه با تخلفات بود. چنین اقداماتی، احتمال انتقال بیماری از کک (و شپش) به انسان را کاهش داد. اثربخشی اقدامات مرتبط با بهداشت عمومی، بستگی به آمادگی و همکاری جامعه و به طور کلی چگونگی برخورد حاکمیت با رفتارهای ضد اجتماعی (عدم همکاری مردم) دارد.

اقدامات عمومی می تواند منجر به پیروزی شود. سیاست جداسازی افراد مشکوک به طاعون، می تواند کارایی زیادی داشته باشد؛ در این خصوص سیاست انگلیس در تعطیل کردن سازمان ها و در خانه ماندن افراد سالم، نتیجه مثبتی داشت.

اقدامات شهرداری ایتالیا مانند قرنطینه و ممنوعیت راهپیمایی، باعث کاهش شیوع طاعون در بخش هایی از کشور، در قرن هفدهم شد. در آستانه بحران ابولا، به ازای هر ۱۰۰۰ نفر سکنه، در سیرالئون ۰,۰۲۲ در لیبیریا ۰,۰۱۴ در گینه ۰,۱۱۵ پزشک وجود داشت. اگرچه این پزشکان نمی دانستند که چگونه طاعون یا ابولا را درمان کنند، اما این اعداد، نمایانگر زیرساخت های ضعیف پزشکی بودند. هر سه کشور مبتلا به بحران ابولا، بسیار فقیرتر از ایتالیا و انگلیس قرن هفدهم بودند.

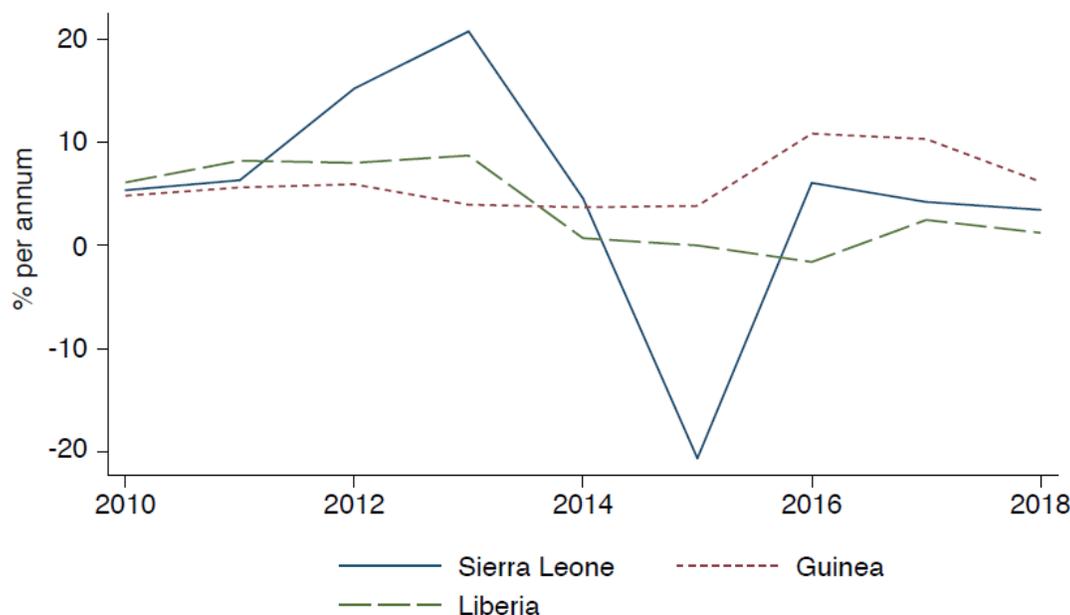
این بیماری قبلاً در گینه، حدود ۶۰ نفر را به کشتن داد و در ۲۲ مارس ۲۰۱۴ به عنوان بیماری ابولا شناخته شد. در آن زمان WHO آن را "اپیدمی محدود جغرافیایی و منطقه ای" توصیف می کرد. در اواخر ماه مه که این بیماری به سیرالئون رسید و تعداد مرگ و میرها تقریباً به هزار نفر رسید، WHO اپیدمی این بیماری را "هشدار بین المللی" اعلام کرد.

درمان

شیوع ابولا به دلیل کشنده بودن، کمون طولانی مدت و نبود درمان پزشکی مشخص، موجب ترس و وحشت شد. از بین رفتن طاعون، به عنوان یک تهدید در بیشتر نقاط جهان، متکی به اقدامات پیشگیرانه بود تا مداخلات پزشکی. یکی از اصلی ترین اقدامات در برابر گسترش آن یعنی قرنطینه، شامل جداسازی قربانیان به مدت ۴۰ روز (طبق گفته ی کتاب مقدس) بود. در صورت عدم درمان بیماری، قرنطینه سلاح اصلی در برابر ابولا بود. در زمان اپیدمی ابولا در سال ۲۰۱۴، هیچ درمانی وجود نداشت تا اینکه با تولید واکسن در ژانویه ۲۰۱۴، این بحران تقریباً تمام شد.

عواقب اقتصادی

در اکتبر سال ۲۰۱۴، بانک جهانی پیش بینی کرد که ابولا برای کشورهای آسیب دیده در سال ۲۰۱۵، ۲۵ میلیارد دلار، تقریباً معادل دو برابر تولید ناخالص داخلی آن ها ضرر اقتصادی داشته است. در ژانویه سال ۲۰۱۵، این پیش بینی به ۱,۶ میلیارد دلار کاهش یافت که البته هنوز هم رقم قبل توجهی بود، یعنی تقریباً معادل ۱۲٪ تولید ناخالص داخلی. اما در واقع، تأثیر ابولا در سطح فعالیت های اقتصادی بسیار کمتر از این بود. مثلاً افت قابل توجه تولید ناخالص داخلی در سیرالئون در سال ۲۰۱۴، عمدتاً به دلیل سقوط جهانی قیمت سنگ آهن بود و نه ابولا.



Source: World Bank

نمودار ۱۰-رشد تولید ناخالص داخلی اقتصادهای تحت تأثیر اپیدمی، در سال های ۲۰۰۹-۲۰۱۷

تخمین های مشابه و قابل قیاس با تأثیر اقتصادی طاعون، غیرممکن است. اقتصاد پایه پیش بینی می کند که شوکی مانند مرگ سیاه (طاعون)، که باعث کاهش جمعیت می شود اما سهام سرمایه و سایر ذخیره های طبیعی را دست نخورده نگه می دارد، منجر به کاهش تولید می شود

اما دستمزد را نسبت به سایر پرداخت‌های عوامل تولید افزایش می‌دهد. بدون شک، اولین حمله مرگ سیاه (طاعون) در غرب اروپا منجر به بهبودی قابل توجهی در سطح رفاه زندگی برای بیشتر بازماندگان شد. برخی معتقدند که دستمزدهای بالا منجر به صرفه جویی در استخدام نیروی کار و توجه به تکنولوژی جایگزین نیروی کار، مانند چاپخانه گوتنبرگ شده است.

اپیدمی ابولا در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ تحت کنترل سازمان‌های غیردولتی مانند پزشکان بدون مرز، سازمان‌هایی مانند WHO و کشورهای درگیر اپیدمی قرار گرفت. براساس داده‌های WHO، این بیماری همه گیر (ابولا) تا اواسط اکتبر سال ۲۰۱۵ منجر به مرگ ۱۱۳۱۳ نفر شد. تعداد مرگ و میر ابولا بسیار کمتر از مرگ و میر ناشی از قحطی در سومالی در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۱ و یا مرگ و میر ناشی از مالاریا در جنوب صحرای آفریقا در سال ۲۰۱۴ (۰,۴ میلیون)، بود؛ اما تأثیر جهانی آن به مراتب بیشتر بود. در اوج بحران، پل فارمر، متخصص بهداشت عمومی هاروارد، تأکید داشت که "در صورت تشخیص سریع بیماران و مراقبت‌های حمایتی گسترده، اکثر مبتلایان (حتی ۹۰ درصد)، زنده می‌مانند." به عبارت دیگر، با توجه به وحشت ناشی از ابولا و زیرساخت‌های قدیمی سلامت و اقتصادهای فرسوده، کار عملی دیگری نمی‌شد انجام داد.

نکات کلیدی

- ☑ نرخ مرگ و میر بسیار زیاد - تقریباً ۵٪ - در میان کارکنان بهداشتی و درمانی (به نسبت کل مرگ و میرها) در هنگام شیوع ابولا به دلیل استفاده نامناسب آن‌ها از تجهیزات حفاظت فردی بود.
- ☑ فروکش کردن طاعون در قرن شانزدهم و هفدهم به واسطه اقدامات گسترده عمومی در قالب قرنطینه سازی، از بین بردن زباله‌ها و برخورد جدی در مواجهه با تخلفات اتفاق افتاد.
- ☑ اثربخشی اقدامات مرتبط با کنترل یک بیماری به آمادگی و همکاری جامعه و به طور کلی چگونگی برخورد حاکمیت با رفتارهای ضد اجتماعی (عدم همکاری مردم) بستگی دارد.
- ☑ سیاست جداسازی افراد مشکوک به طاعون، کارایی زیادی در کنترل آن داشته است؛ در این خصوص سیاست انگلیس در تعطیل کردن سازمان‌ها و در خانه ماندن افراد سالم، نتیجه مثبتی داشت.
- ☑ از بین رفتن یک بیماری همه گیر بیش تر از اینکه به اقدامات پزشکی بستگی داشته باشد به اقدامات پیشگیرانه بستگی دارد. زیرا عموماً زمان اوج همه گیری هنوز واکسن یا درمانی برای بیماری وجود ندارد. به ویژه قرنطینه و جداسازی مبتلایان نقش مهمی در کنترل همه گیری‌هایی مانند طاعون داشته است.

فصل ۱۲- سیاست‌های پولی کووید ۱۹

آیا فدرال رزرو باید نرخ بهره را در واکنش به کووید ۱۹ پایین بیاورد؟ به طور کلی، فرض کنید که یک بیماری همه گیر و جدی شود و بخش بزرگی از اقتصاد برای چند هفته یا چند ماه از کار بیفتد. در آن صورت بانک فدرال یا سیاستمداران اقتصادی باید چه اقدامی در مورد آن انجام دهند؟

اولین گزینه ممکن این است که بانک فدرال نرخ بهره را پایین نیاورد این یک شوک عرضه کلاسیک است و چیزی به غیر از تقاضا نمی‌تواند آن را بر طرف کند. در صورت بسته بودن فروشگاه‌ها، چه دلیلی برای تشویق هزینه‌های بیشتر وجود دارد؟ حتی اگر به مردم پول داده شود تا زمانی که مغازه‌ها و کارخانه‌ها بسته باشند، نمی‌توانند از این پول استفاده ای کنند. اولین کاری که بانک مرکزی باید انجام بدهد این است که از خود سوال کند که آیا این یک شوک عرضه است یا تقاضا؟ باید به شوک تقاضا واکنش نشان داده شود.

اما عرضه و تقاضا به سادگی قابل تشخیص نیستند. شاید یک شوک عرضه، کاهش تقاضای مرتبط به خودش را موجب شود. یک بیماری همه گیر نیز اثراتی بر تقاضا دارد. مردم در خانه باقی می‌مانند و برای خرید هیچ وسیله ای بیرون نمی‌روند. کار بانک مرکزی این است، که نرخ بهره طبیعی واقعی را مشخص کند و نرخ بهره اسمی بر اساس آن تغییر می‌کند. بنابراین هیچ نیرویی برای بی ثباتی تورم وجود نخواهد داشت. پس اگر اقتصاد فلج شود، مردم هم هیچ هزینه ای نخواهند کرد زیرا فروشگاه‌ها بسته هستند و آن‌ها پول‌هایشان را پس انداز می‌کنند (مگر اینکه هیچ درآمدی نداشته باشند). در نتیجه به همین دلیل مردم برای گرفتن وام نیز اقدام نخواهند کرد و نرخ بهره افت شدیدی می‌کند.

اما نکته این است که به نظر می‌رسد جواب صحیح این است که اساساً سوال مطرح شده اشتباه است. در نظر گرفتن عرضه و تقاضای کل، یک چارچوب اشتباهی برای تصمیم‌گیری است. اگر اقتصاد برای چند هفته یا چند ماه متوقف شود، چه توسط مردم و چه توسط دستورالعمل‌های بهداشت عمومی، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ خاموش کردن اقتصاد مانند خاموش کردن یک لامپ نیست، همانند خاموش کردن یک راکتور هسته ای می‌باشد. باید آن را به آرامی و با دقت انجام داد، در غیر این صورت از بین می‌رود.

در آینده با مشکلات مالی بزرگی مواجه هستیم. فروشگاه‌ها و کارخانه‌ها ممکن است تعطیل شوند، اما همچنان زمان در حال گذر است. کسب و کارها هنوز باید بدون هیچ درآمدی بدهی‌های خود را پرداخت کنند. آنان به احتمال زیاد باید دستمزد کارکنان خود را نیز پرداخت کنند-والا مردم برای پرداخت مواد غذایی چکار باید بکنند؟ مردم مجبور هستند بدون هیچ درآمدی، اجاره و رهن‌های خود را هم پرداخت کنند که این خود به تنهایی می‌تواند موج عظیمی از ورشکستگی، درماندگی و یا ناتوانی در پرداخت صورتحساب‌ها را به دنبال داشته باشد و به آرامی موجب فلج شدن اقتصاد در بلند مدت و ایجاد یک فاجعه مالی گردد.

اگر تولید ناخالص داخلی از دست رفته، برگردد مشکل کاهش خواهد یافت و کفایت در مقابل محصولات آینده، وام گرفته شود اما تولید ناخالص داخلی بر نمی‌گردد. اگر این مشکلات مالی توسط یک بخش از اقتصاد حل نشوند، سطحی از تولید ناخالص داخلی باید به سرعت برگردد. اما تولید ناخالص داخلی ساخته نشده کاملاً جبران نمی‌شود. یک کفاش که در یک روز یک جفت کفش می‌سازد وقتی بیمار شود دیگر کفشی نمی‌سازد. وقتی کفاش بهتر شد باز یک جفت کفش را در یک روز می‌سازد و نمی‌تواند به خاطر زمان از دست رفته، به جای یک جفت دو جفت کفش بسازد. برخی از تقاضاها ممکن است انباشته شوند، برخی از توانایی‌ها برای تولید بالاتر از ظرفیت برای مدتی وجود خواهد داشت اما مشخصاً سوددهی ندارد. بنابراین، پولی که به طور موقت مورد نیاز است نمی‌توان با تکیه بر درآمد آینده قرض گرفت، حتی اگر بانک‌ها وام دهند.

دو بازار آزاد را در نظر بگیرید. در بازار آزاد اول، همه بیمه فراگیر هستند و بیمه در زمان بحران مقدار زیادی پول به بیمه شدگان پرداخت می‌کند و بیمه‌گذار نیز در مواجهه با این رویداد غیر منتظره ورشکسته نمی‌شود. اما این اتفاق نیفتاده است.

در دومین و بهترین بازار آزاد، همه می‌دانند که در هر لحظه ممکن است برای چند ماه اقتصاد فلج شود و هر شخص - هر بنگاه - به اندازه کافی پس انداز دارد که مثلاً شش ماه بدون درآمد، دوام بیاورد. پس انداز احتیاطی باید این کار را انجام دهد. هر چند که بسیاری از اقتصاد دانان مساله "اشباع پس انداز" را عنوان می‌کنند اما اشباع پس انداز متداول نمی‌باشد و تعداد زیادی مصرف کننده بخور و نمیر و شرکت‌های اهرمی وجود دارند. در گذشته، در موقع خراب شدن محصول، قحطی، طاعون، جنگ، فقط برای زمستان برنامه ریزی می‌گردید و واکنش کلی این بود که سعی می‌کردند غلات کافی برای گذر از زمستان داشته باشند. البته این مطلب همیشه و برای همه صادق نبود.

به فدرال برگردیم. در صورت عدم وجود پس انداز احتیاطی، ممکن است مطالبات مالی خاموش شوند اما نمی‌توان کل اقتصاد را خاموش کرد. مردم به غذا، گرما، برق، نفتلیکس، بیمارانها و موارد دیگر نیاز دارند. در مجموع، به نظر می‌رسد که به یک برنامه برای بحران مالی همه گیر با جزئیات کامل نیاز داریم. شاید بتوان گفت "وثیقه‌های عاقلانه هدفمند" واقعاً تنها راهی است که می‌تواند با توجه به عدم وجود بیمه برای همه گیری، از ورشکستگی کسب و کار و مردم جلوگیری کند.

ما به یک برنامه مالی واکنش همه گیر با جزئیات نیاز داریم، مانند یک برنامه که دولت‌های محلی و FEMA برای بلاای طبیعی از قبیل: زمین لرزه، سیل، آتش سوزی یا طوفان بطور معمول در نظر می‌گیرند. آیا چنین برنامه ای وجود دارد؟ آیا بدون پیش برنامه ریزی، سیستم‌های سیاسی می‌توانند با موفقیت از این بحران بگذرند؟

باید بدانیم که چگونه جلوگیری کنیم از خطر روحی که این مداخلات ایجاد می‌کنند. همه گیری یک مساله عادی است. وثیقه در آینده انگیزه لازم برای پس انداز احتیاطی را کاهش می‌دهد. این کار با همان کمک مالی و قوانین شروع می‌شود و باعث خاموش شدن سیستم بانکی مبتنی بر بدهی می‌شود.

ممکن است بگویم کاهش نرخ می‌تواند به نقدینگی کمک کند. اما میزان تاثیر یک شبه آن بر کسب و کارهایی که نیاز به وام دارند تا بتوانند رهن، اجاره، دستمزد، قبض برقی و پرداخت بدهی را بدون هیچ گونه درآمدی بپردازند، بسیار ناچیز است و آنها در صورت وجود تجهیزات مورد نیازشان، قادر به خریدشان نمی‌باشند و بانکها هم از پرداخت چنین وام‌هایی با هر نرخ که باشد، خودداری می‌کنند. بنابراین بحث بر روی کاهش نرخ بهره در زمانی که فلج شدن اقتصاد جدی است، یک دیدگاه تاریک است اما یک راه حل خیلی کوچک برای حل مشکلی اساسی است.

نکات کلیدی

- بانک مرکزی بر نرخ بهره واقعی نظارت داشته باشد و نرخ بهره اسمی خودش مشخص می‌گردد.
- سیاست‌های پولی دولت‌ها می‌تواند منجر به تورم گردد.
- توقف کل اقتصاد یک جامعه خطر ناک می‌باشد و عواقب وخیمی به دنبال دارد.
- بسیاری از کسب و کارها دچار ضرر و زیان‌هایی می‌گردند که قابل جبران نمی‌باشد زیرا تقاضا انباشته نمی‌شود.
- در زمان وقوع کووید-۱۹، تولید ناخالص داخلی کاهش می‌یابد و این کاهش تولید به دلیل محدود بودن زمان بطور کامل جبران نمی‌گردد.
- بدون پیش برنامه ریزی، سیستم‌های سیاسی نمی‌توان با موفقیت از این بحران گذر نمود.
- بحث بر روی کاهش نرخ بهره در زمانی که فلج شدن اقتصاد جدی است، یک راه حل خیلی کوچک برای حل مشکلی اساسی است.

^{۶۱} Netflix

^{۶۲} judiciously targeted bailouts

فصل ۱۳- اثرات اقتصادی همه گیری

کمی بیش از ده سال پیش، با همکاری متخصصان سلامت، مطالعه ای برای بررسی اثرات اقتصادی همه گیری آنفلوآنزا آغاز شد. هدف ارایه یک مدل کلان اقتصادی بود تا تأثیرات تعادل عمومی را بررسی کنند. در دهه ۱۹۹۰ الگویی به نام COMPACT ارایه^{۶۳} و به دنبال آن مقاله ای تدوین شد که در مجله اقتصاد سلامت منتشر شد.^{۶۴} هر چند که شیوع کووید ۱۹ متفاوت از این مطالعه است و امیدواریم که کووید ۱۹ به یک بیماری همه گیر تبدیل نشود. اما اگر کووید ۱۹ تبدیل به یک بیماری فراگیر شود، تجربیات این مقاله مفید خواهند بود.

در ابتدا گفتن این نکته ضروری است که اقتصاد برای هرگونه بیماری که دارای نرخ مرگ و میر قابل توجهی باشد، تبعات سلامتی ثانویه دارد (همانطور که به نظر می رسد کووید ۱۹ تاکنون این موارد را دارد). اقتصاد به خودی خود مهم است و به عنوان هشدار برای جلوگیری از اقداماتی است که بر تعداد مرگ و میرها تأثیر نمی گذارند و فراتر از آن هیچ رابطه معنی داری بین جلوگیری از مرگ و میر و از دست دادن درصدی از تولید ناخالص داخلی برای کمتر از نصف سال، وجود ندارد.

بگذارید کمترین تأثیر را از دیدگاه اقتصادی شروع کنیم. کارگران به دلیل مریضی از مرخصی بیشتری استفاده می کنند که موجب کاهش تولید می گردد. این امر تا حدی مهم است و راهکارهایی کم و بیش برای آن وجود دارد. به عنوان مثال، کسانی که بیمار شده و بعد از بهبودی به سر کار خود برگردند، می تواند اضافه کاری کار کنند. این امر باعث افزایش هزینه ها می شود و ممکن است منجر به تورم موقتی شود، اما بانک مرکزی باید این تورم را نادیده بگیرد. این تأثیر مستقیم همه گیری موجب کاهش درصد کمی از تولید ناخالص داخلی می شود. میزان کاهش بستگی به نسبت جمعیتی که بیمار می شوند، نرخ مرگ و میر و افرادی دارد که کار خود را رها می کنند تا دچار بیماری نشوند. تأثیر همه گیری تولید ناخالص داخلی خیلی کم و حدود ۱٪ تا ۲٪ است، زیرا بعد از همه گیری، بنگاه ها با افزایش تولید، تقاضای به تعویق افتاده را برآورده می کنند.

البته همه این فروض به شرطی بر قرار است که مدارس در زمان شیوع بیماری تعطیل نباشند. تعطیلی مدارس می تواند باعث کاهش بیشتر عرضه نیروی کار شود اگر برخی از کارگران مجبور باشند که برای مراقبت از کودکان خود، مرخصی بگیرند. با توجه به فرضیات مطالعه انجام شده، بیشتر شدن مدت زمان تعطیلی مدارس موجب کاهش بیشتر تولید ناخالص داخلی می گردد. نکته مهم این است که تعطیلی مدارس در سراسر کشور نه تنها بر افراد مبتلا به این بیماری بلکه روی افرادی که بچه دارند نیز تأثیر می گذارد.

اما حتی با وجود تعطیلی تمام مدارس به مدت سه ماه و تعطیلی ادارات، بیشترین تأثیر برای از دست دادن تولید ناخالص داخلی طی یک سال، کمتر از ۵ درصد خواهد بود. درست است که رکود اقتصادی که به وجود می آید شدید است اما دلیلی وجود ندارد که پس از پایان همه گیری، اقتصاد نتواند قدرت اول خود را بازیابد. بر خلاف رکود طبیعی، در این مورد اطلاعاتمان در مورد عوامل کاهش تولید و زمان پایان آن، کاملاً واضح و مشخص است.

همه این تحلیل ها بر پایه این فرض است که رفتار مصرف کننده هایی که هنوز به این بیماری مبتلا نشده اند، تغییر نکند. برای همه گیری هایی که به تدریج گسترش می یابند، این احتمال بسیار بعید به نظر می رسد. مهمترین نکته ای که وجود دارد این است که بیماری همه گیر فقط یک شوک عرضه نیست. بلکه می تواند یک شوک تقاضا نیز ایجاد کند که بسته به نحوه رفتار مصرف کنندگان، بخش های خاصی را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد. امروزه بسیاری از مصرف ما را می توان اجتماعی نامید، یعنی انجام کارهایی که فرد در تماس با دیگران است - مانند رفتن به قهوه خانه، رستوران، مسابقه فوتبال یا مسافرت. دیگر بخش های خدماتی هم که شامل تماس فردی هستند (مانند آرایشگاه) و می توان به راحتی زمان مراجعه به

^{۶۳} Darby et al. 1998

^{۶۴} Keogh-Brown 2009

آنها را به تعویق انداخت، ممکن است تحت تاثیر قرار بگیرند.

اگر نگرانی مردم از بیماری موجب کاهش مصرف اجتماعی شود، تاثیر همه گیری بر اقتصاد شدیدتر خواهد بود. شاید بعد از اتمام بیماری همه گیر، سلیقه غذایی افراد تغییر کند اما مشخصاً میزان مصرف خالص وعده‌های غذایی (در رستوران‌ها و ...) در سال کاهش زیادی خواهد داشت.

بزرگترین تاثیر بر تولید ناخالص داخلی زمانی رخ می‌دهد که افراد برای جلوگیری از مبتلا شدن به بیماری مصرف اجتماعی شان را کاهش دهند. اما کاهش در مصرف اجتماعی، در همه سناریوها به یک میزان نمی‌باشد و دلیل آن هم بسیار ساده است. عرضه و تقاضا مکمل هم می‌باشند. اگر مدارس تعطیل شوند و افراد وقت کمتری را صرف کار کنند، افزایش در شوک عرضه باعث کاهش آسیب شوک تقاضا می‌گردد. بیشترین کاهش در تولید ناخالص داخلی سالانه در همه حالات مورد بررسی، ۶٪ می‌باشد.

آیا سیاست‌های پولی یا مالی مرسوم می‌توانند کاهش مصرف اجتماعی را جبران کنند؟ فقط تا حدی، زیرا افت مصرف در بخش‌های خاصی متمرکز است. آنچه مهمتر است و آنچه در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته است، این است که اگر بانک‌ها نتوانند از طریق تأمین مالی به شرکت‌هایی که با کاهش ناگهانی تقاضا روبرو هستند، کمک کنند چه مشکل بزرگی بوجود خواهد آمد؟ در حالی که بانک‌ها می‌دانند که برخی از کسب و کارها که قبلاً بدهکار هستند احتمالاً نتوانند با وام‌های کوتاه مدت اضافی، دوام بیاورند و منجر به تعطیلی کسب و کارها در طول همه گیری می‌گردد.

از منظر دیگر باید شاهد سقوط بورس سهام در سراسر جهان باشیم. از دیدگاه اقتصاد کلان این یک شوک یک طرفه است، مارتین سندبو به درستی اذعان می‌دارد که واکنش اخیر بازار سهام باور نکردنی است.

اگر مدیریت بانک مرکزی یا دولت در دست اقتصاد دادن‌ها بود، نیاز بود تا هم اکنون مذاکراتی را با بانک‌ها در مورد عدم اجبار بنگاه‌ها به اعلام ورشکستگی در طی هرگونه بیماری همه گیر، انجام گیرد.

از سوی دیگر اقتصاد می‌تواند بر نتایج سلامت و نه صرفاً منابع خدمات درمانی تأثیر بگذارد. برای اقلیت کارگران خویش فرما که هیچگونه دستمزدی در زمان مریضی دریافت نمی‌کنند و افراد بدون حمایت مالی، این مسئله بسیار مهم است. یکی از نگرانی‌های مربوط به شیوع این بیماری همه گیر، این است که در صورت ابتلا به این بیماری، برخی کارگران نمی‌توانند کار خود را متوقف کنند. در نتیجه به نظر می‌رسد که ایجاد صندوقی مانند صندوق مرخصی بیماران مورد نیاز است تا در صورتی که کارگران علائم ویروس کرونا را داشتند به آن مراجعه کنند.

همچنین دولت‌ها باید در مورد تداوم خدمات عمومی و رفاهی در هنگامی که ارائه دهندگان مریض شده‌اند و نمی‌توانند به کار گرفته شوند، بیاندیشند. در حقیقت، تاکنون دولت‌ها کارهای زیادی را برای مقابله با همه گیری انجام داده‌اند. در مواقعی مانند همه گیری، واقعاً به دولت‌هایی نیاز است که سریع عمل کنند و به فکر آینده باشند.

نکات کلیدی

- بیماری کووید-۱۹ به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر تولید تاثیر می‌گذارد.
- بیماری نیروی کار، مرگ و میر نیروی کار، رها کردن شغل به دلیل ترس از مبتلا شدن به بیماری، تعطیلی مدارس و مجبور شدن افراد برای ماندن در خانه و مراقبت از فرزندان عواملی هستند که به طور مستقیم باعث کاهش تولید می‌گردند. البته درصد کاهش تولید در اثر این عوامل زیاد نمی‌باشد.
- رکودی که در اثر کووید-۱۹ به جوامع وارد می‌شود با برنامه ریزی مناسب به سرعت قابل رفع می‌باشد زیرا عوامل ایجاد کننده آن و زمان پایان مشخص می‌باشد.

- ☑ بخش‌های خدماتی با افت مصرف شدیدی مواجه می‌باشند که این کاهش بعداً نیز جبران نمی‌گردد.
- ☑ کووید-۱۹ باعث سقوط بازار بورس می‌گردد.
- ☑ در زمان بیماری کووید-۱۹، بخش اقتصاد از طریق تامین منابع خدمات درمانی و پشتیبانی مالی از کارگران (مانند تاسیس صندوق مرخصی کارگران بیمار) نقش مهمی در نتایج سلامت ایجاد می‌نماید.
- ☑ دولت‌ها در این شرایط بحرانی باید تصمیمات سریع و آینده‌نگری اتخاذ نمایند.

فصل ۱۴ - افکار مثبت در ارتباط با کووید ۱۹

هنوز خیلی زود است که بفهمیم آیا بیماری همه گیر ویروس کرونا فقط منجر به یک ترس بزرگ می شود یا یک فاجعه بزرگ را به همراه دارد. برخی از اپیدمیولوژیست ها این نگرانی را دارند که احتمالاً نیمی از جمعیت جهان آلوده شوند. این ویروس با نرخ مرگ و میر ۲٪، احتمال دارد که ۱٪ از ساکنان فعلی کره زمین را از بین ببرد. یعنی چیزی حدود ۷۸ میلیون نفر، که تقریباً اندازه جمعیت آلمان یا ترکیه است. توصیف چنین تهدیدی بسیار مشکل است.

پس چگونه می توان درباره این تهدید بزرگ، مثبت فکر کرد؟ تاکنون، این بیماری همه گیر مانند یک تست رورشاخ^۵ نظر می رسد، که عملکرد دولت ها به طور گسترده توسط آن سنجیده می شود. مشاهده اینکه چگونه دولتها نسبت به این تهدید واکنش نشان می دهند، جالب است. حتی اگر اپیدمی به زودی از بین برود، باز هم نتیجه می تواند قابل توجه باشد.

چین را در نظر بگیرید، کشوری که دولتش به گسترش رژیم استبدادی و پنهانی خود در سراسر جهان علاقه مند است. در ابتدا پنهان کاری در مورد بیماری وجود داشت که در ادامه با توجه به اتفاق هایی که افتاد دولت مجبور شد تا حقایق را روشن کند. در نتیجه در عرض ۱۰ روز بیمارستان عظیمی را ساخت که دستاورد مهمی برای این کشور بود.

مشاهدات مشابه در مورد سایر رژیم های استبدادی و مخفی کار اعمال می شود. در برخی کشورهای دیگر مانند ایران نیز تعداد اعلام شده از مبتلایان غیر واقعی بود تا زمانی که تعداد مرگ و میر، بسیار زیاد شد. به نظر می رسد روسیه هم همین رویه را پیش گیرد. دقیقاً مانند رویکردی که نسبت به بیماری ایدز داشت. همانطور که از پرونده چرنوبیل می دانیم، زمانی که مردم متوجه شدند که دولت برای حفظ رژیم، نسبت به زندگی مردم ممکن است بی تفاوت باشد، واکنش هایی نشان دادند که برای دولت تهدید کننده بود. همیشه بهایی را دیر یا زود باید پرداخت کرد.

تکذیب اولیه ترامپ در رابطه با این موضوع همانند دروغ های دیگر به زودی آشکار خواهد شد. شاید سیستم بهداشت و درمان آمریکا نسبت به سایر کشورها برای مقابله با این بیماری همه گیر آماده تر باشد، اما اگر تعداد مرگ و میری که می توانست جلوی آن گرفته شود، فاش شود، رئیس جمهور ضربه مهلکی خواهد خورد. دولت ایتالیا و کره جنوبی نیز بسیار دیر واکنش نشان دادند. یا آن ها از آنچه اتفاق می افتاد آگاه نبودند و یا از اینکه چه کاری باید انجام دهند بی اطلاع بودند، که این مسئله بی کفایتی آن ها را نشان می دهد. در فرانسه، اتحادیه های صنفی سیاسی کارگران بهداشت، بلافاصله دولت را برای کمبود منابع مقصر دانستند، که کند، با زور و غیرشفاف عمل می کند. اختلافات در کشورهایی که به بخش های کوچکتر تقسیم شده اند نیز به مراتب افزایش خواهد یافت.

کشتی مسافرتی که در یوکوهاما لنگر انداخته بود، تبدیل به ظرف کشت میکروب شد. با کمال تعجب، مقامات بهداشتی ژاپن، به دلیل کمبود تجهیزات، تنها از تعداد اندکی از مسافران آزمایش گرفتند. در همین زمان، یک کشتی دریایی دیگر در هنگ کنگ قرنطینه شد و سریعاً تمام مسافران مورد آزمایش قرار گرفتند. مشخص است که ژاپن کشور فقیری نیست و از مهارت ها و امکانات کافی برخوردار است و سیاست مداران آن تاکنون عملکرد منفی را در قبال چنین وقایعی نداشته اند. مانند شفاف سازی که در خصوص حادثه فوکوشیما اتفاق افتاد.

کشور سوئیس به محض شناسایی دو مورد مثبت اول، مراکزی را برای آزمایش ویروس ایجاد کرد و از وقوع اتفاق بزرگتر (بیش از ۱۰۰۰ نفر مبتلا) جلوگیری کرد. نمایشگاه های بسیار گران قیمت، مانند نمایشگاه اتومبیل ژنو یا نمایشگاه معتبر ساعت، فوراً لغو شدند. برای کشوری که اغلب به دلیل

^۵ یک آزمون روانی فرافکن است که در آن افراد مورد معاینه، تلقی خودشان را از لکه های عجیب و غریب جوهر می گویند و بر اساس این تفسیر و تلقی، روانشناس، نوع شخصیت یا عملکرد احساسی فرد یا حتی اختلالات ذهنی اش را تشخیص می دهد.

کند بودن در همه چیز (به جز شاید اسکی در سرایشی) تاکنون مورد تمسخر قرار گرفته است، سرعت واکنش سوییس در این همه گیری باعث کاهش شیوع آن شد. سپس به اسرائیل نگاه کنید، که افراد خارجی از کشورهای آلوده را فوراً به کشورهایشان بازگرداند. این کشور هیچ مسافری را از کشورهای دیگر نمی پذیرد و همچنین شهروندان اسرائیلی که از سایر کشورها وارد کشور می شوند، فوراً قرنطینه و مراقبت می شوند. اگر این یک ذهنیت نظامی نیست، پس چیست؟

اپیدمیولوژیست‌ها از تاثیر این بیماری همه گیر در کشورهای فقیر و فاقد تجهیزات نگران هستند. قزاقستان و ساحل عاج، شهرهای کاملاً جدیدی را بنا کرده اند، اما آن‌ها مانند بسیاری از کشورهایی که ارتش آن‌ها سلاح پیشرفته دارند، سیستم‌های بهداشتی ابتدایی دارند. این در حالی است که همواره اقتصاددانان از دیرباز بر سیستم‌های بهداشتی به عنوان اولویت توسعه برای کشورها تاکید کرده اند.

این مثال‌ها و بسیاری موارد دیگر که در هفته‌های آینده ممکن است شاهد آن باشیم نشان می‌دهد که چطور در آینده نزدیک عملکرد دولت‌ها در قبال این بیماری می‌تواند مورد نقد قرار گیرد و این مسئله چیزی نیست که بتوان آن را پنهان کرد و دیر یا زود معلوم می‌شود که چه درصدی از مرگ و میرها به دلیل اقدامات نامناسب دولت‌ها بوده است. همچنین توجه به این نکات برای همه گیری‌های آینده نیز درس‌هایی را خواهد داشت.

در همین حال، این بیماری همه گیر بسته به وسعت و مدت آن به رشد اقتصادی آسیب می‌رساند. آیا این تفاوت‌ها در معالجه بیماری همه گیر، واکنش‌های سیاسی اقتصاد را نشان می‌دهد؟ بعید به نظر می‌رسد که ارتباط مستقیمی داشته باشند. مقامات چینی با یک دستور، اقتصاد را تعطیل کردند. آن‌ها می‌توانند به راحتی و با تزریق پول نقد دوباره شروع به کار کنند تا ضربات اقتصادی و سیاسی را جبران کنند. ایتالیا هم اکنون از کمیته اروپا در مورد کسری بودجه خود درخواست کمک کرده است. بانک‌های مرکزی بزرگ اعلام کرده‌اند که بازارهای مالی را به دقت رصد می‌کنند و بانک ژاپن شروع به خرید سهام کرده است. این احتمالاً نشان می‌دهد که هرچه درمان این بیماری همه گیر طول بکشد، واکنش سیاسی اقتصاد شدیدتر خواهد بود - گویی "پول می‌تواند برای من عشق فراهم کند".

مسئله جدی‌تر این است که چه چیزی اختلافات را به وجود می‌آورد. جواب ساده برای آن ساختارهای دولتی هستند که نتیجه تاریخ، فرهنگ، اختلافات قومی، رژیم‌های سیاسی و قوانین انتخاباتی هستند. به صورت عمیق هنوز این مسئله مطرح است که ویژگی‌های جوامع به ارزش‌های حاکم بر آن و دین مرتبط است.

نکات کلیدی

- کووید-۱۹ در صورت همه گیری شدن در دنیا با نرخ مرگ و میر ۰.۲٪، موجب مرگ و میر ۷۸ میلیون نفر در دنیا می‌گردد.
- اگر کووید-۱۹ همه گیر هم نشود، اثراتی که بر اقتصاد دارد قابل توجه می‌باشند.
- هر چه درمان کووید-۱۹ بیشتر به طول بینجامد، تبعات اقتصادی بیشتری به دنبال خواهد داشت.
- سیستم بهداشتی پیشرفته اولویت توسعه کشورها می‌باشد که تاثیر مهمی بر میزان مرگ و میر و روند کووید-۱۹ دارد.
- عملکرد دولتها نقش مهمی در اثرات سلامت و اقتصادی ایفا می‌کنند.